|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| [مربوط به :[**بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل - 1366/06/31**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8089)عنوان فیش : بنیاد خانوادهکلیدواژه(ها) : [بنیاد خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2838)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :ما باید در كشورهای خود با فساد مبارزه‌ای جدی آغاز كنیم؛ باید بنیان خانواده را محكم و نخستین و اصلیترین پرورشگاه آدمی را كانون محبت، صفا، عاطفه و معنویت سازیم. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل - 1366/06/31**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8089)عنوان فیش : بنیاد خانوادهکلیدواژه(ها) : [بنیاد خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2838)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :ما باید در كشورهای خود با فساد مبارزه‌ای جدی آغاز كنیم؛ باید بنیان خانواده را محكم و نخستین و اصلیترین پرورشگاه آدمی را كانون محبت، صفا، عاطفه و معنویت سازیم. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش - 1391/02/03**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19442)عنوان فیش : جامعه دینیکلیدواژه(ها) : [جامعه دینی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1772)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :اگر چنانچه در یك نظامی، در یك مجموعه‌ای، در یك كشوری، در یك جامعه‌ای، حاكمیت و نظام، نظام الهی است، نظام عادلانه است، آن كسانی كه اطاعت از این نظام میكنند، مورد عفو الهی هستند؛ ولو خطاهائی هم داشته باشند.مربوط به :[**بیانات در آغاز درس خارج فقه‌ - 1374/06/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2763)عنوان فیش : جامعه دینی, جامعه غیر دینی, عالِم دینیکلیدواژه(ها) : [جامعه دینی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1772), [جامعه غیر دینی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1906), [عالِم دینی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2133)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :چنانچه جامعه‌ای بی‌دین شد، طبیعتاً احساس نیاز به علما نمی‌کند؛ اما وقتی جامعه متدّین است، به علما و معلّمین اخلاق و دین و معارف احساس نیاز می‌کند.مربوط به :[**خطبه‌های نمازجمعه در چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) - 1372/03/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2671)عنوان فیش : جدایی دین از سیاست, جامعه دینی, دنیای منهای دین, دین‌زدایی, دولت دینی, نظام جمهوری اسلامی ایرانکلیدواژه(ها) : [جدایی دین از سیاست](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1687), [جامعه دینی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1772), [دنیای منهای دین](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3057), [دین‌زدایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3066), [دولت دینی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5472), [نظام جمهوری اسلامی ایران](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1437)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :جمهوری اسلامی عملا اثبات كرد و نشان داد كه دین در صحنه‌ی زندگی انسانها دخالت دارد و دین مقدس اسلام نیامده است تا انسانها در كنج معبدها، فقط به عبادت مشغول شوند.مربوط به :[**بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی - 1371/01/15**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2609)عنوان فیش :تشکیل جامعه‌ی اسلامی، برنامه پیغمبران برای رسیدن انسان‌ها به کمالکلیدواژه(ها) : [جامعه دینی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1772)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :جامعه‌ای الهی، جامعه‌ای است با دل انسانی؛ جامعه‌ای است با احساسات و عواطف صحیح و سالم؛ جامعه‌ای است که در آن، کسی به کسی و آن جامعه به جوامع دیگر ظلم نکند؛ جامعه‌ای است که در آن، هر کاری با این احساس که «خدا می‌بیند و مؤاخذه می‌کند» انجام می‌گیرد؛ جامعه‌ای است که آحادش دچار غفلت نیستند؛ غرق در مادیت نیستند؛ غرق در خودخواهی و خودپرستی نیستند و کار برای خدا و برای رسیدن به آستان لقای او انجام می‌گیرد. چنین جامعه‌ای کامل است و انسانی که در این جامعه زندگی کند، در نیل به کمال، موفق است.(...)اکنون این سؤال پیش می‌آید: «پیغمبران برای این‌که انسانها به این مرحله برسند و موانع راه را برطرف کنند، چه ارمغان و برنامه و دستوری دارند؟آیات قرآن جواب می‌دهد. آیه‌ای که در آغاز سخن تلاوت کردم، اصل هدف را بیان می‌کند: «انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی اللَّه باذنه و سراجا منیرا»(1)؛ ای پیامبر! تو را چراغی روشن قرار دادیم دعوت کننده به خدا؛ بشارت دهنده‌ی مردم به ثواب الهی و ترساننده‌ی آنها از عقاب و غضب الهی و از بدبختیهایی که در سر راه بشر کمین کرده است.اما در راه این هدف، مرحله‌ی دیگری هم وجود دارد و آن، تشکیل نظام و جامعه‌ی اسلامی است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط(2)»، یعنی جامعه‌ی عادلانه. انبیا آمدند تا جامعه‌ی عادلانه درست کنند.1 ) سوره مبارکه الأحزاب آیه 45يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنّا أَرسَلناكَ شاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذيرًاترجمه :ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذارکننده!1 ) سوره مبارکه الأحزاب آیه 46وَداعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذنِهِ وَسِراجًا مُنيرًاترجمه :و تو را دعوت‌کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی‌بخش!2 ) سوره مبارکه الحديد آیه 25لَقَد أَرسَلنا رُسُلَنا بِالبَيِّناتِ وَأَنزَلنا مَعَهُمُ الكِتابَ وَالميزانَ لِيَقومَ النّاسُ بِالقِسطِ ۖ وَأَنزَلنَا الحَديدَ فيهِ بَأسٌ شَديدٌ وَمَنافِعُ لِلنّاسِ وَلِيَعلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالغَيبِ ۚ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزيزٌترجمه :ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوّی و شکست‌ناپذیر است! |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» - 1391/04/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388)عنوان فیش : خانواده در غرب, بحران غرب, انحطاط غربکلیدواژه(ها) : [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [بحران غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2236), [انحطاط غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4905)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :امروز یكی از مشكلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی هویت است. اینها گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی بمرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پر زرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت.مربوط به :[**بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» - 1391/04/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388)عنوان فیش : خانواده, خانواده در غرب, الگوی اسلامی زن, زنکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [الگوی اسلامی زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1164), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :زن بودن، برای زن یك نقطه‌ی امتیاز است، یك نقطه‌ی افتخار است. این افتخاری نیست برای زن كه او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور كنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم. فرهنگ غربی خانواده را متلاشی كرد.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانواده, خانواده در غربکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانواده در غربکلیدواژه(ها) : [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :عقیده‌ی من این است که بیشترین جریمه‌ی غرب در مسئله‌ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانواده در غربکلیدواژه(ها) : [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :غرب در قضیه‌ی زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیقی به سر میبرد.مربوط به :[**بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد - 1386/10/13**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3416)عنوان فیش :نمونه‌هایی از تلاش دشمن برای ایجاد يأس و مانع‌تراشی در روند پیشرفت کشورکلیدواژه(ها) : [اعتماد به نفس ملی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=998), [پیشرفت علمی ایران](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1851), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [بحران غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2236), [انحطاط غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4905), [نقشه دشمن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2206), [یأس‌پراکنی دشمن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4906), [مسئله هسته‌ای ایران](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1183), [منافع انرژی هسته ای](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4907), [صنعت سیلوسازی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4908), [سدسازی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4909), [تاریخ پیشرفت علمی جمهوری اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5078), [خودکفایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1678), [جهاد خودکفایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2227)نوع(ها) : روایت تاریخیمتن فیش :سه مانع اصلی در راه فرایند اعتماد به نفس و به ثمر رسیدنش وجود دارد كه ما باید متوجه این سه رخنه باشیم. این سه رخنه می‌توانند فرایند اعتماد به نفس ملی و منتهی شدن آن به پیروزی‌های پی‌درپی و رسیدن به آرمان‌ها را مخدوش كنند.اول، ایجاد یأس است؛ تیره كردن افق، به رخ كشیدن فاصله‌های علمی...در مورد این مسئله‌ی اول كه پراكندن نومیدی و یأس است، من اصرار دارم شما جوانها بیشتر فكر كنید، تأمل كنید و نشانه‌هایش را ببینید. همین الآن دارند این كار را می‌كنند؛ یك عده‌ای هم برای آن‌ها و از زبان آن‌ها و از حنجره‌ی آن‌ها به نفع آن‌ها حرف می‌زنند.حالا این چند مورد را ببینید: یكی از آن‌ها مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است. در داخل كشور خودمان جنجال راه انداختند كه آقا انرژی هسته‌ای هزینه‌ی بدون سود است؛ چرا دارید این كار را می‌كنید؟ حالا تبلیغات جهانی كه این مسئله را كاملًا دنبال می‌كرد و هنوز هم می‌كند؛ اما در داخل كشور خودمان از اولی كه این مسئله‌ی هسته‌ای مطرح شد، از پنج شش سال قبل از این تا حالا مرتباً این مطلب را گفته‌اند و تكرار كرده‌اند. حتّی عده‌ای نامه نوشتند و گفتند آقا ما فیزیكدانیم. اینكه می‌گویند ما توانسته‌ایم دستگاه‌های سانتریفیوژ را راه بیندازیم، اصلًا واقعیت ندارد! به قدری قرص این را گفتند كه ما مجبور شدیم افرادی را بفرستیم و بگوئیم بروند بازرسی كنند، درست ببینند؛ نكند كه همینی كه این‌ها می‌گویند، باشد. این، مال پنج شش سال قبل است. رفتند، آمدند گفتند نه آقا! كار، بسیار خوب، صحیح، علمی و محكم دارد انجام می‌گیرد. اول گفتند نمی‌شود، نمی‌توانیم؛ بعد كه دیدند توانستیم، گفتند آقا این هزینه‌ای است كه سود ندارد، فایده‌ای ندارد. بنده در سخنرانی عمومی عید نوروز سال گذشته مفصل در باره‌ی این صحبت كردم و نمی‌خواهم تكرار كنم. چطور فایده‌ای ندارد؟ ما برای بیست سال دیگر حداقل بایستی بیست هزار مگاوات برق از انرژی هسته‌ای به دست بیاوریم. برآوردی كه برای مصرف انرژی در كشور و تولید برقِ مورد نیاز كرده‌اند، حداقل بیست هزار مگاوات باید از طریق انرژی هسته‌ای باشد؛ و الّا ما باید برق را از دیگران گدائی كنیم؛ یا اگر نتوانستیم گدائی كنیم، یا ننگمان آمد، یا به ما ندادند، از خیر چیزهائی كه با نیروی برق می‌چرخد، باید بگذریم؛ از كارخانه، از تولید، از بسیاری از ابزارهای پیشرفت. خب، ما كِی شروع كنیم تا بتوانیم بیست هزار مگاوات را بیست سال دیگر به دست بیاوریم؟ الآن اگر دیر هم نشده باشد، قطعاً زود نیست. ممكن است دیر هم شده باشد. ببینید چه مغالطه‌ی عجیبی است كه «آقا احتیاج نداریم»! یا می‌گویند: شما نیروگاه هسته‌ای كه نمی‌توانید بسازید؛ این اورانیوم‌های غنی‌شده‌ی سه چهار درصد را برای چه می‌خواهید؟ باز بحث «نمی‌توانید» است. چرا نمی‌توانیم؟ ملتی كه بدون كمك و بدون استاد توانست یك چنین مراكز عظیم غنی‌سازی را به وجود بیاورد، چرا نتواند نیروگاه بسازد؟ باید بتوانیم. چرا نتوانیم؟ یك روزی می‌گفتند: شما نمی‌توانید نیروگاه بخاری هم بسازید. من یادم هست دوره‌ی ریاست جمهوری خود من بود؛ نیروگاهی بود كه در زمان رژیم گذشته شروع شده بود، نصفه‌كاره مانده بود. می‌آمدند می‌رفتند تا دلالهای بین‌المللی از یك‌ كشوری بیایند آن را درست كنند. بعضی‌ها هم می‌گفتند ما در داخل می‌توانیم درست كنیم. ما چند نفر از مسئولین مرتبط با این مسائل را در دفتر ریاست جمهوری خواستیم- چند تا از رؤسای كشور را- نخست‌وزیر و دیگران را هم دعوت كردیم تا بحث كنیم. این‌ها آمدند گفتند: آقا امكان ندارد كه ما بتوانیم آن نیروگاه را- كه نزدیك تهران هم هست- به آخر برسانیم و افتتاح كنیم. این، قضاوت آن‌ها بود. گفتند: اصلًا امكان ندارد؛ حتماً بایستی خارجی بیاید. ما خارجی را نیاوردیم؛ متخصص داخلی رفت آن را كامل كرد، درست هم كرد، الآن هم سالهاست كه دارد برق می‌دهد و از تولید او دارد كشور استفاده می‌كند.اول انقلاب جهاد سازندگی می‌خواست سیلو بسازد. می‌دانید سیلوهای ما را در دوران طاغوت، شوروی‌ها می‌ساختند. رژیم طاغوت گندم را از آمریكا می‌گرفت، سیلویش را شوروی می‌ساخت! سیلو ظاهرش ساده است، اما نسبتاً فناوری پیچیده‌ای است. جهاد سازندگی گفت می‌خواهیم سیلو بسازیم؛ از اطراف صدا بلند شد كه آقا نمی‌توانید؛ بیخود خودتان را معطل نكنید، سرمایه‌ی كشور را هم به باد ندهید. یك نمونه‌ی سیلوی كوچكی در خوزستان ساختند كه بنده آن وقت رفتم بازدید كردم. امروز كشور جمهوری اسلامیِ شما یكی از سیلوسازهای درجه‌ی یك دنیاست؛ جزء كشورهای سیلوساز برجسته‌ی درجه‌ی یك است.یكی از سدهای نزدیك تهران آب می‌داد. گفتند بروند این را درست كنند؛ گفتند خود كمپانی سازنده‌ی این سد باید بیاید؛ رفتند آوردند. این هم مربوط به اوائل ریاست جمهوری ماست. می‌گفتند: مگر ما می‌توانیم سد درست كنیم؟ همین تلقیناتِ گذشته بود. جوانهای ما همت كردند، رفتند سراغ سدسازی. امروز كشور جمهوری اسلامی به فضل الهی بهترین سدساز این منطقه است. در منطقه‌ی ما هیچ كشوری مثل جمهوری اسلامی مسلط بر ساختن سدهای بزرگ- چه سد بتونی، چه سد خاكی- نیست. سدهائی كه ما ساختیم، از مشابه‌های خودش كه زمان طاغوت به وسیله‌ی شركتهای خارجی ساخته شده، بهتر و با ظرفیت بیشتر و البته با هزینه‌ی بسیار بسیار كمتر است؛ كار خودمان هم هست. چرا نمی‌توانیم؟ نخیر، نیروگاه هسته‌ای هم می‌توانیم بسازیم؛ باید بسازیم. امروز شروع بكنیم، چند سال دیگر جواب خواهد داد. چند سال دیگر شروع بكنیم، چند سال بعدش جواب خواهد داد. اگر شروع نكنیم، عقب می‌مانیم. امروز اگر غنی‌سازی را شروع نمی‌كردیم، بایستی ده سال بعد، بیست سال بعد بالاخره شروع می‌كردیم. می‌گویند آقا روس‌ها كه به شما اورانیوم غنی‌سازی‌شده می‌دهند، سوخت نیروگاه هسته‌ای می‌دهند؛ خودتان می‌خواهید چه كار كنید؟ این از آن حرف‌هائی است كه این آقای رئیس‌جمهور محترم كم‌دان آمریكا هم اخیراً بیان فرمودند، كه خب روس‌ها كه دارند می‌دهند، ایران می‌خواهد چه كار كند! اینجا هم یك عده‌ای كه نه به قدر او محترمند، نه به قدر او كم‌دانند، همان حرف را تكرار كردند كه آقا روس‌ها كه دارند می‌فروشند. دیدید دیگر؛ محموله‌ی اول آمد، محموله‌ی دوم آمد؛ دیگر شما می‌خواهید چه كار كنید كه خودتان غنی‌سازی كنید؟ این مثل این می‌ماند كه به كشوری كه ذخائر نفتیِ زیر زمینش پر است، بگویند آقا چرا چاه می‌زنی؛ خب برو نفت را بخر از بیرون بیاور! یعنی كشوری كه دارای ذخائر نفتی است، بشود واردكننده‌ی نفت! چقدر خنده‌آور است. اگر یك روزی دلشان نخواست این سوخت را بدهند، یا گفتند به این قیمت می‌دهیم، یا گفتند به این شرط می‌دهیم، ملت ایران ناچار است قبول كند.ببینید، این‌ها آن چیزهائی است كه اگر چنانچه توجه كنید، خواهید دید همان نقشه‌ی ایجاد یأس دشمن است كه حالا یك كار به این عظمت انجام گرفته- مسئله‌ی انرژی هسته‌ای- این همه در باره‌اش مردم شادی و خوشحالی كردند، آقا در بیاید كه: چرا شما بیخود مملكت را به این چالشهای این‌چنینی می‌كشانید، برای خاطر یك چیز كم‌اهمیتِ انرژی هسته‌ای؟! ببینید، این همان ایجاد یأس است؛ این همان چیزی است كه شما باید مراقبش باشید. این یكی از آن رخنه‌هاست كه اعتماد به نفس ملی را ضربه می‌زند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : خانواده, غرب, خانواده در غرب, مسئله خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2032), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به‌شدّت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله‌ی خانواده است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش :افراط و تفریط غرب نسبت به زن در قرون گذشتهکلیدواژه(ها) : [الگوی غربی زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1165), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [زن در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3576), [حقوق زنان در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3580), [شکسپیر](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2410), [تاریخ غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3891)نوع(ها) : روایت تاریخیمتن فیش :غربیها در زمینه‌ی شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده می‌شود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمی‌شود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیّات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیّات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می‌دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه‌ی دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادّعا کنند، خلاف می‌گویند. شما به نمایشنامه‌های معروف شکسپیر انگلیسی نگاه کنید، ببینید با چه نفسی و با چه زبانی و با چه دیدی در این نمایشنامه‌ها و سایر ادبیّات غربی به زن نگاه می‌شود! مرد در ادبیات غربی، سرور و ارباب زن و اختیاردار اوست، که بعضی از نمونه‌های این فرهنگ و آثار آن، امروز هم باقی است.امروز هم وقتی زنی با مردی ازدواج می‌کند و به خانه‌ی شوهر می‌رود، حتّی نام خانوادگی او عوض می‌شود و نام خانوادگی مرد را بر خود می‌گذارد. زن تا وقتی نام خانوادگی خود را دارد که شوهر نکرده است؛ وقتی شوهر کرد، نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد تبدیل می‌شود. این رسم غربیهاست؛ در کشور ما این طور نبوده، هنوز هم نیست. زن هویّت خانوادگی خودش را با خودش حفظ می‌کند؛ ولو بعد از ازدواج. آن، نشانه‌ی همان فرهنگ قدیمی غربی است که مرد سرور زن است.در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه‌ی موجودی و املاک خود ازدواج می‌کرد و به خانه شوهر می‌رفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار می‌گرفت، بلکه تمام اموال و املاک و داراییهای او هم که از پدر و خانواده‌اش به او رسیده بود، متعلّق به شوهر می‌شد! این حقیقتی است که غربیها نمی‌توانند آن را انکار کنند. این در فرهنگ غربی بود. در فرهنگ غربی، زن وقتی به خانه‌ی شوهر می‌رفت، شوهر در واقع اختیار جان او را هم داشت! لذا شما در داستانهای غربی و در اشعار اروپایی بسیار می‌بینید که شوهر به خاطر یک اختلاف اخلاقی، همسر خود را می‌کشد و کسی هم او را ملامت نمی‌کند! دختر در خانه‌ی پدر هم حقّ هیچ گونه گزینشی را نداشت.البته در همان زمان هم در میان غربیها معاشرتهای زن و مرد تا حدودی آزاد بود، ولی اختیار ازدواج و اختیار انتخاب شوهر، یکسره به دست پدر بود. در همان نمایشنامه‌هایی که اشاره کردم، آنچه که شما می‌بینید، همین است: دختری است که مجبور به ازدواج شده است؛ زنی است که از طرف شوهر خود به قتل رسیده است؛ خانواده‌ای است که زن در آن در نهایت فشار است. آنچه که هست، از همین قبیل است. این، ادبیّات غربی است. تا اواسط قرن فعلی، همین فرهنگ ادامه داشته؛ اگرچه از اواخر قرن نوزدهم میلادی، حرکتهایی به نام آزادی زنان شروع شده است.بانوان گرامی؛ بخصوص زنان جوان که می‌خواهند در این زمینه‌ها فکر بیندیشند، درست توجّه کنند. نکته‌ی مهم این است که حتّی وقتی در اروپا برای زن حقّ مالکیت معیّن شد - طبق بررسی موشکافانه‌ی جامعه‌شناسان خودِ اروپا - به خاطر این بود که کارخانه‌ها که تازه بساط فناوری مدرن و صنعت در غرب را گسترده بودند، احتیاج به کارگر داشتند؛ اما کارگر کم بود و احتیاج به کارگرِ زیاد احساس می‌شد. لذا برای این‌که زنان را به کارخانجات بکشانند و از نیروی کارشان استفاده کنند - که البته مزد کمتری هم همیشه به زنان می‌دادند - اعلان شد که زن دارای حقّ مالکیت است! در اوایل قرن بیستم بود که اروپاییان حقّ مالکیت را به زن دادند. این، آن نگرش افراطی و غلط و ظالمانه نسبت به زن در غرب و در اروپاست.یک افراطِ این‌چنین، در مقابل تفریط هم دارد. وقتی نهضتی به نفع زنان در چنان فضایی به وجود می‌آید، طبعاً دچار تفریطهایی از طرف مقابل می‌شود. لذا شما می‌بینید در طول چند ده سال، آن‌چنان فساد و بی‌بند و باری در غرب به وسیله‌ی آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکّران غربی را دچار وحشت کرد! امروز دلسوزان و مصلحان، انسانهای خردمند و باانگیزه در کشورهای غربی، از آنچه پیش آمده است، متوحّش و ناراحتند و البته نمی‌توانند هم جلوِ آن را بگیرند. به عنوان این‌که می‌خواهند به زن خدمت کنند، بزرگترین ضربه را به زندگی او وارد آوردند. چرا؟ به‌خاطر این‌که با بی‌بندوباری، با اشاعه‌ی فساد و فحشا و با آزادی بی‌قید و شرطِ معاشرت زن و مرد، بنیان خانواده متلاشی شد. مردی که می‌تواند آزادانه در جامعه اطفای شهوت کند و زنی که می‌تواند بدون هیچ ایراد و اشکالی در جامعه با مردان گوناگون تماس داشته باشد، هرگز در خانواده، همسران خوب و شایسته‌ای نخواهند بود. لذا بساط خانواده متلاشی شد. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌‌های ایثارگران - 1376/02/31**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2839)عنوان فیش : خانواده اسرا, پاداش الهی, آزادگانکلیدواژه(ها) : [خانواده اسرا](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1986), [پاداش الهی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1832), [آزادگان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1113)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :در ردیف اوّلِ ثواب و اجر، اسرا هستند که آن رنج را تحمّل می‌کنند، پشت سرِ آنها هم شما خانواده‌های اسرا هستید که خیلی هم اجر دارید. |

|  |  |
| --- | --- |
| http://farsi.khamenei.ir/themes/fa_def/images/print-logo.png |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از جانبازان قطع نخاعی - 1390/07/06**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17383)عنوان فیش :اجر عظیم جانبازان به شرط حفظ تقوا و احسانکلیدواژه(ها) : [جانبازان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1258), [خانواده جانبازان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1987), [اختیار](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1790), [تقوا](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1216)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :من اگر بخواهم قضاوت خودم را عرض بکنم، باید بگویم مسئله‌ی جانباز هفتاد درصد و جانباز قطع نخاعیِ گردنی - همین وضعی که شما دارید - مهمتر از مسئله‌ی شهید شدن است؛ چون شهادت یک بار است و تمام میشود، بعد هم انسان میرود عروج میکند. این وضعی که شما دارید، با قضاوتی که من امروز دارم، اینجور به نظرم میرسد که وزنه‌ی این ایثار از آن ایثاری که اسمش شهادت است، سنگین‌تر است؛ به خاطر رنجهایش، به خاطر مشکلاتش، هم برای خودتان، هم برای پدر و مادرهاتان، کسانتان، هم برای همسرانتان، هم برای فرزندانتان. این جزو آن رقمهای بسیار درشت این کار بزرگی است که انجام گرفته. ان‌شاءالله به همین نسبت هم خدای متعال به شما اجر بدهد و اجر شما را سنگین کند.البته این را هم به شما عرض بکنم؛ خود شماها خیلی نقش دارید در این که این اجر را بیشتر کنید، یا از کنارش یک قدری بزنید. همین آیه‌ای که الان تلاوت کردند: «الّذین استجابوا لله و الرّسول من بعد ما اصابهم القرح للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم»،(1) به همین نکته اشاره میکند: آن کسانی که زخمی شدند، مجروح شدند، اجر عظیمی دارند، به شرط تقوا و احسان. هیچ وقت قاطعیت اختیار از انسان گرفته نمیشود؛ یعنی شما همیشه در حال اِعمال اختیار هستید؛ شما هستید که دارید انتخاب میکنید. تا آخر، این صبر شما، این ایستادگی شما، این احتساب شما، اجر شما را اضافه میکند. احتساب یعنی پای خدا نوشتن. آدم با خدا حرف بزند، بگوید پروردگارا! این جسم من، این تن من، این آسایش من، این جوانی من، اینها را به تو دادم، صرف تو کردم، الان هم راضی‌ام. این، احتساب است. این بیشترین تأثیر را در عروج به مقامات عالیه و احراز اجر و پاداش الهی دارد.1 ) سوره مبارکه آل عمران آیه 172الَّذينَ استَجابوا لِلَّهِ وَالرَّسولِ مِن بَعدِ ما أَصابَهُمُ القَرحُ ۚ لِلَّذينَ أَحسَنوا مِنهُم وَاتَّقَوا أَجرٌ عَظيمٌترجمه :آنها که دعوت خدا و پیامبر (ص) را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و هنوز زخمهای میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمرار الاسد» حرکت نمودند؛) برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : خانواده در اسلامکلیدواژه(ها) : [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : خانه‌داری, خانواده در اسلام, اشتغال بانوانکلیدواژه(ها) : [خانه‌داری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=15425), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [اشتغال بانوان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2727)نوع(ها) : فیش موضوعیمتن فیش :یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زنها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این میشود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حسّاس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهائی که داشتیم، با عدم دقتهائی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم میبینیم.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش :توانایی زن برای حل مشکلات خود در عرصه اجتماعکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :آنچه که مایلم اینجا عرض کنم، این است که فی‌الجمله نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوق‌العاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عادتی و سنتیِ عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهائی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سَکَن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است –(1) و همچنان که قرآن خواسته، مودّت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «و لهنّ مثل الّذی علیهن»(2) در خانواده رعایت شود - این چیزهائی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می‌آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه‌ی اجتماع هم خواهد توانست.مربوط به :[**بیانات‌ در دیدار اقشار مختلف مردم‌ - 1384/03/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3296)عنوان فیش : خانواده, خانواده در اسلام, ارزشهای اخلاقی و معنوی, معنویت‎گراییکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [ارزشهای اخلاقی و معنوی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2696), [معنویت‎گرایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1246)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :همه‌ی ارزشهای معنوی را می‌توان از درون كانون گرم خانواده بیرون كشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان‌ - 1379/06/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024)عنوان فیش : خانواده, اسلام, زن, زن در اسلام, خانواده در اسلام, اخلاق در خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1147), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [اخلاق در خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4452)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :در داخل خانواده، از نظر اسلام مرد موظّف است که زن را مانند گلی مراقبت کند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : زن, امنیت, خانواده, رابطه زن و مرد, خانواده, خانواده در اسلام, آرامشکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [امنیت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1171), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [آرامش](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2661)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از پرستاران - 1373/07/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729)عنوان فیش : خانواده در اسلام, مسئله خانواده, خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :اسلام به خانواده اهمیت می‌دهد. تمام دعوای امروزِ بلندگوها و بوقهای تبلیغاتیِ غربی با مسلمین هم بر سرِ همین است.مربوط به :[**بیانات در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج‌ - 1370/04/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2473)عنوان فیش :بیان نکاتی درباره ازدواجکلیدواژه(ها) : [ازدواج](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1137), [مهریه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1427), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [تجملگرایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1699)نوع(ها) : قرآن, حدیثمتن فیش :الحمدللَّه اقرارا بنعمته و لااله‌الّااللَّه اخلاصا لوحدانیّته والصّلاة والسّلام علی اشرف بریّته و علی‌الاصفیاء من عترته. و بعد فقد کان من فضل‌اللَّه علی‌الانام ان اغناهم بالحلال عن‌الحرام و قال: «وانکحوا الایامی منکم والصّالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم اللَّه من فضله واللَّه واسع علیم»(1)«قال رسول‌اللَّه(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله‌وسلّم)النّکاح سنّتی فمن رغب عن سنّتی فلیس منّی»(2) «و قال(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله) من تزوّج احرز نصف دینه فلیتّق اللَّه فی‌النّصف الاخر»(3) «و قال(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله) تناکحوا تکثروا فانّی اباهی بکم الامم یوم‌القیامة ولو بالسّقط»(4)قبل از این‌که صیغه‌ی عقد را جاری بکنیم، چند جمله به عنوان تذکر برای عروسها و دامادها عرض می‌کنیم:نکته‌ی اول این است که در کار ازدواج و این مراسم، و رسم و سنتی که در اسلام و در همه‌ی ادیان و در بشریت وجود دارد، به نظر اسلام آن چیزی که اصل و محور است، تشکیل کانون خانوادگی است. از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد. اسلام می‌خواهد این کانون تشکیل بشود و به وجود بیاید.هنر ادیان - و بیشتر از همه اسلام - در این است که غرایز جنسی و غریزه‌ی زوج‌طلبی انسان را - که غیر از غریزه‌ی جنسی است - در خدمت تشکیل خانواده قرار داده و کاری کرده‌اند که کانون خانواده، با پشتوانه‌ی غریزه‌ی جنسی، یا با پشتوانه‌ی آن غریزه‌ی دیگر - که از غریزه‌ی جنسی عمومیتش بیشتر است - تحقق پیدا کند و باقی بماند. بعضیها ممکن است در سنین خاصی نیاز جنسی هم نداشته باشند، اما نیاز به زوج‌طلبی را دارند و می‌باید زوجی از جنس مخالف را داشته باشند؛ زن و مرد فرقی نمی‌کند. سکن، مایه‌ی آرامش است. ادیان - و بیش از همه اسلام - اینها را پشتوانه‌ی تشکیل خانواده قرار داده‌اند.اگر انسانها رها بودند که غریزه‌ی جنسی را هر طور می‌خواهند، اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی‌شد، یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی‌پذیر می‌شد و هر نسیمی او را به هم می‌زد. لذا در هر جای دنیا که می‌بینید آزادیهای جنسی هست، در آن‌جا به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آن‌جاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، این‌جا همه چیز برای مرد و زن هست؛ لذا این، حفظ و نگهداشته می‌شود.اصل قضیه این است که باید کانون خانواده به وجود بیاید؛ اسلام این را خواسته است. شما یک دختر از جایی و یک پسر از جای دیگری می‌آیید و با یکدیگر آشنا و متصل می‌شوید؛ یک خانواده به وجود می‌آید. این خانواده، منشأ خیراتی است. در اداره‌ی کشور و اداره‌ی انسانیت، کارهای عظیمی به عهده‌ی این خانواده است. این، چیز بسیار مهمی است. شما باید این را مواظب باشید و حفظ کنید.با این کلمات عقدی که می‌خوانیم - که یک امر اعتباری است - یک علقه‌ی اعتباری بین شما به وجود می‌آید. باید همه‌ی همت دختر و پسر این باشد که این را حفظ کنند. مبادا با گله‌ها، با دلخوریها، با افزون‌طلبی و پُرتوقعیها، با بی‌محبتیها، و گاهی با دخالتهای دیگران و از این قبیل، این کانون سست بشود. آن چیزی که مهم است، این است. هم دختر و هم پسر سعی کنند که این علقه‌ی زوجیت را حفظ کنند. چگونه می‌توانید این علقه را حفظ کنید؟ البته آدمهای عاقل و زیرک و با احساس و وجدان صادق، راهش را پیدا می‌کنند. این، با اطمینان و با محبت متقابل حفظ می‌شود. زن به مرد تحمیل نکند و زور نگوید؛ مرد هم به زن زور نگوید و افزون‌طلبی نکند؛ مثل دو رفیق و مثل دو شریک، با هم صمیمی باشند، تا این کانون خانواده حفظ بشود.نکته‌ی دوم این است که در ازدواج، اصل قضیه یک امر انسانی است؛ نه یک امر مادّی. اسلام مهریه را قرار داده است؛ اما مهریه این را به‌صورت یک معامله‌ی دادوستدی نمی‌کند. این‌جا دادوستدی نیست؛ بلکه طرفین در یک جای مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند. این‌طور نیست که شما مثل خرید و فروش، یک چیز بدهید و یک چیز بگیرید. نه، این‌جا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق و کاسه‌ی مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده می‌کنند. در ازدواج، قضیه این است.بنابراین، نقش مادّیات در این‌جا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم هست، اما کار غلط است.بعضیها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند؛ یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک دادوستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل می‌کنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این، کار غلطی است.بعضیها هم ازدواج را که یک امر عاطفی و انسانی و وجدانی است، به صحنه‌ی تفاخر تبدیل می‌کنند. مثلاً می‌گویند که جهیزیه‌ی ما این‌چیزها را داشت؛ آیا جهیزیه‌ی دختر شما هم اینها را دارد؟! تفاخر و تنافس! یا مثلاً می‌گویند که ما عقدمان را در فلان سالن گرفتیم. البته حالا که متأسفانه مرسوم شده است در هتلها می‌گیرند؛ که کار بسیار بدی است. حتّی گاهی شنیده یا دیده می‌شود، بعضی افرادی هم که از آنها توقع نیست، برای تفاخر به همدیگر، مراسم عقد خود را در هتلها و سالنها می‌گیرند! نه، مراسم عقد را در اتاق خانه و حیاط منزل خودتان و یا همسایه‌تان بگیرید و مردم را دعوت کنید؛ همین‌طور که همیشه بوده است. این‌گونه محیطها، یک محیط انس خانوادگی است. عده‌یی دوست، عده‌یی قوم و خویش، عده‌یی همردیفهای دختر یا پسر، دوستان مدرسه، دوستان پسر در محیط کار یا مدرسه، جمع می‌شوند و شادی و خوشی می‌کنند؛ این درست است.این‌که ما این‌جا را صحنه‌ی تفاخر قرار بدهیم، غلط اندرغلط است. هم محیط ازدواج را آلوده‌ی به مادّیات می‌کند، هم این صحنه‌ی پاک و لطیف وجدانی را صحنه‌ی تفاخرها و تنافسها و زیاده‌رویها می‌کند، بعد هم این دختر و پسر از اول عادت می‌کنند که بایستی زندگی آنان بر تجمل و تشریفات بگذرد؛ چرا؟ بگذارید از اول به یک زندگی متوسط عادت کنند.تجملات برای یک جامعه، مضر و بد است. آن کسانی که با تجملات مخالفت می‌کنند، معنایش این نیست که از لذتها و خوشیهایش بی‌اطلاعند؛ نه، کار مضری برای جامعه است؛ مثل یک دارو یا یک خوراکی مضر. با تجملات زیادی، جامعه زیان می‌کند. البته در حد معقول و متداول ایرادی ندارد؛ اما وقتی که همین‌طور مرتب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حد خودش تجاوز می‌کند و به جاهای دیگری می‌رود؛ و این برای جامعه مضر است. حالا چنانچه ما آن کار مضر را درعرصه‌ی ازدواج بیاوریم و بخواهیم از آن استفاده کنیم، این دیگر غلط اندرغلط خواهد شد؛ بسیار بد است.این میهمانیهای پُرسروصدا و هتل‌گرفتنها و خرجهای زیاد، کار آن طاغوتیها بود. اخیراً در روزنامه هم موردی را نوشته بودند، که چه‌قدر خوب کردند که نوشتند؛ تامردم بفهمند که این کارها زشت است. ماها همیشه در خانه‌های خودمان - یک اتاق، دو اتاق - عقد و عروسی می‌گرفتیم. اگر هم نداشتیم، از همسایه قرض می‌گرفتیم. مقداری شیرینی و میوه چیده می‌شد؛ می‌گفتیم، می‌خندیدیم، شوخی می‌کردیم؛ خیلی هم خوش می‌گذشت. البته آن طاغوتها و آدمهای بدی که بحمداللَّه ازاله شدند، این‌طور برگزار نمی‌کردند. آنها به این وضع قانع نبودند؛ در آن هتلها می‌رفتند و میهمانیهای پُرخرج و چنین و چنان برپا می‌کردند.حالا ما که بر سر کار آمده‌ایم، نباید کار آنها را تکرار بکنیم. اگر تکرار بکنیم، ما هم مثل آنها می‌شویم؛ آن بد بود. نه این‌که وقتی آدم نمی‌تواند کار پُرخرجی بکند، نکند؛ ولی وقتی که توانست، برود بکند! پس چی شد؟! آن منطق صحیح، این را ایجاب نمی‌کند. باید بنا را بر سادگی گذاشت. جهیزیه‌ها را ساده بگیرید. اگر جهیزیه نیازهای دختر را تأمین می‌کند، خوب است؛ اما به سمت تجملات نرود.نکته‌ی سوم این است که بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک‌وقت خدمت امام رفتم، ایشان می‌خواستند خطبه‌ی عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم - عقد را اول می‌خواندند، بعد دو، سه جمله‌ی کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشان پس از این‌که عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله‌ی «بروید با هم بسازید»، خلاصه می‌شود! حالا ما هم عرض می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر منافات دارد، بایستی بیگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید، تا ان‌شاءاللَّه خداوند متعال برکاتش را بر شما نازل کند.امیدواریم که خداوند ان‌شاءاللَّه این عقدهایی را که می‌خوانیم، مبارک کند؛ این دختران و پسران، محیطهای شادی را به خانواده‌ها بیاورند؛ و خداوند نسل طیب و طاهری هم به آنها عنایت کند.1 ) سوره مبارکه النور آیه 32وَأَنكِحُوا الأَيامىٰ مِنكُم وَالصّالِحينَ مِن عِبادِكُم وَإِمائِكُم ۚ إِن يَكونوا فُقَراءَ يُغنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضلِهِ ۗ وَاللَّهُ واسِعٌ عَليمٌترجمه :مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!2 ) جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، ص 101 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ‏100، ص 220 ؛كنز العمال، متقی هندی، ج 16، ص 271 ؛وَ قَالَ ص‏ النِّكَاحُ‏ سُنَّتِي‏ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِی فَلَيْسَ مِنِّي‏ترجمه :پيامبر خدا (صلى اللّه عليه و آله) فرمودند: ازدواج، سنّت من است و هر كه از سنّت من روى گردانَد، از من نيست.3 ) الكافی، شیخ كلینی، ج ‏5، ص 328 ؛الأمالی، شیخ طوسی، ص 518 ؛مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص 196 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج‏ 100، ص 219 ؛قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ‏ دِينِهِ‏ وَ فِی حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِی النِّصْفِ الْآخَرِ أَوِ الْبَاقِی.ترجمه :هر گاه آدمى ازدواج كند، نصف دين را به دست آورده است و در حدیث دیگر آمده است: براى نصف ديگر، بايد پروا از خدا را پيشه كند.4 ) عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسائی، ج ‏3، ص 286 ؛السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، ابن ادریس حلی، ج ‏2، ص 518 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ‏100، ص 220 ؛وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ تَنَاكَحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّی أُبَاهِی بِكُمُ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسِّقْطِترجمه :پیامبر خدا(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: ازدواج كنيد تا جمعيت شما افزون شود؛ زيرا من در روز قيامت، به وجود شما، حتّى به فرزندان سقط شده‏تان، بر ساير امّت‏ها مى‏بالم. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : خانواده در اسلامکلیدواژه(ها) : [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : خانه‌داری, خانواده در اسلام, اشتغال بانوانکلیدواژه(ها) : [خانه‌داری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=15425), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [اشتغال بانوان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2727)نوع(ها) : فیش موضوعیمتن فیش :یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زنها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این میشود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حسّاس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهائی که داشتیم، با عدم دقتهائی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم میبینیم.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش :توانایی زن برای حل مشکلات خود در عرصه اجتماعکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :آنچه که مایلم اینجا عرض کنم، این است که فی‌الجمله نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوق‌العاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عادتی و سنتیِ عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهائی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سَکَن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است –(1) و همچنان که قرآن خواسته، مودّت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «و لهنّ مثل الّذی علیهن»(2) در خانواده رعایت شود - این چیزهائی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می‌آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه‌ی اجتماع هم خواهد توانست.مربوط به :[**بیانات‌ در دیدار اقشار مختلف مردم‌ - 1384/03/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3296)عنوان فیش : خانواده, خانواده در اسلام, ارزشهای اخلاقی و معنوی, معنویت‎گراییکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [ارزشهای اخلاقی و معنوی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2696), [معنویت‎گرایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1246)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :همه‌ی ارزشهای معنوی را می‌توان از درون كانون گرم خانواده بیرون كشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان‌ - 1379/06/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024)عنوان فیش : خانواده, اسلام, زن, زن در اسلام, خانواده در اسلام, اخلاق در خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1147), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [اخلاق در خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4452)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :در داخل خانواده، از نظر اسلام مرد موظّف است که زن را مانند گلی مراقبت کند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : زن, امنیت, خانواده, رابطه زن و مرد, خانواده, خانواده در اسلام, آرامشکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [امنیت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1171), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [آرامش](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2661)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از پرستاران - 1373/07/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729)عنوان فیش : خانواده در اسلام, مسئله خانواده, خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :اسلام به خانواده اهمیت می‌دهد. تمام دعوای امروزِ بلندگوها و بوقهای تبلیغاتیِ غربی با مسلمین هم بر سرِ همین است.مربوط به :[**بیانات در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج‌ - 1370/04/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2473)عنوان فیش :بیان نکاتی درباره ازدواجکلیدواژه(ها) : [ازدواج](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1137), [مهریه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1427), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [تجملگرایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1699)نوع(ها) : قرآن, حدیثمتن فیش :الحمدللَّه اقرارا بنعمته و لااله‌الّااللَّه اخلاصا لوحدانیّته والصّلاة والسّلام علی اشرف بریّته و علی‌الاصفیاء من عترته. و بعد فقد کان من فضل‌اللَّه علی‌الانام ان اغناهم بالحلال عن‌الحرام و قال: «وانکحوا الایامی منکم والصّالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم اللَّه من فضله واللَّه واسع علیم»(1)«قال رسول‌اللَّه(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله‌وسلّم)النّکاح سنّتی فمن رغب عن سنّتی فلیس منّی»(2) «و قال(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله) من تزوّج احرز نصف دینه فلیتّق اللَّه فی‌النّصف الاخر»(3) «و قال(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله) تناکحوا تکثروا فانّی اباهی بکم الامم یوم‌القیامة ولو بالسّقط»(4)قبل از این‌که صیغه‌ی عقد را جاری بکنیم، چند جمله به عنوان تذکر برای عروسها و دامادها عرض می‌کنیم:نکته‌ی اول این است که در کار ازدواج و این مراسم، و رسم و سنتی که در اسلام و در همه‌ی ادیان و در بشریت وجود دارد، به نظر اسلام آن چیزی که اصل و محور است، تشکیل کانون خانوادگی است. از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد. اسلام می‌خواهد این کانون تشکیل بشود و به وجود بیاید.هنر ادیان - و بیشتر از همه اسلام - در این است که غرایز جنسی و غریزه‌ی زوج‌طلبی انسان را - که غیر از غریزه‌ی جنسی است - در خدمت تشکیل خانواده قرار داده و کاری کرده‌اند که کانون خانواده، با پشتوانه‌ی غریزه‌ی جنسی، یا با پشتوانه‌ی آن غریزه‌ی دیگر - که از غریزه‌ی جنسی عمومیتش بیشتر است - تحقق پیدا کند و باقی بماند. بعضیها ممکن است در سنین خاصی نیاز جنسی هم نداشته باشند، اما نیاز به زوج‌طلبی را دارند و می‌باید زوجی از جنس مخالف را داشته باشند؛ زن و مرد فرقی نمی‌کند. سکن، مایه‌ی آرامش است. ادیان - و بیش از همه اسلام - اینها را پشتوانه‌ی تشکیل خانواده قرار داده‌اند.اگر انسانها رها بودند که غریزه‌ی جنسی را هر طور می‌خواهند، اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی‌شد، یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی‌پذیر می‌شد و هر نسیمی او را به هم می‌زد. لذا در هر جای دنیا که می‌بینید آزادیهای جنسی هست، در آن‌جا به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آن‌جاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، این‌جا همه چیز برای مرد و زن هست؛ لذا این، حفظ و نگهداشته می‌شود.اصل قضیه این است که باید کانون خانواده به وجود بیاید؛ اسلام این را خواسته است. شما یک دختر از جایی و یک پسر از جای دیگری می‌آیید و با یکدیگر آشنا و متصل می‌شوید؛ یک خانواده به وجود می‌آید. این خانواده، منشأ خیراتی است. در اداره‌ی کشور و اداره‌ی انسانیت، کارهای عظیمی به عهده‌ی این خانواده است. این، چیز بسیار مهمی است. شما باید این را مواظب باشید و حفظ کنید.با این کلمات عقدی که می‌خوانیم - که یک امر اعتباری است - یک علقه‌ی اعتباری بین شما به وجود می‌آید. باید همه‌ی همت دختر و پسر این باشد که این را حفظ کنند. مبادا با گله‌ها، با دلخوریها، با افزون‌طلبی و پُرتوقعیها، با بی‌محبتیها، و گاهی با دخالتهای دیگران و از این قبیل، این کانون سست بشود. آن چیزی که مهم است، این است. هم دختر و هم پسر سعی کنند که این علقه‌ی زوجیت را حفظ کنند. چگونه می‌توانید این علقه را حفظ کنید؟ البته آدمهای عاقل و زیرک و با احساس و وجدان صادق، راهش را پیدا می‌کنند. این، با اطمینان و با محبت متقابل حفظ می‌شود. زن به مرد تحمیل نکند و زور نگوید؛ مرد هم به زن زور نگوید و افزون‌طلبی نکند؛ مثل دو رفیق و مثل دو شریک، با هم صمیمی باشند، تا این کانون خانواده حفظ بشود.نکته‌ی دوم این است که در ازدواج، اصل قضیه یک امر انسانی است؛ نه یک امر مادّی. اسلام مهریه را قرار داده است؛ اما مهریه این را به‌صورت یک معامله‌ی دادوستدی نمی‌کند. این‌جا دادوستدی نیست؛ بلکه طرفین در یک جای مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند. این‌طور نیست که شما مثل خرید و فروش، یک چیز بدهید و یک چیز بگیرید. نه، این‌جا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق و کاسه‌ی مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده می‌کنند. در ازدواج، قضیه این است.بنابراین، نقش مادّیات در این‌جا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم هست، اما کار غلط است.بعضیها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند؛ یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک دادوستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل می‌کنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این، کار غلطی است.بعضیها هم ازدواج را که یک امر عاطفی و انسانی و وجدانی است، به صحنه‌ی تفاخر تبدیل می‌کنند. مثلاً می‌گویند که جهیزیه‌ی ما این‌چیزها را داشت؛ آیا جهیزیه‌ی دختر شما هم اینها را دارد؟! تفاخر و تنافس! یا مثلاً می‌گویند که ما عقدمان را در فلان سالن گرفتیم. البته حالا که متأسفانه مرسوم شده است در هتلها می‌گیرند؛ که کار بسیار بدی است. حتّی گاهی شنیده یا دیده می‌شود، بعضی افرادی هم که از آنها توقع نیست، برای تفاخر به همدیگر، مراسم عقد خود را در هتلها و سالنها می‌گیرند! نه، مراسم عقد را در اتاق خانه و حیاط منزل خودتان و یا همسایه‌تان بگیرید و مردم را دعوت کنید؛ همین‌طور که همیشه بوده است. این‌گونه محیطها، یک محیط انس خانوادگی است. عده‌یی دوست، عده‌یی قوم و خویش، عده‌یی همردیفهای دختر یا پسر، دوستان مدرسه، دوستان پسر در محیط کار یا مدرسه، جمع می‌شوند و شادی و خوشی می‌کنند؛ این درست است.این‌که ما این‌جا را صحنه‌ی تفاخر قرار بدهیم، غلط اندرغلط است. هم محیط ازدواج را آلوده‌ی به مادّیات می‌کند، هم این صحنه‌ی پاک و لطیف وجدانی را صحنه‌ی تفاخرها و تنافسها و زیاده‌رویها می‌کند، بعد هم این دختر و پسر از اول عادت می‌کنند که بایستی زندگی آنان بر تجمل و تشریفات بگذرد؛ چرا؟ بگذارید از اول به یک زندگی متوسط عادت کنند.تجملات برای یک جامعه، مضر و بد است. آن کسانی که با تجملات مخالفت می‌کنند، معنایش این نیست که از لذتها و خوشیهایش بی‌اطلاعند؛ نه، کار مضری برای جامعه است؛ مثل یک دارو یا یک خوراکی مضر. با تجملات زیادی، جامعه زیان می‌کند. البته در حد معقول و متداول ایرادی ندارد؛ اما وقتی که همین‌طور مرتب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حد خودش تجاوز می‌کند و به جاهای دیگری می‌رود؛ و این برای جامعه مضر است. حالا چنانچه ما آن کار مضر را درعرصه‌ی ازدواج بیاوریم و بخواهیم از آن استفاده کنیم، این دیگر غلط اندرغلط خواهد شد؛ بسیار بد است.این میهمانیهای پُرسروصدا و هتل‌گرفتنها و خرجهای زیاد، کار آن طاغوتیها بود. اخیراً در روزنامه هم موردی را نوشته بودند، که چه‌قدر خوب کردند که نوشتند؛ تامردم بفهمند که این کارها زشت است. ماها همیشه در خانه‌های خودمان - یک اتاق، دو اتاق - عقد و عروسی می‌گرفتیم. اگر هم نداشتیم، از همسایه قرض می‌گرفتیم. مقداری شیرینی و میوه چیده می‌شد؛ می‌گفتیم، می‌خندیدیم، شوخی می‌کردیم؛ خیلی هم خوش می‌گذشت. البته آن طاغوتها و آدمهای بدی که بحمداللَّه ازاله شدند، این‌طور برگزار نمی‌کردند. آنها به این وضع قانع نبودند؛ در آن هتلها می‌رفتند و میهمانیهای پُرخرج و چنین و چنان برپا می‌کردند.حالا ما که بر سر کار آمده‌ایم، نباید کار آنها را تکرار بکنیم. اگر تکرار بکنیم، ما هم مثل آنها می‌شویم؛ آن بد بود. نه این‌که وقتی آدم نمی‌تواند کار پُرخرجی بکند، نکند؛ ولی وقتی که توانست، برود بکند! پس چی شد؟! آن منطق صحیح، این را ایجاب نمی‌کند. باید بنا را بر سادگی گذاشت. جهیزیه‌ها را ساده بگیرید. اگر جهیزیه نیازهای دختر را تأمین می‌کند، خوب است؛ اما به سمت تجملات نرود.نکته‌ی سوم این است که بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک‌وقت خدمت امام رفتم، ایشان می‌خواستند خطبه‌ی عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم - عقد را اول می‌خواندند، بعد دو، سه جمله‌ی کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشان پس از این‌که عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله‌ی «بروید با هم بسازید»، خلاصه می‌شود! حالا ما هم عرض می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر منافات دارد، بایستی بیگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید، تا ان‌شاءاللَّه خداوند متعال برکاتش را بر شما نازل کند.امیدواریم که خداوند ان‌شاءاللَّه این عقدهایی را که می‌خوانیم، مبارک کند؛ این دختران و پسران، محیطهای شادی را به خانواده‌ها بیاورند؛ و خداوند نسل طیب و طاهری هم به آنها عنایت کند.1 ) سوره مبارکه النور آیه 32وَأَنكِحُوا الأَيامىٰ مِنكُم وَالصّالِحينَ مِن عِبادِكُم وَإِمائِكُم ۚ إِن يَكونوا فُقَراءَ يُغنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضلِهِ ۗ وَاللَّهُ واسِعٌ عَليمٌترجمه :مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!2 ) جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، ص 101 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ‏100، ص 220 ؛كنز العمال، متقی هندی، ج 16، ص 271 ؛وَ قَالَ ص‏ النِّكَاحُ‏ سُنَّتِي‏ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِی فَلَيْسَ مِنِّي‏ترجمه :پيامبر خدا (صلى اللّه عليه و آله) فرمودند: ازدواج، سنّت من است و هر كه از سنّت من روى گردانَد، از من نيست.3 ) الكافی، شیخ كلینی، ج ‏5، ص 328 ؛الأمالی، شیخ طوسی، ص 518 ؛مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص 196 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج‏ 100، ص 219 ؛قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ‏ دِينِهِ‏ وَ فِی حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِی النِّصْفِ الْآخَرِ أَوِ الْبَاقِی.ترجمه :هر گاه آدمى ازدواج كند، نصف دين را به دست آورده است و در حدیث دیگر آمده است: براى نصف ديگر، بايد پروا از خدا را پيشه كند.4 ) عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسائی، ج ‏3، ص 286 ؛السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، ابن ادریس حلی، ج ‏2، ص 518 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ‏100، ص 220 ؛وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ تَنَاكَحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّی أُبَاهِی بِكُمُ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسِّقْطِترجمه :پیامبر خدا(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: ازدواج كنيد تا جمعيت شما افزون شود؛ زيرا من در روز قيامت، به وجود شما، حتّى به فرزندان سقط شده‏تان، بر ساير امّت‏ها مى‏بالم. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» - 1391/04/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388)عنوان فیش : خانواده, خانواده در غرب, الگوی اسلامی زن, زنکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [الگوی اسلامی زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1164), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :زن بودن، برای زن یك نقطه‌ی امتیاز است، یك نقطه‌ی افتخار است. این افتخاری نیست برای زن كه او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور كنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم. فرهنگ غربی خانواده را متلاشی كرد.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش :توانایی زن برای حل مشکلات خود در عرصه اجتماعکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :آنچه که مایلم اینجا عرض کنم، این است که فی‌الجمله نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوق‌العاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عادتی و سنتیِ عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهائی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سَکَن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است –(1) و همچنان که قرآن خواسته، مودّت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «و لهنّ مثل الّذی علیهن»(2) در خانواده رعایت شود - این چیزهائی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می‌آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه‌ی اجتماع هم خواهد توانست.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : زن, خانوادهکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :مسئله‌ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :خانواده پایه‌ و سلول اصلی در جامعه است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانواده, خانواده در غربکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :در داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : زن, خانوادهکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :زن در خانواده عنصر محوری است.مربوط به :[**بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور - 1390/10/07**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19872)عنوان فیش :توکل به خدا و یاد خدا راهی برای جلوگیری از ایجاد رخنه در خانواده هاکلیدواژه(ها) : [وزارت امور خارجه‏](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1597), [دیپلماسی عمومی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1645), [رابطه با خدا](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1931), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زبیر](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1564)نوع(ها) : حدیثمتن فیش :دستگاه دیپلماسی مهم است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی مبارزه است؛ در این مبارزه باید قوی باشید. اگر میخواهید قوی باشید، ارتباط با خدا را مستحکم کنید؛ هم خودتان، هم خانواده‌تان. خانواده را مهم بشمرید؛ چه خانواده‌ی بزرگ دیپلماسی، چه خانواده‌ی شخصی خودتان. گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، ما را تغییر میدهد. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر با ما بود، از ما اهل‌بیت بود. واقعاً هم همین جور بود. میدانید بعد از رحلت پیغمبر، در مسجد، در پای منبر خلیفه‌ی اول - جناب ابوبکر - حدود ده نفر از صحابه بلند شدند و صریحاً از امیرالمؤمنین دفاع کردند؛ گفتند اینجائی که شما نشسته‌ای، حق علی‌بن‌ابی‌طالب است. یکی از آن ده نفر، زبیر بود! زبیر، رفیق دوران عشرت نبود؛ رفیق دوران محنت بود. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر همواره با ما بود، «حتّی شبّ ابنه عبدالله»(1) تا پسرش عبدالله بزرگ شد، آمد توی عرصه، در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کرد؛ آن وقت او عوض شد. زبیر همانی شد که آمد در مقابل امیرالمؤمنین شمشیر کشید! گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، یک چنین اثر بسیار مهمی میگذارد. لذا باید جلوی این رخنه را گرفت؛ و این هم جز با توکل به خدای متعال، جز با ذکر، جز با توجه، امکان‌پذیر نیست.1 ) 1) شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابى‌الحديد، ج 2، ص 167كان أمير المؤمنين ع يقول‏ ما زال الزبير منا أهل البيت حتى شب ابنه عبد اللهترجمه :زبير همواره با ما بود، تا پسرش عبدالله بزرگ شد.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه - 1390/03/01**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12518)عنوان فیش :مطرح شدن زن، برای نمونه انسان مؤمن و کافر در قرآنکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :در مورد نگاه اسلام به زن بحثهای زیادی شده است، ما هم بارها گفتیم. من مکرراً عرض کردم که نمونه برای انسان مؤمن و مرضی الهی، و انسان کافر و مردود درگاه پروردگار در قرآن، زن مطرح شده؛ این چیز جالبی است. قرآن وقتی میخواهد برای انسان خوب و انسان بد نمونه ذکر کند، هر دو را از زنان انتخاب میکند: «ضرب اللَّه مثلا للّذین کفروا امرأة نوح و امرأة لوط».(1) قرآن دو زن را به عنوان «مثل»، یعنی نمونه و نماد زنانِ بد معرفی میکند؛ همسر نوح و همسر لوط. بعد نقطه‌ی مقابل: «و ضرب اللَّه مثلا للّذین امنوا امرأة فرعون».(2) به عنوان نماد زن خوب، زن برتر و زن مؤمن، دو نفر را معرفی میکند: یکی همسر فرعون است، یکی هم حضرت مریم است؛ «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها».(3) جالب این است که هر چهار تای این زنها خوبی و بدی‌شان مربوط به محیط خانواده است. در مورد آن دو زن بد - «امرأة نوح و امرأة لوط» - میفرماید: «کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما»؛(4) این دو زن به همسرانشان - که دو پیغمبر عالی‌شأن و عالی‌مقام بودند - خیانت کردند. مسئله، مسئله‌ی خانواده است. موضوع آن دو زن دیگر هم مربوط به خانواده است؛ اوّلی که زن فرعون است، ارزش و اهمیت او این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، یک موسای کلیم‌اللَّه را در آغوش خود پرورش میدهد و به او ایمان می‌آورد و به او کمک میکند؛ لذا فرعون از او انتقام میگیرد. مسئله، مسئله‌ی درون خانواده است با این تأثیر و شعاع عظیم کاری که او کرده است، که یک موسائی را تربیت کرده. در مورد حضرت مریم هم همین جور است: «الّتی احصنت فرجها»؛ ناموس خود را حفظ کرد، عفت خود را حفظ کرد. این نشان‌دهنده‌ی این است که در محیط زندگی حضرت مریم (سلام اللَّه علیها) عواملی وجود داشته که میتوانسته است تهدیدکننده‌ی عفت و ناموس یک زن عفیف باشد و او توانسته مبارزه کند. بنابراین همه‌اش ناظر به همین جنبه‌های مهمی است که عرض شد؛ جنبه‌ی خانواده و مسئله‌ی شأن زن در جامعه. بنابراین مسئله، مسئله‌ی مهمی است.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 10ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ كَفَرُوا امرَأَتَ نوحٍ وَامرَأَتَ لوطٍ ۖ كانَتا تَحتَ عَبدَينِ مِن عِبادِنا صالِحَينِ فَخانَتاهُما فَلَم يُغنِيا عَنهُما مِنَ اللَّهِ شَيئًا وَقيلَ ادخُلَا النّارَ مَعَ الدّاخِلينَترجمه :خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!»2 ) سوره مبارکه التحريم آیه 11وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ آمَنُوا امرَأَتَ فِرعَونَ إِذ قالَت رَبِّ ابنِ لي عِندَكَ بَيتًا فِي الجَنَّةِ وَنَجِّني مِن فِرعَونَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّني مِنَ القَومِ الظّالِمينَترجمه :و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»3 ) سوره مبارکه التحريم آیه 12وَمَريَمَ ابنَتَ عِمرانَ الَّتي أَحصَنَت فَرجَها فَنَفَخنا فيهِ مِن روحِنا وَصَدَّقَت بِكَلِماتِ رَبِّها وَكُتُبِهِ وَكانَت مِنَ القانِتينَترجمه :و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!4 ) سوره مبارکه التحريم آیه 10ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ كَفَرُوا امرَأَتَ نوحٍ وَامرَأَتَ لوطٍ ۖ كانَتا تَحتَ عَبدَينِ مِن عِبادِنا صالِحَينِ فَخانَتاهُما فَلَم يُغنِيا عَنهُما مِنَ اللَّهِ شَيئًا وَقيلَ ادخُلَا النّارَ مَعَ الدّاخِلينَترجمه :خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!»مربوط به :[**بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت - 1388/06/16**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8019)عنوان فیش :لزوم رعایت عدالت نسبت به خانواده توسط مسئولانکلیدواژه(ها) : [عدالت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1346), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه‌‌‌‌‌‌ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکانتان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندتان با عدالت رفتار کنید. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آنچنان غرق در کار میشوند که یادشان میرود از وجود همسرانشان و فرزندانشان؛ و این ضایعاتی را درست میکند. یعنی اینجور نیست که ما پای تعارف باشد، بگوئیم: آقا ! خواهش میکنیم بیشتر شما به خودتان برسید، شما هم بگوئید نه، اشکال ندارد. اینجوری نیست. این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندانش، خانواده‌‌‌‌‌‌اش و کانون خانوادگی را حفاظت بکند. «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها النّاس و الحجارة»؛(1) خودتان و اهلتان را حفظ کنید. یعنی در کنار خود انسان ذکر شده. خدای متعال به پیغمبرش فرمود که: «و لا تجعل یدک مغلولة الی عنقک و لا تبسطها کلّ البسط»؛(2) نه دستهایت را به گردن خودت غل و زنجیر کن - یعنی امساک بیش از حد. معنایش امساک بیش از حد است - نه این کار را بکن؛ و نه «تبسطها کلّ البسط»؛ بکلی بازِ باز کن. یک وقت انسان دستش را جمعِ جمع میکند، یک وقت بازِ باز؛ نه، هیچکدام از اینها نباشد. منظور این است که در امور مادی و مالی و اقتصادی، نه مشت بسته داشته باش، نه ولخرجی داشته باش. به پیغمبرش خدای متعال اینجوری سفارش میکند. «و الّذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما»(3) - آخر سوره‌‌‌‌‌‌ی فرقان - یعنی میانه‌‌‌‌‌‌رو در همه‌‌‌‌‌‌ی امور. انسان از افراط و تفریط باید بپرهیزد.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 6يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا قوا أَنفُسَكُم وَأَهليكُم نارًا وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ عَلَيها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعصونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُم وَيَفعَلونَ ما يُؤمَرونَترجمه :ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!2 ) سوره مبارکه الإسراء آیه 29وَلا تَجعَل يَدَكَ مَغلولَةً إِلىٰ عُنُقِكَ وَلا تَبسُطها كُلَّ البَسطِ فَتَقعُدَ مَلومًا مَحسورًاترجمه :هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی!3 ) سوره مبارکه الفرقان آیه 67وَالَّذينَ إِذا أَنفَقوا لَم يُسرِفوا وَلَم يَقتُروا وَكانَ بَينَ ذٰلِكَ قَوامًاترجمه :و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.مربوط به :[**بیانات در دیدار بانوان نخبه‌ در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) - 1386/04/13**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3390)عنوان فیش :مهمتر بودن نقش زن در خانواده نسبت به دیگر نقش های اوکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :در مسأله‌ی زن آنچه که در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، مسأله‌ی «خانواده» است؛ نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه‌ی نقشهائی که زن میتواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. البته بعضی‌ها اینطور حرفها را در همان نظر اول با شدت رد میکنند و میگویند آقا شما میخواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعالیت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواسته. اسلام وقتی که میگوید: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (1) یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمیتوانیم زن را استثناء کنیم. مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدامی به نحوی بر حسب توانائی‌های خودشان. بحث سر این نیست که زن آیا میتواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه - البته که میتواند، شکی در این نیست؛ نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمیکند - بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه‌ی چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه میکنیم. من میگویم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر میتواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهمتر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سَکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم.1 ) سوره مبارکه التوبة آیه 71وَالمُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ بَعضُهُم أَولِياءُ بَعضٍ ۚ يَأمُرونَ بِالمَعروفِ وَيَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ وَيُقيمونَ الصَّلاةَ وَيُؤتونَ الزَّكاةَ وَيُطيعونَ اللَّهَ وَرَسولَهُ ۚ أُولٰئِكَ سَيَرحَمُهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزيزٌ حَكيمٌترجمه :مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1384/05/05**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298)عنوان فیش : خانواده, زنکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :كانون خانواده - كه حوضچه‌ی آرامش زندگی پرچالش و پرتلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام می‌گیرد و سكینه و اطمینان پیدا می‌كند.مربوط به :[**بیانات‌ در دیدار اقشار مختلف مردم‌ - 1384/03/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3296)عنوان فیش : خانواده, خانواده در اسلام, ارزشهای اخلاقی و معنوی, معنویت‎گراییکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [ارزشهای اخلاقی و معنوی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2696), [معنویت‎گرایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1246)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :همه‌ی ارزشهای معنوی را می‌توان از درون كانون گرم خانواده بیرون كشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.مربوط به :[**بیانات در دیدار وزیر و مدیران وزارت اطلاعات - 1383/07/13**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9850)عنوان فیش :لزوم رسیدگی و مراقبت از خانواده برای جلوگیری از انحرافکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :به خانواده‌های خودتان هم برسید؛ به زن، به فرزند برسید. گاهی آنها بهتر از ما هستند، گاهی هم احتیاج دارند به این‌که ما حفظشان کنیم. اگر بهتر از ما بودند، کاری نکنیم که خراب شوند؛ اگر دیدیم خدای نکرده طوری هستند که احتیاج به کمک ما دارند، کمکشان کنیم؛ مراقب باشید. «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها النّاس والحجارة»(1)؛ از آتشی که آتشگیره‌ی آن انسانها و سنگها هستند، خودتان و زن و بچه‌ی‌تان را حفظ کنید؛ معلوم می‌شود که وظیفه‌ی حفظ زن و بچه هم به عهده‌ی ماهاست. البته این کارها با کمک خودِ خدای متعال میسر می‌شود؛ این را هم بدانیم. خداوند خودش باید کمک کند؛ باید از خدا همین را بخواهید.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 6يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا قوا أَنفُسَكُم وَأَهليكُم نارًا وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ عَلَيها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعصونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُم وَيَفعَلونَ ما يُؤمَرونَترجمه :ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه - 1383/05/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1173)عنوان فیش :نقش مهم بانوان سفرا در تقویت مجاهدت همسرانشانکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [سفرای جمهوری اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1598)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :بارها گفته شده است که میدان سیاست خارجی، میدان چالش نظام جمهوری اسلامی یا صف مقدم این چالش با مجموعه‌ی جهان بیرونی است. در این صف مقدم، استحکام، استواری قدم، اعتماد به نفس، اطمینان به راهی که آن را دنبال میکنید، مهمترین شرط است. همسران سفرای ما میتوانند در این زمینه نقش ایفا کنند؛ من جداً از خانمهای عزیز این مطلب را میخواهم. مردها در میدان سیاست، در میدان اصطکاکهای گوناگون، با حوادث مختلفی مواجه میشوند و تأثرات گوناگونی برای آنها پیش می‌آید که همسران آنها ضمن این‌که خودشان نقشهای درخور و قابل توجهی را میتوانند در هر عرصه‌یی نشان دهند، این نقش مهم را هم بر عهده دارند که همسران خود را که در این صف مقدم مشغول مجاهدت و مبارزه هستند، تقویت و آنها را حفظ کنند. یک مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی متواصىِ به حق و متواصىِ به صبر در درون خانواده‌ی مسلمان وجود دارد؛ لذا قرآن میفرماید که: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها النّاس و الحجارة»؛(1) هم خودتان را حفظ کنید، هم اهل‌تان را. این خطاب به مردها و زن‌ها، هر دو، است. اهلِ هر انسانی عبارت است از خانواده و نزدیکان او. زنِ شما، اهلِ شما مردها و مردِ شما، اهلِ شما زنهاست. هم خودتان را از غلتیدن در آتش حفظ کنید، هم اهل‌تان را حفظ کنید. علاوه بر این، حفظ عناصر اصلی داخل کانون خانواده، به حفظ خودِ انسان هم کمک میکند. همسران؛ زن‌ها، مردها را و مردها، زن‌ها را میتوانند از لبه‌ی پرتگاه دوزخ نجات دهند و به بهشت بکشانند. من فرصت حضور شما خانمها را در این‌جا برای گفتن این نکات و کلمات مغتنم میشمارم.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 6يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا قوا أَنفُسَكُم وَأَهليكُم نارًا وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ عَلَيها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعصونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُم وَيَفعَلونَ ما يُؤمَرونَترجمه :ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه - 1383/05/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1173)عنوان فیش :هرچه میتوانید ایمان خود و خانواده تان را تقویت کنیدکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [ایمان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1200), [استقرار ایمان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2712), [ذخیره ایمان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3590), [سفرای جمهوری اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1598)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :شاید بعضی از فرزندان سفرای محترم هم در جلسه حضور دارند؛ جوانها را هم با همان احساسات پاکشان، با آن دل روشن و نورانیشان حفظ کنید. بهترین تضمین برای حفظ فرزندان از آفات گوناگونی که امروز در سر راه جوانها وجود دارد، این است که تدین و دینداری را در آنها تقویت کنید. مبادا رفتار، گفتار، نوع عملکرد، اظهار عقیده و بیاهتمامی ما، جوانان را به سمت بیاعتقادی و تخریب باورهای درونی و انقطاع از آن ایمانی که حفظ کننده است، سوق دهد؛ این مهمترین حرف ماست به شما.شما در محیط خارج از کشور این تعهد را کرده‌اید و این وظیفه و مأموریت را به دوش گرفته‌اید که از نظام جمهوری اسلامی و پیشرفت و منافع و مصالح آن با جدّ و جهد و با همه‌ی وجود دفاع کنید؛ این کار بسیار بزرگی است که از انسانهای با ایمانِ قوی برمی‌آید. بنابراین قوّت ایمانی و عمل ایمانی را که مترتب بر آن است، هر چه میتوانید در خودتان تقویت کنید و همان‌طور که گفتم به خودتان هم اکتفا نکنید؛ «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها النّاس والحجارة».(1)1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 6يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا قوا أَنفُسَكُم وَأَهليكُم نارًا وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ عَلَيها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعصونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُم وَيَفعَلونَ ما يُؤمَرونَترجمه :ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!مربوط به :[**بیانات رهبر انقلاب در مراسم عقد و ازدواج - 1383/03/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1137)عنوان فیش :زن و شوهر باید برای هم مایه ی آرامش باشندکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [اخلاق در خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4452), [ازدواج](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1137)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :[زن و شوهر]دلشان میخواهد وقتی وارد خانه شدند، خانه به آنها آرامش و امنیت و احساس راحتی و آسودگی بدهد؛ این را همه ی مردها میخواهند. همهی زنها هم میخواهند وقتی شوهرشان وارد خانه شد، خانه را پر از شیرینی و شادی کند؛ خانه برایشان محیط راحتی و شادی شود؛ زیرا هر دو خستگی دارند؛ زن کارهایی دارد و مرد هم کارهایی؛ حالا مرد در چالشهای زندگی، زن هم یا در چالشهای زندگی و کارهای سیاسی یا در خانه و با تربیت فرزند؛ هر دو خسته اند. وقتی که زن و شوهر در پایان کار روزانه یا در وسط روز به هم میرسند و همدیگر را میبینند، هر دو از هم توقع دارند که بتوانند محیط را شاد، سرزنده، قابل زیست و رفع کننده ی از خستگی بسازند؛ این توقع بجایی است و بیجا هم نیست که هر دو از یکدیگر توقع داشته باشند. اگر بتوانید این کار را بکنید، زندگی شیرین خواهد شد. ای بسا کسانی که خیلی ثروتمندند؛ اما این زندگی شاد را ندارند؛ در خانه درگیری، دعوا و دلخوری دارند. ای بسا کسانی که خیلی در جامعه معتبرند؛ عنوان دارند، رئیسند؛ اما در خانه شان هزار مشکل دارند. همان آقایی که ممکن است دستیار یا کارگر زیر دست و کارمندش جرأت نکنند به او بگویند بالای چشمت ابرو، و حرف او را مطیعانه گوش کنند، در داخل محیط خانواده ممکن است مدعی داشته باشد؛ زن بداخلاق و تنبل، یا محیط بد، که به جای اینکه برای او آرامش درست کند، خراب میکند. بنابراین اینها با ثروت و فقر و عنوان و بیعنوانی و در تهران یا فلان روستا بودن، هیچ تفاوتی نمیکند؛ همه ی انسانها به این امنیت زندگی نیاز دارند. لذا شما در قرآن که نگاه کنید، میبینید که وقتی بحث ازدواج میشود، میگوید: «و جعل منها زوجها لیسکن الیها»؛ تا مایه ی سکونت و سکینه - یعنی آرامش - باشد؛ زن و شوهر باید برای هم مایه ی آرامش باشند. درست گوش کردید! این را هم شما دخترها، هم شما پسرها در گوش داشته باشید! این ازدواج یک خانواده درست میکند، این خانواده باید محیط امن و امان و راحتی برای شما دو نفر باشد و اگر انشاءاللَّه فرزند داشتید - که خواهید داشت - برای آن فرزندان هم شما باید این محیط امن و امان را فراهم کنید، که این کار به خودی خود هم نمیشود.1 ) سوره مبارکه الروم آیه 21وَمِن آياتِهِ أَن خَلَقَ لَكُم مِن أَنفُسِكُم أَزواجًا لِتَسكُنوا إِلَيها وَجَعَلَ بَينَكُم مَوَدَّةً وَرَحمَةً ۚ إِنَّ في ذٰلِكَ لَآياتٍ لِقَومٍ يَتَفَكَّرونَترجمه :و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان‌ - 1379/06/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024)عنوان فیش : خانواده, اسلام, زن, زن در اسلام, خانواده در اسلام, اخلاق در خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1147), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [اخلاق در خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4452)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :در داخل خانواده، از نظر اسلام مرد موظّف است که زن را مانند گلی مراقبت کند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : خانواده, غرب, خانواده در غرب, مسئله خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2032), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به‌شدّت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله‌ی خانواده است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : زن, امنیت, خانواده, رابطه زن و مرد, خانواده, خانواده در اسلام, آرامشکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [امنیت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1171), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [آرامش](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2661)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است.مربوط به :[**بیانات در اجتماع زنان خوزستان - 1375/12/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284)عنوان فیش : زن مسلمان ایرانی, زن, خانواده, نقش مادریکلیدواژه(ها) : [زن مسلمان ایرانی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1706), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [نقش مادری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3383)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیّت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است.مربوط به :[**مصاحبه در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب - 1374/02/26**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2750)عنوان فیش : کتاب و کتاب‏خوانی, خانواده, فرهنگ کتابخوانی, تربیت کودکان, تربیت جوانانکلیدواژه(ها) : [کتاب و کتاب‏خوانی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1384), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [فرهنگ کتابخوانی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2636), [تربیت کودکان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4434), [تربیت جوانان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5363)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :باید پدرها و مادرها، بچه‌ها را از اوّل با کتاب محشور و مأنوس کنند. حتّی بچه‌های کوچک باید با کتاب اُنس پیدا کنند. باید خریدِ کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از پرستاران - 1373/07/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729)عنوان فیش : خانواده در اسلام, مسئله خانواده, خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :اسلام به خانواده اهمیت می‌دهد. تمام دعوای امروزِ بلندگوها و بوقهای تبلیغاتیِ غربی با مسلمین هم بر سرِ همین است.مربوط به :[**بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان - 1370/10/04**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2536)عنوان فیش :زن فرعون و حضرت نوح(علیه السلام) نمونه‌هایی برای مؤمنان و کافرانکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [آسیه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2066), [همسر نوح](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2064), [همسر لوط](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2065)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :[راجع به مسئله خانواده و نگرش به دو جنس مرد و زن:] نارساییها زیاد و مشکلات فراوان است؛ علاج چیست؟ علاج این است که ما سراغ راه‌حل الهی برویم و آن را پیدا کنیم؛ چون درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم ببینیم وحی دراین‌باره چه می‌گوید. وحی هم فقط به موعظه کردن بسنده نکرده، بلکه نمونه‌سازی کرده است. شما ببینید وقتی که خدای متعال می‌خواهد برای انسانهای مؤمن در طول تاریخ نبوتها در قرآن مثالی بزند، می‌فرماید: «و ضرب اللَّه مثلا للّذین امنوا امرأت فرعون».(1) در زمان موسی‌، این همه مؤمن بودند، این همه کسانی در راه ایمان تلاش و فداکاری کردند؛ اما آن نمونه را اسم می‌آورد. این ناشی از چیست؟ آیا خدای متعال خواسته از زنان جانبداری کند؛ یا نه، مسأله چیز دیگری است؟ مسأله این است که این زن در اوج حرکت معنوی به جایی رسیده که فقط او را می‌شود مثال زد و لاغیر. حالا این قبل از فاطمه‌ی زهرا(سلام‌اللَّه‌علیها) است؛ این قبل از مریم کبری (سلام‌اللَّه‌علیها) است؛ این متعلق به آن زمان است. زن فرعون، نه پیامبر است، نه پیامبرزاده است، نه همسر پیامبر است، نه در خانواده‌ی هیچ پیامبری بوده است. تربیت معنوی و رشد و بالندگی یک زن، او را به این‌جا می‌رساند.البته نقطه‌ی مقابلش هم هست؛ یعنی در فساد هم اتفاقاً همین است. باز برای این‌که خدای متعال بدترین انسانها را مثال بزند، می‌فرماید: «ضرب اللَّه مثلا للّذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط».(2) باز هم دو زن را مثال می‌زند که بدترین انسانها بودند. زمان نوح و زمان لوط، این همه کفار بودند، بدها بودند، اما قرآن آنها را مثال نمی‌زند؛ زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند.این عنایت به جنس زن و توجه به اوجهای گوناگون و حضیضهای گوناگون زن، ناشی از چیست؟ شاید از این جهت باشد که قرآن می‌خواهد به نگرش غلط مردمِ آن روز دنیا - که متأسفانه امروز هم همان نگرش غلط باقی است؛ چه مردم جزیرةالعرب که دخترانشان را زیر خاک می‌کردند، و چه مردم امپراتوریهای بزرگ دنیا، مثل روم و ایران - اشاره کند.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 11وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ آمَنُوا امرَأَتَ فِرعَونَ إِذ قالَت رَبِّ ابنِ لي عِندَكَ بَيتًا فِي الجَنَّةِ وَنَجِّني مِن فِرعَونَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّني مِنَ القَومِ الظّالِمينَترجمه :و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»2 ) سوره مبارکه التحريم آیه 10ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ كَفَرُوا امرَأَتَ نوحٍ وَامرَأَتَ لوطٍ ۖ كانَتا تَحتَ عَبدَينِ مِن عِبادِنا صالِحَينِ فَخانَتاهُما فَلَم يُغنِيا عَنهُما مِنَ اللَّهِ شَيئًا وَقيلَ ادخُلَا النّارَ مَعَ الدّاخِلينَترجمه :خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!»مربوط به :[**بیانات در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج‌ - 1370/04/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2473)عنوان فیش :بیان نکاتی درباره ازدواجکلیدواژه(ها) : [ازدواج](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1137), [مهریه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1427), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [تجملگرایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1699)نوع(ها) : قرآن, حدیثمتن فیش :الحمدللَّه اقرارا بنعمته و لااله‌الّااللَّه اخلاصا لوحدانیّته والصّلاة والسّلام علی اشرف بریّته و علی‌الاصفیاء من عترته. و بعد فقد کان من فضل‌اللَّه علی‌الانام ان اغناهم بالحلال عن‌الحرام و قال: «وانکحوا الایامی منکم والصّالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم اللَّه من فضله واللَّه واسع علیم»(1)«قال رسول‌اللَّه(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله‌وسلّم)النّکاح سنّتی فمن رغب عن سنّتی فلیس منّی»(2) «و قال(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله) من تزوّج احرز نصف دینه فلیتّق اللَّه فی‌النّصف الاخر»(3) «و قال(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله) تناکحوا تکثروا فانّی اباهی بکم الامم یوم‌القیامة ولو بالسّقط»(4)قبل از این‌که صیغه‌ی عقد را جاری بکنیم، چند جمله به عنوان تذکر برای عروسها و دامادها عرض می‌کنیم:نکته‌ی اول این است که در کار ازدواج و این مراسم، و رسم و سنتی که در اسلام و در همه‌ی ادیان و در بشریت وجود دارد، به نظر اسلام آن چیزی که اصل و محور است، تشکیل کانون خانوادگی است. از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد. اسلام می‌خواهد این کانون تشکیل بشود و به وجود بیاید.هنر ادیان - و بیشتر از همه اسلام - در این است که غرایز جنسی و غریزه‌ی زوج‌طلبی انسان را - که غیر از غریزه‌ی جنسی است - در خدمت تشکیل خانواده قرار داده و کاری کرده‌اند که کانون خانواده، با پشتوانه‌ی غریزه‌ی جنسی، یا با پشتوانه‌ی آن غریزه‌ی دیگر - که از غریزه‌ی جنسی عمومیتش بیشتر است - تحقق پیدا کند و باقی بماند. بعضیها ممکن است در سنین خاصی نیاز جنسی هم نداشته باشند، اما نیاز به زوج‌طلبی را دارند و می‌باید زوجی از جنس مخالف را داشته باشند؛ زن و مرد فرقی نمی‌کند. سکن، مایه‌ی آرامش است. ادیان - و بیش از همه اسلام - اینها را پشتوانه‌ی تشکیل خانواده قرار داده‌اند.اگر انسانها رها بودند که غریزه‌ی جنسی را هر طور می‌خواهند، اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی‌شد، یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی‌پذیر می‌شد و هر نسیمی او را به هم می‌زد. لذا در هر جای دنیا که می‌بینید آزادیهای جنسی هست، در آن‌جا به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آن‌جاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، این‌جا همه چیز برای مرد و زن هست؛ لذا این، حفظ و نگهداشته می‌شود.اصل قضیه این است که باید کانون خانواده به وجود بیاید؛ اسلام این را خواسته است. شما یک دختر از جایی و یک پسر از جای دیگری می‌آیید و با یکدیگر آشنا و متصل می‌شوید؛ یک خانواده به وجود می‌آید. این خانواده، منشأ خیراتی است. در اداره‌ی کشور و اداره‌ی انسانیت، کارهای عظیمی به عهده‌ی این خانواده است. این، چیز بسیار مهمی است. شما باید این را مواظب باشید و حفظ کنید.با این کلمات عقدی که می‌خوانیم - که یک امر اعتباری است - یک علقه‌ی اعتباری بین شما به وجود می‌آید. باید همه‌ی همت دختر و پسر این باشد که این را حفظ کنند. مبادا با گله‌ها، با دلخوریها، با افزون‌طلبی و پُرتوقعیها، با بی‌محبتیها، و گاهی با دخالتهای دیگران و از این قبیل، این کانون سست بشود. آن چیزی که مهم است، این است. هم دختر و هم پسر سعی کنند که این علقه‌ی زوجیت را حفظ کنند. چگونه می‌توانید این علقه را حفظ کنید؟ البته آدمهای عاقل و زیرک و با احساس و وجدان صادق، راهش را پیدا می‌کنند. این، با اطمینان و با محبت متقابل حفظ می‌شود. زن به مرد تحمیل نکند و زور نگوید؛ مرد هم به زن زور نگوید و افزون‌طلبی نکند؛ مثل دو رفیق و مثل دو شریک، با هم صمیمی باشند، تا این کانون خانواده حفظ بشود.نکته‌ی دوم این است که در ازدواج، اصل قضیه یک امر انسانی است؛ نه یک امر مادّی. اسلام مهریه را قرار داده است؛ اما مهریه این را به‌صورت یک معامله‌ی دادوستدی نمی‌کند. این‌جا دادوستدی نیست؛ بلکه طرفین در یک جای مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند. این‌طور نیست که شما مثل خرید و فروش، یک چیز بدهید و یک چیز بگیرید. نه، این‌جا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق و کاسه‌ی مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده می‌کنند. در ازدواج، قضیه این است.بنابراین، نقش مادّیات در این‌جا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم هست، اما کار غلط است.بعضیها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند؛ یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک دادوستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل می‌کنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این، کار غلطی است.بعضیها هم ازدواج را که یک امر عاطفی و انسانی و وجدانی است، به صحنه‌ی تفاخر تبدیل می‌کنند. مثلاً می‌گویند که جهیزیه‌ی ما این‌چیزها را داشت؛ آیا جهیزیه‌ی دختر شما هم اینها را دارد؟! تفاخر و تنافس! یا مثلاً می‌گویند که ما عقدمان را در فلان سالن گرفتیم. البته حالا که متأسفانه مرسوم شده است در هتلها می‌گیرند؛ که کار بسیار بدی است. حتّی گاهی شنیده یا دیده می‌شود، بعضی افرادی هم که از آنها توقع نیست، برای تفاخر به همدیگر، مراسم عقد خود را در هتلها و سالنها می‌گیرند! نه، مراسم عقد را در اتاق خانه و حیاط منزل خودتان و یا همسایه‌تان بگیرید و مردم را دعوت کنید؛ همین‌طور که همیشه بوده است. این‌گونه محیطها، یک محیط انس خانوادگی است. عده‌یی دوست، عده‌یی قوم و خویش، عده‌یی همردیفهای دختر یا پسر، دوستان مدرسه، دوستان پسر در محیط کار یا مدرسه، جمع می‌شوند و شادی و خوشی می‌کنند؛ این درست است.این‌که ما این‌جا را صحنه‌ی تفاخر قرار بدهیم، غلط اندرغلط است. هم محیط ازدواج را آلوده‌ی به مادّیات می‌کند، هم این صحنه‌ی پاک و لطیف وجدانی را صحنه‌ی تفاخرها و تنافسها و زیاده‌رویها می‌کند، بعد هم این دختر و پسر از اول عادت می‌کنند که بایستی زندگی آنان بر تجمل و تشریفات بگذرد؛ چرا؟ بگذارید از اول به یک زندگی متوسط عادت کنند.تجملات برای یک جامعه، مضر و بد است. آن کسانی که با تجملات مخالفت می‌کنند، معنایش این نیست که از لذتها و خوشیهایش بی‌اطلاعند؛ نه، کار مضری برای جامعه است؛ مثل یک دارو یا یک خوراکی مضر. با تجملات زیادی، جامعه زیان می‌کند. البته در حد معقول و متداول ایرادی ندارد؛ اما وقتی که همین‌طور مرتب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حد خودش تجاوز می‌کند و به جاهای دیگری می‌رود؛ و این برای جامعه مضر است. حالا چنانچه ما آن کار مضر را درعرصه‌ی ازدواج بیاوریم و بخواهیم از آن استفاده کنیم، این دیگر غلط اندرغلط خواهد شد؛ بسیار بد است.این میهمانیهای پُرسروصدا و هتل‌گرفتنها و خرجهای زیاد، کار آن طاغوتیها بود. اخیراً در روزنامه هم موردی را نوشته بودند، که چه‌قدر خوب کردند که نوشتند؛ تامردم بفهمند که این کارها زشت است. ماها همیشه در خانه‌های خودمان - یک اتاق، دو اتاق - عقد و عروسی می‌گرفتیم. اگر هم نداشتیم، از همسایه قرض می‌گرفتیم. مقداری شیرینی و میوه چیده می‌شد؛ می‌گفتیم، می‌خندیدیم، شوخی می‌کردیم؛ خیلی هم خوش می‌گذشت. البته آن طاغوتها و آدمهای بدی که بحمداللَّه ازاله شدند، این‌طور برگزار نمی‌کردند. آنها به این وضع قانع نبودند؛ در آن هتلها می‌رفتند و میهمانیهای پُرخرج و چنین و چنان برپا می‌کردند.حالا ما که بر سر کار آمده‌ایم، نباید کار آنها را تکرار بکنیم. اگر تکرار بکنیم، ما هم مثل آنها می‌شویم؛ آن بد بود. نه این‌که وقتی آدم نمی‌تواند کار پُرخرجی بکند، نکند؛ ولی وقتی که توانست، برود بکند! پس چی شد؟! آن منطق صحیح، این را ایجاب نمی‌کند. باید بنا را بر سادگی گذاشت. جهیزیه‌ها را ساده بگیرید. اگر جهیزیه نیازهای دختر را تأمین می‌کند، خوب است؛ اما به سمت تجملات نرود.نکته‌ی سوم این است که بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک‌وقت خدمت امام رفتم، ایشان می‌خواستند خطبه‌ی عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم - عقد را اول می‌خواندند، بعد دو، سه جمله‌ی کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشان پس از این‌که عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله‌ی «بروید با هم بسازید»، خلاصه می‌شود! حالا ما هم عرض می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر منافات دارد، بایستی بیگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید، تا ان‌شاءاللَّه خداوند متعال برکاتش را بر شما نازل کند.امیدواریم که خداوند ان‌شاءاللَّه این عقدهایی را که می‌خوانیم، مبارک کند؛ این دختران و پسران، محیطهای شادی را به خانواده‌ها بیاورند؛ و خداوند نسل طیب و طاهری هم به آنها عنایت کند.1 ) سوره مبارکه النور آیه 32وَأَنكِحُوا الأَيامىٰ مِنكُم وَالصّالِحينَ مِن عِبادِكُم وَإِمائِكُم ۚ إِن يَكونوا فُقَراءَ يُغنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضلِهِ ۗ وَاللَّهُ واسِعٌ عَليمٌترجمه :مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!2 ) جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، ص 101 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ‏100، ص 220 ؛كنز العمال، متقی هندی، ج 16، ص 271 ؛وَ قَالَ ص‏ النِّكَاحُ‏ سُنَّتِي‏ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِی فَلَيْسَ مِنِّي‏ترجمه :پيامبر خدا (صلى اللّه عليه و آله) فرمودند: ازدواج، سنّت من است و هر كه از سنّت من روى گردانَد، از من نيست.3 ) الكافی، شیخ كلینی، ج ‏5، ص 328 ؛الأمالی، شیخ طوسی، ص 518 ؛مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص 196 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج‏ 100، ص 219 ؛قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ‏ دِينِهِ‏ وَ فِی حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِی النِّصْفِ الْآخَرِ أَوِ الْبَاقِی.ترجمه :هر گاه آدمى ازدواج كند، نصف دين را به دست آورده است و در حدیث دیگر آمده است: براى نصف ديگر، بايد پروا از خدا را پيشه كند.4 ) عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسائی، ج ‏3، ص 286 ؛السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، ابن ادریس حلی، ج ‏2، ص 518 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ‏100، ص 220 ؛وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ تَنَاكَحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّی أُبَاهِی بِكُمُ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسِّقْطِترجمه :پیامبر خدا(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: ازدواج كنيد تا جمعيت شما افزون شود؛ زيرا من در روز قيامت، به وجود شما، حتّى به فرزندان سقط شده‏تان، بر ساير امّت‏ها مى‏بالم. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» - 1391/04/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388)عنوان فیش : خانواده, خانواده در غرب, الگوی اسلامی زن, زنکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [الگوی اسلامی زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1164), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :زن بودن، برای زن یك نقطه‌ی امتیاز است، یك نقطه‌ی افتخار است. این افتخاری نیست برای زن كه او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور كنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم. فرهنگ غربی خانواده را متلاشی كرد.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش :توانایی زن برای حل مشکلات خود در عرصه اجتماعکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :آنچه که مایلم اینجا عرض کنم، این است که فی‌الجمله نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوق‌العاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عادتی و سنتیِ عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهائی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سَکَن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است –(1) و همچنان که قرآن خواسته، مودّت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «و لهنّ مثل الّذی علیهن»(2) در خانواده رعایت شود - این چیزهائی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می‌آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه‌ی اجتماع هم خواهد توانست.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : زن, خانوادهکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :مسئله‌ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :خانواده پایه‌ و سلول اصلی در جامعه است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانواده, خانواده در غربکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :در داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : زن, خانوادهکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :زن در خانواده عنصر محوری است.مربوط به :[**بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور - 1390/10/07**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19872)عنوان فیش :توکل به خدا و یاد خدا راهی برای جلوگیری از ایجاد رخنه در خانواده هاکلیدواژه(ها) : [وزارت امور خارجه‏](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1597), [دیپلماسی عمومی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1645), [رابطه با خدا](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1931), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زبیر](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1564)نوع(ها) : حدیثمتن فیش :دستگاه دیپلماسی مهم است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی مبارزه است؛ در این مبارزه باید قوی باشید. اگر میخواهید قوی باشید، ارتباط با خدا را مستحکم کنید؛ هم خودتان، هم خانواده‌تان. خانواده را مهم بشمرید؛ چه خانواده‌ی بزرگ دیپلماسی، چه خانواده‌ی شخصی خودتان. گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، ما را تغییر میدهد. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر با ما بود، از ما اهل‌بیت بود. واقعاً هم همین جور بود. میدانید بعد از رحلت پیغمبر، در مسجد، در پای منبر خلیفه‌ی اول - جناب ابوبکر - حدود ده نفر از صحابه بلند شدند و صریحاً از امیرالمؤمنین دفاع کردند؛ گفتند اینجائی که شما نشسته‌ای، حق علی‌بن‌ابی‌طالب است. یکی از آن ده نفر، زبیر بود! زبیر، رفیق دوران عشرت نبود؛ رفیق دوران محنت بود. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر همواره با ما بود، «حتّی شبّ ابنه عبدالله»(1) تا پسرش عبدالله بزرگ شد، آمد توی عرصه، در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کرد؛ آن وقت او عوض شد. زبیر همانی شد که آمد در مقابل امیرالمؤمنین شمشیر کشید! گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، یک چنین اثر بسیار مهمی میگذارد. لذا باید جلوی این رخنه را گرفت؛ و این هم جز با توکل به خدای متعال، جز با ذکر، جز با توجه، امکان‌پذیر نیست.1 ) 1) شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابى‌الحديد، ج 2، ص 167كان أمير المؤمنين ع يقول‏ ما زال الزبير منا أهل البيت حتى شب ابنه عبد اللهترجمه :زبير همواره با ما بود، تا پسرش عبدالله بزرگ شد.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه - 1390/03/01**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12518)عنوان فیش :مطرح شدن زن، برای نمونه انسان مؤمن و کافر در قرآنکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :در مورد نگاه اسلام به زن بحثهای زیادی شده است، ما هم بارها گفتیم. من مکرراً عرض کردم که نمونه برای انسان مؤمن و مرضی الهی، و انسان کافر و مردود درگاه پروردگار در قرآن، زن مطرح شده؛ این چیز جالبی است. قرآن وقتی میخواهد برای انسان خوب و انسان بد نمونه ذکر کند، هر دو را از زنان انتخاب میکند: «ضرب اللَّه مثلا للّذین کفروا امرأة نوح و امرأة لوط».(1) قرآن دو زن را به عنوان «مثل»، یعنی نمونه و نماد زنانِ بد معرفی میکند؛ همسر نوح و همسر لوط. بعد نقطه‌ی مقابل: «و ضرب اللَّه مثلا للّذین امنوا امرأة فرعون».(2) به عنوان نماد زن خوب، زن برتر و زن مؤمن، دو نفر را معرفی میکند: یکی همسر فرعون است، یکی هم حضرت مریم است؛ «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها».(3) جالب این است که هر چهار تای این زنها خوبی و بدی‌شان مربوط به محیط خانواده است. در مورد آن دو زن بد - «امرأة نوح و امرأة لوط» - میفرماید: «کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما»؛(4) این دو زن به همسرانشان - که دو پیغمبر عالی‌شأن و عالی‌مقام بودند - خیانت کردند. مسئله، مسئله‌ی خانواده است. موضوع آن دو زن دیگر هم مربوط به خانواده است؛ اوّلی که زن فرعون است، ارزش و اهمیت او این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، یک موسای کلیم‌اللَّه را در آغوش خود پرورش میدهد و به او ایمان می‌آورد و به او کمک میکند؛ لذا فرعون از او انتقام میگیرد. مسئله، مسئله‌ی درون خانواده است با این تأثیر و شعاع عظیم کاری که او کرده است، که یک موسائی را تربیت کرده. در مورد حضرت مریم هم همین جور است: «الّتی احصنت فرجها»؛ ناموس خود را حفظ کرد، عفت خود را حفظ کرد. این نشان‌دهنده‌ی این است که در محیط زندگی حضرت مریم (سلام اللَّه علیها) عواملی وجود داشته که میتوانسته است تهدیدکننده‌ی عفت و ناموس یک زن عفیف باشد و او توانسته مبارزه کند. بنابراین همه‌اش ناظر به همین جنبه‌های مهمی است که عرض شد؛ جنبه‌ی خانواده و مسئله‌ی شأن زن در جامعه. بنابراین مسئله، مسئله‌ی مهمی است.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 10ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ كَفَرُوا امرَأَتَ نوحٍ وَامرَأَتَ لوطٍ ۖ كانَتا تَحتَ عَبدَينِ مِن عِبادِنا صالِحَينِ فَخانَتاهُما فَلَم يُغنِيا عَنهُما مِنَ اللَّهِ شَيئًا وَقيلَ ادخُلَا النّارَ مَعَ الدّاخِلينَترجمه :خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!»2 ) سوره مبارکه التحريم آیه 11وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ آمَنُوا امرَأَتَ فِرعَونَ إِذ قالَت رَبِّ ابنِ لي عِندَكَ بَيتًا فِي الجَنَّةِ وَنَجِّني مِن فِرعَونَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّني مِنَ القَومِ الظّالِمينَترجمه :و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»3 ) سوره مبارکه التحريم آیه 12وَمَريَمَ ابنَتَ عِمرانَ الَّتي أَحصَنَت فَرجَها فَنَفَخنا فيهِ مِن روحِنا وَصَدَّقَت بِكَلِماتِ رَبِّها وَكُتُبِهِ وَكانَت مِنَ القانِتينَترجمه :و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!4 ) سوره مبارکه التحريم آیه 10ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ كَفَرُوا امرَأَتَ نوحٍ وَامرَأَتَ لوطٍ ۖ كانَتا تَحتَ عَبدَينِ مِن عِبادِنا صالِحَينِ فَخانَتاهُما فَلَم يُغنِيا عَنهُما مِنَ اللَّهِ شَيئًا وَقيلَ ادخُلَا النّارَ مَعَ الدّاخِلينَترجمه :خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!»مربوط به :[**بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت - 1388/06/16**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8019)عنوان فیش :لزوم رعایت عدالت نسبت به خانواده توسط مسئولانکلیدواژه(ها) : [عدالت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1346), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه‌‌‌‌‌‌ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکانتان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندتان با عدالت رفتار کنید. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آنچنان غرق در کار میشوند که یادشان میرود از وجود همسرانشان و فرزندانشان؛ و این ضایعاتی را درست میکند. یعنی اینجور نیست که ما پای تعارف باشد، بگوئیم: آقا ! خواهش میکنیم بیشتر شما به خودتان برسید، شما هم بگوئید نه، اشکال ندارد. اینجوری نیست. این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندانش، خانواده‌‌‌‌‌‌اش و کانون خانوادگی را حفاظت بکند. «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها النّاس و الحجارة»؛(1) خودتان و اهلتان را حفظ کنید. یعنی در کنار خود انسان ذکر شده. خدای متعال به پیغمبرش فرمود که: «و لا تجعل یدک مغلولة الی عنقک و لا تبسطها کلّ البسط»؛(2) نه دستهایت را به گردن خودت غل و زنجیر کن - یعنی امساک بیش از حد. معنایش امساک بیش از حد است - نه این کار را بکن؛ و نه «تبسطها کلّ البسط»؛ بکلی بازِ باز کن. یک وقت انسان دستش را جمعِ جمع میکند، یک وقت بازِ باز؛ نه، هیچکدام از اینها نباشد. منظور این است که در امور مادی و مالی و اقتصادی، نه مشت بسته داشته باش، نه ولخرجی داشته باش. به پیغمبرش خدای متعال اینجوری سفارش میکند. «و الّذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما»(3) - آخر سوره‌‌‌‌‌‌ی فرقان - یعنی میانه‌‌‌‌‌‌رو در همه‌‌‌‌‌‌ی امور. انسان از افراط و تفریط باید بپرهیزد.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 6يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا قوا أَنفُسَكُم وَأَهليكُم نارًا وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ عَلَيها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعصونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُم وَيَفعَلونَ ما يُؤمَرونَترجمه :ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!2 ) سوره مبارکه الإسراء آیه 29وَلا تَجعَل يَدَكَ مَغلولَةً إِلىٰ عُنُقِكَ وَلا تَبسُطها كُلَّ البَسطِ فَتَقعُدَ مَلومًا مَحسورًاترجمه :هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی!3 ) سوره مبارکه الفرقان آیه 67وَالَّذينَ إِذا أَنفَقوا لَم يُسرِفوا وَلَم يَقتُروا وَكانَ بَينَ ذٰلِكَ قَوامًاترجمه :و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.مربوط به :[**بیانات در دیدار بانوان نخبه‌ در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) - 1386/04/13**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3390)عنوان فیش :مهمتر بودن نقش زن در خانواده نسبت به دیگر نقش های اوکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :در مسأله‌ی زن آنچه که در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، مسأله‌ی «خانواده» است؛ نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه‌ی نقشهائی که زن میتواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. البته بعضی‌ها اینطور حرفها را در همان نظر اول با شدت رد میکنند و میگویند آقا شما میخواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعالیت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواسته. اسلام وقتی که میگوید: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (1) یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمیتوانیم زن را استثناء کنیم. مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدامی به نحوی بر حسب توانائی‌های خودشان. بحث سر این نیست که زن آیا میتواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه - البته که میتواند، شکی در این نیست؛ نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمیکند - بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه‌ی چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه میکنیم. من میگویم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر میتواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهمتر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سَکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم.1 ) سوره مبارکه التوبة آیه 71وَالمُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ بَعضُهُم أَولِياءُ بَعضٍ ۚ يَأمُرونَ بِالمَعروفِ وَيَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ وَيُقيمونَ الصَّلاةَ وَيُؤتونَ الزَّكاةَ وَيُطيعونَ اللَّهَ وَرَسولَهُ ۚ أُولٰئِكَ سَيَرحَمُهُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزيزٌ حَكيمٌترجمه :مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1384/05/05**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298)عنوان فیش : خانواده, زنکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :كانون خانواده - كه حوضچه‌ی آرامش زندگی پرچالش و پرتلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام می‌گیرد و سكینه و اطمینان پیدا می‌كند.مربوط به :[**بیانات‌ در دیدار اقشار مختلف مردم‌ - 1384/03/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3296)عنوان فیش : خانواده, خانواده در اسلام, ارزشهای اخلاقی و معنوی, معنویت‎گراییکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [ارزشهای اخلاقی و معنوی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2696), [معنویت‎گرایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1246)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :همه‌ی ارزشهای معنوی را می‌توان از درون كانون گرم خانواده بیرون كشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.مربوط به :[**بیانات در دیدار وزیر و مدیران وزارت اطلاعات - 1383/07/13**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9850)عنوان فیش :لزوم رسیدگی و مراقبت از خانواده برای جلوگیری از انحرافکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :به خانواده‌های خودتان هم برسید؛ به زن، به فرزند برسید. گاهی آنها بهتر از ما هستند، گاهی هم احتیاج دارند به این‌که ما حفظشان کنیم. اگر بهتر از ما بودند، کاری نکنیم که خراب شوند؛ اگر دیدیم خدای نکرده طوری هستند که احتیاج به کمک ما دارند، کمکشان کنیم؛ مراقب باشید. «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها النّاس والحجارة»(1)؛ از آتشی که آتشگیره‌ی آن انسانها و سنگها هستند، خودتان و زن و بچه‌ی‌تان را حفظ کنید؛ معلوم می‌شود که وظیفه‌ی حفظ زن و بچه هم به عهده‌ی ماهاست. البته این کارها با کمک خودِ خدای متعال میسر می‌شود؛ این را هم بدانیم. خداوند خودش باید کمک کند؛ باید از خدا همین را بخواهید.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 6يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا قوا أَنفُسَكُم وَأَهليكُم نارًا وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ عَلَيها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعصونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُم وَيَفعَلونَ ما يُؤمَرونَترجمه :ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه - 1383/05/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1173)عنوان فیش :نقش مهم بانوان سفرا در تقویت مجاهدت همسرانشانکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [سفرای جمهوری اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1598)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :بارها گفته شده است که میدان سیاست خارجی، میدان چالش نظام جمهوری اسلامی یا صف مقدم این چالش با مجموعه‌ی جهان بیرونی است. در این صف مقدم، استحکام، استواری قدم، اعتماد به نفس، اطمینان به راهی که آن را دنبال میکنید، مهمترین شرط است. همسران سفرای ما میتوانند در این زمینه نقش ایفا کنند؛ من جداً از خانمهای عزیز این مطلب را میخواهم. مردها در میدان سیاست، در میدان اصطکاکهای گوناگون، با حوادث مختلفی مواجه میشوند و تأثرات گوناگونی برای آنها پیش می‌آید که همسران آنها ضمن این‌که خودشان نقشهای درخور و قابل توجهی را میتوانند در هر عرصه‌یی نشان دهند، این نقش مهم را هم بر عهده دارند که همسران خود را که در این صف مقدم مشغول مجاهدت و مبارزه هستند، تقویت و آنها را حفظ کنند. یک مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی متواصىِ به حق و متواصىِ به صبر در درون خانواده‌ی مسلمان وجود دارد؛ لذا قرآن میفرماید که: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها النّاس و الحجارة»؛(1) هم خودتان را حفظ کنید، هم اهل‌تان را. این خطاب به مردها و زن‌ها، هر دو، است. اهلِ هر انسانی عبارت است از خانواده و نزدیکان او. زنِ شما، اهلِ شما مردها و مردِ شما، اهلِ شما زنهاست. هم خودتان را از غلتیدن در آتش حفظ کنید، هم اهل‌تان را حفظ کنید. علاوه بر این، حفظ عناصر اصلی داخل کانون خانواده، به حفظ خودِ انسان هم کمک میکند. همسران؛ زن‌ها، مردها را و مردها، زن‌ها را میتوانند از لبه‌ی پرتگاه دوزخ نجات دهند و به بهشت بکشانند. من فرصت حضور شما خانمها را در این‌جا برای گفتن این نکات و کلمات مغتنم میشمارم.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 6يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا قوا أَنفُسَكُم وَأَهليكُم نارًا وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ عَلَيها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعصونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُم وَيَفعَلونَ ما يُؤمَرونَترجمه :ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه - 1383/05/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1173)عنوان فیش :هرچه میتوانید ایمان خود و خانواده تان را تقویت کنیدکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [ایمان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1200), [استقرار ایمان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2712), [ذخیره ایمان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3590), [سفرای جمهوری اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1598)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :شاید بعضی از فرزندان سفرای محترم هم در جلسه حضور دارند؛ جوانها را هم با همان احساسات پاکشان، با آن دل روشن و نورانیشان حفظ کنید. بهترین تضمین برای حفظ فرزندان از آفات گوناگونی که امروز در سر راه جوانها وجود دارد، این است که تدین و دینداری را در آنها تقویت کنید. مبادا رفتار، گفتار، نوع عملکرد، اظهار عقیده و بیاهتمامی ما، جوانان را به سمت بیاعتقادی و تخریب باورهای درونی و انقطاع از آن ایمانی که حفظ کننده است، سوق دهد؛ این مهمترین حرف ماست به شما.شما در محیط خارج از کشور این تعهد را کرده‌اید و این وظیفه و مأموریت را به دوش گرفته‌اید که از نظام جمهوری اسلامی و پیشرفت و منافع و مصالح آن با جدّ و جهد و با همه‌ی وجود دفاع کنید؛ این کار بسیار بزرگی است که از انسانهای با ایمانِ قوی برمی‌آید. بنابراین قوّت ایمانی و عمل ایمانی را که مترتب بر آن است، هر چه میتوانید در خودتان تقویت کنید و همان‌طور که گفتم به خودتان هم اکتفا نکنید؛ «قوا انفسکم و اهلیکم نارا وقودها النّاس والحجارة».(1)1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 6يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا قوا أَنفُسَكُم وَأَهليكُم نارًا وَقودُهَا النّاسُ وَالحِجارَةُ عَلَيها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعصونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُم وَيَفعَلونَ ما يُؤمَرونَترجمه :ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند!مربوط به :[**بیانات رهبر انقلاب در مراسم عقد و ازدواج - 1383/03/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1137)عنوان فیش :زن و شوهر باید برای هم مایه ی آرامش باشندکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [اخلاق در خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4452), [ازدواج](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1137)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :[زن و شوهر]دلشان میخواهد وقتی وارد خانه شدند، خانه به آنها آرامش و امنیت و احساس راحتی و آسودگی بدهد؛ این را همه ی مردها میخواهند. همهی زنها هم میخواهند وقتی شوهرشان وارد خانه شد، خانه را پر از شیرینی و شادی کند؛ خانه برایشان محیط راحتی و شادی شود؛ زیرا هر دو خستگی دارند؛ زن کارهایی دارد و مرد هم کارهایی؛ حالا مرد در چالشهای زندگی، زن هم یا در چالشهای زندگی و کارهای سیاسی یا در خانه و با تربیت فرزند؛ هر دو خسته اند. وقتی که زن و شوهر در پایان کار روزانه یا در وسط روز به هم میرسند و همدیگر را میبینند، هر دو از هم توقع دارند که بتوانند محیط را شاد، سرزنده، قابل زیست و رفع کننده ی از خستگی بسازند؛ این توقع بجایی است و بیجا هم نیست که هر دو از یکدیگر توقع داشته باشند. اگر بتوانید این کار را بکنید، زندگی شیرین خواهد شد. ای بسا کسانی که خیلی ثروتمندند؛ اما این زندگی شاد را ندارند؛ در خانه درگیری، دعوا و دلخوری دارند. ای بسا کسانی که خیلی در جامعه معتبرند؛ عنوان دارند، رئیسند؛ اما در خانه شان هزار مشکل دارند. همان آقایی که ممکن است دستیار یا کارگر زیر دست و کارمندش جرأت نکنند به او بگویند بالای چشمت ابرو، و حرف او را مطیعانه گوش کنند، در داخل محیط خانواده ممکن است مدعی داشته باشد؛ زن بداخلاق و تنبل، یا محیط بد، که به جای اینکه برای او آرامش درست کند، خراب میکند. بنابراین اینها با ثروت و فقر و عنوان و بیعنوانی و در تهران یا فلان روستا بودن، هیچ تفاوتی نمیکند؛ همه ی انسانها به این امنیت زندگی نیاز دارند. لذا شما در قرآن که نگاه کنید، میبینید که وقتی بحث ازدواج میشود، میگوید: «و جعل منها زوجها لیسکن الیها»؛ تا مایه ی سکونت و سکینه - یعنی آرامش - باشد؛ زن و شوهر باید برای هم مایه ی آرامش باشند. درست گوش کردید! این را هم شما دخترها، هم شما پسرها در گوش داشته باشید! این ازدواج یک خانواده درست میکند، این خانواده باید محیط امن و امان و راحتی برای شما دو نفر باشد و اگر انشاءاللَّه فرزند داشتید - که خواهید داشت - برای آن فرزندان هم شما باید این محیط امن و امان را فراهم کنید، که این کار به خودی خود هم نمیشود.1 ) سوره مبارکه الروم آیه 21وَمِن آياتِهِ أَن خَلَقَ لَكُم مِن أَنفُسِكُم أَزواجًا لِتَسكُنوا إِلَيها وَجَعَلَ بَينَكُم مَوَدَّةً وَرَحمَةً ۚ إِنَّ في ذٰلِكَ لَآياتٍ لِقَومٍ يَتَفَكَّرونَترجمه :و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان‌ - 1379/06/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024)عنوان فیش : خانواده, اسلام, زن, زن در اسلام, خانواده در اسلام, اخلاق در خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1147), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [اخلاق در خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4452)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :در داخل خانواده، از نظر اسلام مرد موظّف است که زن را مانند گلی مراقبت کند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : خانواده, غرب, خانواده در غرب, مسئله خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2032), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به‌شدّت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله‌ی خانواده است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : زن, امنیت, خانواده, رابطه زن و مرد, خانواده, خانواده در اسلام, آرامشکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [امنیت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1171), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [آرامش](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2661)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است.مربوط به :[**بیانات در اجتماع زنان خوزستان - 1375/12/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284)عنوان فیش : زن مسلمان ایرانی, زن, خانواده, نقش مادریکلیدواژه(ها) : [زن مسلمان ایرانی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1706), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [نقش مادری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3383)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیّت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است.مربوط به :[**مصاحبه در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب - 1374/02/26**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2750)عنوان فیش : کتاب و کتاب‏خوانی, خانواده, فرهنگ کتابخوانی, تربیت کودکان, تربیت جوانانکلیدواژه(ها) : [کتاب و کتاب‏خوانی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1384), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [فرهنگ کتابخوانی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2636), [تربیت کودکان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4434), [تربیت جوانان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5363)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :باید پدرها و مادرها، بچه‌ها را از اوّل با کتاب محشور و مأنوس کنند. حتّی بچه‌های کوچک باید با کتاب اُنس پیدا کنند. باید خریدِ کتاب، یکی از مخارج اصلی خانواده محسوب شود.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از پرستاران - 1373/07/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729)عنوان فیش : خانواده در اسلام, مسئله خانواده, خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :اسلام به خانواده اهمیت می‌دهد. تمام دعوای امروزِ بلندگوها و بوقهای تبلیغاتیِ غربی با مسلمین هم بر سرِ همین است.مربوط به :[**بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان - 1370/10/04**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2536)عنوان فیش :زن فرعون و حضرت نوح(علیه السلام) نمونه‌هایی برای مؤمنان و کافرانکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [آسیه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2066), [همسر نوح](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2064), [همسر لوط](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2065)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :[راجع به مسئله خانواده و نگرش به دو جنس مرد و زن:] نارساییها زیاد و مشکلات فراوان است؛ علاج چیست؟ علاج این است که ما سراغ راه‌حل الهی برویم و آن را پیدا کنیم؛ چون درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم ببینیم وحی دراین‌باره چه می‌گوید. وحی هم فقط به موعظه کردن بسنده نکرده، بلکه نمونه‌سازی کرده است. شما ببینید وقتی که خدای متعال می‌خواهد برای انسانهای مؤمن در طول تاریخ نبوتها در قرآن مثالی بزند، می‌فرماید: «و ضرب اللَّه مثلا للّذین امنوا امرأت فرعون».(1) در زمان موسی‌، این همه مؤمن بودند، این همه کسانی در راه ایمان تلاش و فداکاری کردند؛ اما آن نمونه را اسم می‌آورد. این ناشی از چیست؟ آیا خدای متعال خواسته از زنان جانبداری کند؛ یا نه، مسأله چیز دیگری است؟ مسأله این است که این زن در اوج حرکت معنوی به جایی رسیده که فقط او را می‌شود مثال زد و لاغیر. حالا این قبل از فاطمه‌ی زهرا(سلام‌اللَّه‌علیها) است؛ این قبل از مریم کبری (سلام‌اللَّه‌علیها) است؛ این متعلق به آن زمان است. زن فرعون، نه پیامبر است، نه پیامبرزاده است، نه همسر پیامبر است، نه در خانواده‌ی هیچ پیامبری بوده است. تربیت معنوی و رشد و بالندگی یک زن، او را به این‌جا می‌رساند.البته نقطه‌ی مقابلش هم هست؛ یعنی در فساد هم اتفاقاً همین است. باز برای این‌که خدای متعال بدترین انسانها را مثال بزند، می‌فرماید: «ضرب اللَّه مثلا للّذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط».(2) باز هم دو زن را مثال می‌زند که بدترین انسانها بودند. زمان نوح و زمان لوط، این همه کفار بودند، بدها بودند، اما قرآن آنها را مثال نمی‌زند؛ زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند.این عنایت به جنس زن و توجه به اوجهای گوناگون و حضیضهای گوناگون زن، ناشی از چیست؟ شاید از این جهت باشد که قرآن می‌خواهد به نگرش غلط مردمِ آن روز دنیا - که متأسفانه امروز هم همان نگرش غلط باقی است؛ چه مردم جزیرةالعرب که دخترانشان را زیر خاک می‌کردند، و چه مردم امپراتوریهای بزرگ دنیا، مثل روم و ایران - اشاره کند.1 ) سوره مبارکه التحريم آیه 11وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ آمَنُوا امرَأَتَ فِرعَونَ إِذ قالَت رَبِّ ابنِ لي عِندَكَ بَيتًا فِي الجَنَّةِ وَنَجِّني مِن فِرعَونَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّني مِنَ القَومِ الظّالِمينَترجمه :و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»2 ) سوره مبارکه التحريم آیه 10ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ كَفَرُوا امرَأَتَ نوحٍ وَامرَأَتَ لوطٍ ۖ كانَتا تَحتَ عَبدَينِ مِن عِبادِنا صالِحَينِ فَخانَتاهُما فَلَم يُغنِيا عَنهُما مِنَ اللَّهِ شَيئًا وَقيلَ ادخُلَا النّارَ مَعَ الدّاخِلينَترجمه :خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!»مربوط به :[**بیانات در مراسم اجرای خطبه‌ی عقد ازدواج‌ - 1370/04/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2473)عنوان فیش :بیان نکاتی درباره ازدواجکلیدواژه(ها) : [ازدواج](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1137), [مهریه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1427), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [تجملگرایی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1699)نوع(ها) : قرآن, حدیثمتن فیش :الحمدللَّه اقرارا بنعمته و لااله‌الّااللَّه اخلاصا لوحدانیّته والصّلاة والسّلام علی اشرف بریّته و علی‌الاصفیاء من عترته. و بعد فقد کان من فضل‌اللَّه علی‌الانام ان اغناهم بالحلال عن‌الحرام و قال: «وانکحوا الایامی منکم والصّالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم اللَّه من فضله واللَّه واسع علیم»(1)«قال رسول‌اللَّه(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله‌وسلّم)النّکاح سنّتی فمن رغب عن سنّتی فلیس منّی»(2) «و قال(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله) من تزوّج احرز نصف دینه فلیتّق اللَّه فی‌النّصف الاخر»(3) «و قال(صلّی‌اللَّه‌علیه‌واله) تناکحوا تکثروا فانّی اباهی بکم الامم یوم‌القیامة ولو بالسّقط»(4)قبل از این‌که صیغه‌ی عقد را جاری بکنیم، چند جمله به عنوان تذکر برای عروسها و دامادها عرض می‌کنیم:نکته‌ی اول این است که در کار ازدواج و این مراسم، و رسم و سنتی که در اسلام و در همه‌ی ادیان و در بشریت وجود دارد، به نظر اسلام آن چیزی که اصل و محور است، تشکیل کانون خانوادگی است. از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد. اسلام می‌خواهد این کانون تشکیل بشود و به وجود بیاید.هنر ادیان - و بیشتر از همه اسلام - در این است که غرایز جنسی و غریزه‌ی زوج‌طلبی انسان را - که غیر از غریزه‌ی جنسی است - در خدمت تشکیل خانواده قرار داده و کاری کرده‌اند که کانون خانواده، با پشتوانه‌ی غریزه‌ی جنسی، یا با پشتوانه‌ی آن غریزه‌ی دیگر - که از غریزه‌ی جنسی عمومیتش بیشتر است - تحقق پیدا کند و باقی بماند. بعضیها ممکن است در سنین خاصی نیاز جنسی هم نداشته باشند، اما نیاز به زوج‌طلبی را دارند و می‌باید زوجی از جنس مخالف را داشته باشند؛ زن و مرد فرقی نمی‌کند. سکن، مایه‌ی آرامش است. ادیان - و بیش از همه اسلام - اینها را پشتوانه‌ی تشکیل خانواده قرار داده‌اند.اگر انسانها رها بودند که غریزه‌ی جنسی را هر طور می‌خواهند، اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی‌شد، یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی‌پذیر می‌شد و هر نسیمی او را به هم می‌زد. لذا در هر جای دنیا که می‌بینید آزادیهای جنسی هست، در آن‌جا به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آن‌جاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، این‌جا همه چیز برای مرد و زن هست؛ لذا این، حفظ و نگهداشته می‌شود.اصل قضیه این است که باید کانون خانواده به وجود بیاید؛ اسلام این را خواسته است. شما یک دختر از جایی و یک پسر از جای دیگری می‌آیید و با یکدیگر آشنا و متصل می‌شوید؛ یک خانواده به وجود می‌آید. این خانواده، منشأ خیراتی است. در اداره‌ی کشور و اداره‌ی انسانیت، کارهای عظیمی به عهده‌ی این خانواده است. این، چیز بسیار مهمی است. شما باید این را مواظب باشید و حفظ کنید.با این کلمات عقدی که می‌خوانیم - که یک امر اعتباری است - یک علقه‌ی اعتباری بین شما به وجود می‌آید. باید همه‌ی همت دختر و پسر این باشد که این را حفظ کنند. مبادا با گله‌ها، با دلخوریها، با افزون‌طلبی و پُرتوقعیها، با بی‌محبتیها، و گاهی با دخالتهای دیگران و از این قبیل، این کانون سست بشود. آن چیزی که مهم است، این است. هم دختر و هم پسر سعی کنند که این علقه‌ی زوجیت را حفظ کنند. چگونه می‌توانید این علقه را حفظ کنید؟ البته آدمهای عاقل و زیرک و با احساس و وجدان صادق، راهش را پیدا می‌کنند. این، با اطمینان و با محبت متقابل حفظ می‌شود. زن به مرد تحمیل نکند و زور نگوید؛ مرد هم به زن زور نگوید و افزون‌طلبی نکند؛ مثل دو رفیق و مثل دو شریک، با هم صمیمی باشند، تا این کانون خانواده حفظ بشود.نکته‌ی دوم این است که در ازدواج، اصل قضیه یک امر انسانی است؛ نه یک امر مادّی. اسلام مهریه را قرار داده است؛ اما مهریه این را به‌صورت یک معامله‌ی دادوستدی نمی‌کند. این‌جا دادوستدی نیست؛ بلکه طرفین در یک جای مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند. این‌طور نیست که شما مثل خرید و فروش، یک چیز بدهید و یک چیز بگیرید. نه، این‌جا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق و کاسه‌ی مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده می‌کنند. در ازدواج، قضیه این است.بنابراین، نقش مادّیات در این‌جا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم هست، اما کار غلط است.بعضیها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند؛ یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک دادوستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل می‌کنند. این، تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیت در ازدواج است. این، کار غلطی است.بعضیها هم ازدواج را که یک امر عاطفی و انسانی و وجدانی است، به صحنه‌ی تفاخر تبدیل می‌کنند. مثلاً می‌گویند که جهیزیه‌ی ما این‌چیزها را داشت؛ آیا جهیزیه‌ی دختر شما هم اینها را دارد؟! تفاخر و تنافس! یا مثلاً می‌گویند که ما عقدمان را در فلان سالن گرفتیم. البته حالا که متأسفانه مرسوم شده است در هتلها می‌گیرند؛ که کار بسیار بدی است. حتّی گاهی شنیده یا دیده می‌شود، بعضی افرادی هم که از آنها توقع نیست، برای تفاخر به همدیگر، مراسم عقد خود را در هتلها و سالنها می‌گیرند! نه، مراسم عقد را در اتاق خانه و حیاط منزل خودتان و یا همسایه‌تان بگیرید و مردم را دعوت کنید؛ همین‌طور که همیشه بوده است. این‌گونه محیطها، یک محیط انس خانوادگی است. عده‌یی دوست، عده‌یی قوم و خویش، عده‌یی همردیفهای دختر یا پسر، دوستان مدرسه، دوستان پسر در محیط کار یا مدرسه، جمع می‌شوند و شادی و خوشی می‌کنند؛ این درست است.این‌که ما این‌جا را صحنه‌ی تفاخر قرار بدهیم، غلط اندرغلط است. هم محیط ازدواج را آلوده‌ی به مادّیات می‌کند، هم این صحنه‌ی پاک و لطیف وجدانی را صحنه‌ی تفاخرها و تنافسها و زیاده‌رویها می‌کند، بعد هم این دختر و پسر از اول عادت می‌کنند که بایستی زندگی آنان بر تجمل و تشریفات بگذرد؛ چرا؟ بگذارید از اول به یک زندگی متوسط عادت کنند.تجملات برای یک جامعه، مضر و بد است. آن کسانی که با تجملات مخالفت می‌کنند، معنایش این نیست که از لذتها و خوشیهایش بی‌اطلاعند؛ نه، کار مضری برای جامعه است؛ مثل یک دارو یا یک خوراکی مضر. با تجملات زیادی، جامعه زیان می‌کند. البته در حد معقول و متداول ایرادی ندارد؛ اما وقتی که همین‌طور مرتب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حد خودش تجاوز می‌کند و به جاهای دیگری می‌رود؛ و این برای جامعه مضر است. حالا چنانچه ما آن کار مضر را درعرصه‌ی ازدواج بیاوریم و بخواهیم از آن استفاده کنیم، این دیگر غلط اندرغلط خواهد شد؛ بسیار بد است.این میهمانیهای پُرسروصدا و هتل‌گرفتنها و خرجهای زیاد، کار آن طاغوتیها بود. اخیراً در روزنامه هم موردی را نوشته بودند، که چه‌قدر خوب کردند که نوشتند؛ تامردم بفهمند که این کارها زشت است. ماها همیشه در خانه‌های خودمان - یک اتاق، دو اتاق - عقد و عروسی می‌گرفتیم. اگر هم نداشتیم، از همسایه قرض می‌گرفتیم. مقداری شیرینی و میوه چیده می‌شد؛ می‌گفتیم، می‌خندیدیم، شوخی می‌کردیم؛ خیلی هم خوش می‌گذشت. البته آن طاغوتها و آدمهای بدی که بحمداللَّه ازاله شدند، این‌طور برگزار نمی‌کردند. آنها به این وضع قانع نبودند؛ در آن هتلها می‌رفتند و میهمانیهای پُرخرج و چنین و چنان برپا می‌کردند.حالا ما که بر سر کار آمده‌ایم، نباید کار آنها را تکرار بکنیم. اگر تکرار بکنیم، ما هم مثل آنها می‌شویم؛ آن بد بود. نه این‌که وقتی آدم نمی‌تواند کار پُرخرجی بکند، نکند؛ ولی وقتی که توانست، برود بکند! پس چی شد؟! آن منطق صحیح، این را ایجاب نمی‌کند. باید بنا را بر سادگی گذاشت. جهیزیه‌ها را ساده بگیرید. اگر جهیزیه نیازهای دختر را تأمین می‌کند، خوب است؛ اما به سمت تجملات نرود.نکته‌ی سوم این است که بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. من یک‌وقت خدمت امام رفتم، ایشان می‌خواستند خطبه‌ی عقدی را بخوانند؛ تا من را دیدند، گفتند شما بیا طرف عقد بشو. ایشان برخلاف ما - که طول و تفصیل می‌دهیم و حرف می‌زنیم - عقد را اول می‌خواندند، بعد دو، سه جمله‌ی کوتاه صحبت می‌کردند. من دیدم ایشان پس از این‌که عقد را خواندند، رویشان را به دختر و پسر کردند و گفتند: بروید با هم بسازید. من فکر کردم، دیدم که ما این همه حرف می‌زنیم، اما کلام امام در همین یک جمله‌ی «بروید با هم بسازید»، خلاصه می‌شود! حالا ما هم عرض می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است. هر چیزی که با ساختن عروس و داماد، دختر و پسر، زن و شوهر منافات دارد، بایستی بیگانه تلقی بشود. این را اصل قرار بدهید، تا ان‌شاءاللَّه خداوند متعال برکاتش را بر شما نازل کند.امیدواریم که خداوند ان‌شاءاللَّه این عقدهایی را که می‌خوانیم، مبارک کند؛ این دختران و پسران، محیطهای شادی را به خانواده‌ها بیاورند؛ و خداوند نسل طیب و طاهری هم به آنها عنایت کند.1 ) سوره مبارکه النور آیه 32وَأَنكِحُوا الأَيامىٰ مِنكُم وَالصّالِحينَ مِن عِبادِكُم وَإِمائِكُم ۚ إِن يَكونوا فُقَراءَ يُغنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضلِهِ ۗ وَاللَّهُ واسِعٌ عَليمٌترجمه :مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!2 ) جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، ص 101 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ‏100، ص 220 ؛كنز العمال، متقی هندی، ج 16، ص 271 ؛وَ قَالَ ص‏ النِّكَاحُ‏ سُنَّتِي‏ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِی فَلَيْسَ مِنِّي‏ترجمه :پيامبر خدا (صلى اللّه عليه و آله) فرمودند: ازدواج، سنّت من است و هر كه از سنّت من روى گردانَد، از من نيست.3 ) الكافی، شیخ كلینی، ج ‏5، ص 328 ؛الأمالی، شیخ طوسی، ص 518 ؛مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص 196 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج‏ 100، ص 219 ؛قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ‏ دِينِهِ‏ وَ فِی حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِی النِّصْفِ الْآخَرِ أَوِ الْبَاقِی.ترجمه :هر گاه آدمى ازدواج كند، نصف دين را به دست آورده است و در حدیث دیگر آمده است: براى نصف ديگر، بايد پروا از خدا را پيشه كند.4 ) عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسائی، ج ‏3، ص 286 ؛السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، ابن ادریس حلی، ج ‏2، ص 518 ؛بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ‏100، ص 220 ؛وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ تَنَاكَحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّی أُبَاهِی بِكُمُ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسِّقْطِترجمه :پیامبر خدا(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: ازدواج كنيد تا جمعيت شما افزون شود؛ زيرا من در روز قيامت، به وجود شما، حتّى به فرزندان سقط شده‏تان، بر ساير امّت‏ها مى‏بالم. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش :آرامش، عامل نیازمندی زن و مرد به همدیگرکلیدواژه(ها) : [حقوق زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1273), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان - همان‌طور که گفته شد - این است که زن تحت ستم نباشد و مردْ خود را حاکم بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق به‌شدّت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آنچه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمی‌گوییم و از آنها دفاع نمی‌کنیم. آنچه متعلّق به اسلام است، بیّنات اسلام و مسلّمات اسلام است. اینها چیزهایی است که میان حقوق زن و مرد در داخل خانواده توازن قائل است.شما بینید این آیه‌ی شریفه در مورد زن و مرد - عمدتاً در داخل خانواده - چه می‌فرماید. «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا». یعنی از جمله‌ی نشانه‌های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسانها،از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛ «من انفسکم»، جنس جداگانه‌ای نیستند، در دو رتبه‌ی جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، با هم تفاوتهایی دارند؛ چون وظایفشان دو تاست. بعد می‌فرماید: «لتسکنوا الیها». یعنی زوجیّت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده - مرد در کنار زن، زن در کنار مرد - آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد - چون مرد جسماً قویتر از زن است - یک خوشبختی است؛ مایه‌ی آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین می‌کند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است - «لتسکنوا الیها» - هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند.مهمترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می‌دهد؛ هم به زن و هم به مرد. جمله‌ی بعدی بسیار جالب و زیباست. می‌فرماید: «و جعل بینکم مودّة و رحمة»(1). رابطه‌ی درست زن و مرد این است: مودّت و رحمت، رابطه‌ی دوستی، رابطه‌ی مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست بدارند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبّت هم مورد قبول نیست.طبیعت الهیِ زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه‌ای فیمابین به وجود می‌آورد که آن رابطه، رابطه‌ی عشق و مهربانی است: «مودّة و رحمة». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است، که متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می‌کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین‌طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هر کس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه‌ی اسلامی با او مقابله کند.1 ) سوره مبارکه الروم آیه 21وَمِن آياتِهِ أَن خَلَقَ لَكُم مِن أَنفُسِكُم أَزواجًا لِتَسكُنوا إِلَيها وَجَعَلَ بَينَكُم مَوَدَّةً وَرَحمَةً ۚ إِنَّ في ذٰلِكَ لَآياتٍ لِقَومٍ يَتَفَكَّرونَترجمه :و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند!مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : زن, امنیت, خانواده, رابطه زن و مرد, خانواده, خانواده در اسلام, آرامشکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [امنیت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1171), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [آرامش](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2661)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : حجاب, رابطه زن و مرد, عفتکلیدواژه(ها) : [حجاب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1268), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038), [عفت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1351)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :این مساله‌ی حجاب و محرم و نامحرم و نگاه كردن و نگاه نكردن، همه به خاطر این است كه قضیه‌ی عفاف در این بین سالم نگه داشته شود.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : عدالت, اعتدال, رابطه زن و مردکلیدواژه(ها) : [عدالت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1346), [اعتدال](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1153), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنى رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از پرستاران - 1373/07/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729)عنوان فیش : فرهنگ اسلامی, رابطه زن و مردکلیدواژه(ها) : [فرهنگ اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5407), [رابطه زن و مرد](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2038)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام - 1396/12/17**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136)عنوان فیش :زن مایه‌ی سکونت و آرامش استکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [زنِ نه شرقی نه غربی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3753), [خانه‌داری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=15425)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :آن کسانی که کانون خانواده را تحقیر میکنند، خیانت میکنند؛ هم به ملّت، هم به زن [یعنی] به جامعه‌ی زنان. آن کسانی که وانمود میکنند عدالت جنسیّتی به این است که در همه‌ی میدانهایی که مردها وارد میشوند، زنها هم باید وارد بشوند، اینها خیانت میکنند به اعتماد زن و به حرمت و شخصیّت و هویّت زن. زن محترم است، هیچ‌کس هم نگفته که زن در میدانهای اجتماعی وارد نشود یا مسئولیّت نگیرد یا علم پیدا نکند؛ نه، امروز جزو بهترین دانشمندان ما، جزو بهترین نویسندگان ما، جزو بهترین شخصیّت‌های فرهنگی ما، زنان بی‌شماری هستند که امروز در جامعه‌ی ما حضور دارند؛ این هم هنر انقلاب است؛ این را بدانید، قبل از انقلاب چنین چیزی وجود نداشت! بسیار بسیار معدود بودند کسانی از زنان که توانسته باشند به رتبه‌های عالی علمی و فرهنگی و ادبی و مانند اینها برسند؛ امروز بسیار زیادند؛ این هنر انقلاب بود که این کار را کرد؛ این به‌خاطر همین است که الگوی زن مسلمان اصلاً این است؛ امّا درعین‌حال مدیر خانواده زن است، محورِ کانونِ خانواده زن است، مهم‌تر از همه‌ی مشاغل زن، مادری، همسری و ایجاد آرامش و سکینه است. وَ جَعَلَ مِنها زَوجَها لِیَسکُـنَ اِلَیها؛(1) مایه‌ی سکونت و آرامش است؛ این خصوصیّت زن در اسلام است و در روزِ زن این چیزها را بایستی انسان توجّه کند. البتّه به بانوان محترم ایرانی و مسلمان و مؤمنِ به این مفاهیم اسلامی و قرآنی، توصیه میکنیم که اینها را حفظ کنند، روز‌به‌روز افزایش بدهند؛ از آفتهایی مثل اسراف، مثل چشم‌وهمچشمی‌های منفی -مثل رقابتهای منفی، مثل الگو گرفتن از زن منحرف غربی- پرهیز کنند؛ مراقب خودشان باشند. زن مسلمان، امروز در کشور ما سرافراز است. زن ایرانی این امتیاز را دارد که هویّت مستقلّ فرهنگی دارد و تحت تأثیر دیگران قرار نمیگیرد؛ این را باید در خودتان حفظ کنید.1 ) سوره مبارکه الأعراف آیه 189هُوَ الَّذي خَلَقَكُم مِن نَفسٍ واحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنها زَوجَها لِيَسكُنَ إِلَيها ۖ فَلَمّا تَغَشّاها حَمَلَت حَملًا خَفيفًا فَمَرَّت بِهِ ۖ فَلَمّا أَثقَلَت دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُما لَئِن آتَيتَنا صالِحًا لَنَكونَنَّ مِنَ الشّاكِرينَترجمه :او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!»مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : خانه‌داری, خانواده در اسلام, اشتغال بانوانکلیدواژه(ها) : [خانه‌داری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=15425), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [اشتغال بانوان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2727)نوع(ها) : فیش موضوعیمتن فیش :یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زنها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این میشود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حسّاس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهائی که داشتیم، با عدم دقتهائی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم میبینیم. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش :نقش زنان در دوران جنگ تحمیلیکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [دفاع مقدس](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2207), [نشست سوم، زن و خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2298)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :آن کسانی که سابقه دارند، میدانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابیِ عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی‌جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمیبخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومیِ مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکتهای مردانه راه افتاد. هم در مبارزات اینجور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران بسرعت پدید آمده‌ی بعد از تشکیل نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت؛ «حتّی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت».(1) اوضاع و احوال در دوران جنگ سخت شد. حالا بعضی‌ها جنگ را از تلویزیون و رادیو و اینها میشنفتند، بعضی‌ها با جسم و جان و تنِ خودشان توی میدان جنگ بودند. این گزارشهای پر از حماسه و شور که از جنگ داده میشود، همه‌اش هم درست است - من چون خیلی از این کتابهای مربوط به خاطرات رزمندگان را میخوانم، میدانم همه‌ی اینها درست است - آن شور و شوق و آن عشق به مجاهدت و شوق به شهادت و عدم بیم از مرگ و اینها، همه‌اش همینی است که توی گزارشها هست و درست است؛ لیکن نگاه کلان به جنگ، یک نگاه کاملاً محنت‌بار بود. خب، آن گردانی که جلو با شوق و ذوق دارد میجنگد، او که نمیداند توی قرارگاه اصلی نسبت به مجموعه‌ی جبهه چه حالتی وجود دارد، چه ضعفهائی هست، چه نگرانی‌ها و دغدغه‌های جدی‌ای هست؛ و پشت سر قرارگاه اصلی، در سطح کلان، در کشور، چه کمبودهائی، چه دلهره‌هائی وجود دارد. دوران سختی بود. در این دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوق‌العاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً بندرت در کارهای عملیاتی و نظامی - که من بخش کارهای پشتیبانی‌اش را خودم از نزدیک در اهواز دیدم - یک نقش فوق‌العاده بود. زنها حتّی در بخشهای نظامی هم فعال بودند؛ همین نوشته‌ی خانم حسینی - دا - این را نشان میدهد. اینها یک مجموعه‌ی کاری است که واقعاً با هیچ معیاری، با هیچ ترازوئی قابل اندازه‌گیری نیست. مادر، مادر شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید؛ شوخی نیست؛ اینها به زبان آسان می‌آید. بچه‌ی انسان سرما میخورد، دو تا سرفه میکند، چقدر نگران میشویم؟ یک بچه‌ی انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟ و این مادر با همان احساسات مادرانه‌ی سالم و جوشان و پرفوران، آنچنان نقشی ایفاء کند که صد تا مادر دیگر تشویق بشوند بچه‌هاشان را بفرستند میدان جنگ. اگر این مادرها آن وقتی که جنازه‌ی بچه‌هاشان می‌آمد یا حتّی نمی‌آمد، آه و ناله میکردند، گله میکردند، یقه چاک میزدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ میکردند، مطمئناً جنگ در همان سالهای اول و در همان مراحل اول زمینگیر میشد. نقش مادران شهدا این است.1 ) سوره مبارکه التوبة آیه 118وَعَلَى الثَّلاثَةِ الَّذينَ خُلِّفوا حَتّىٰ إِذا ضاقَت عَلَيهِمُ الأَرضُ بِما رَحُبَت وَضاقَت عَلَيهِم أَنفُسُهُم وَظَنّوا أَن لا مَلجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلّا إِلَيهِ ثُمَّ تابَ عَلَيهِم لِيَتوبوا ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوّابُ الرَّحيمُترجمه :(همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلّف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند،) تا آن حدّ که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد؛ (حتّی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی‌یافتند؛ (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز بسوی او نیست؛ سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است!مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش :خطاب «آمنوا» در قرآن، به معنای ترجیح مرد بر زن نیستکلیدواژه(ها) : [نشست سوم، زن و خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2298)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :هم در مسئله‌ی خود زن، هم در مسئله‌ی خانواده، اسلام حرفهای جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو است؛ نگاه اول و درجه‌ی یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. البته «یا ایّها الّذین ءامنوا»(1) است، «یا ایّها الّذین ءامنّ» نیست؛ یعنی صیغه‌ی ءامنوا، صیغه‌ی مردانه است، نه صیغه‌ی زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ آن عوامل هم برای ما روشن است. حالا نمیخواهیم وارد آن بشویم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را میگوئیم مردم؛ از مرد میگیریم، نمیگوئیم زنُم؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانه‌ی این نیست که غلبه‌ی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چنین تصرفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگری دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است. بخواهید یک خرده ذوقی‌تر بگوئید، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات میشود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او اینجوری است؛ خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگری؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمودداشتن در مرد بیشتر است؛ به خاطر همین خصوصیات، نه به خاطر ترجیح.1 ) سوره مبارکه البقرة آیه 104يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا لا تَقولوا راعِنا وَقولُوا انظُرنا وَاسمَعوا ۗ وَلِلكافِرينَ عَذابٌ أَليمٌترجمه :ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می‌کنید) نگویید: «راعنا»؛ بلکه بگویید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، هم به معنی «ما را مهلت بده!»، و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» می‌باشد؛ و دستاویزی برای دشمنان است.) و (آنچه به شما دستور داده می‌شود) بشنوید! و برای کافران (و استهزاکنندگان) عذاب دردناکی است.1 ) سوره مبارکه البقرة آیه 153يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا استَعينوا بِالصَّبرِ وَالصَّلاةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصّابِرينَترجمه :ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش :عدم تفاوت زن و مرد در تقرّب به خداوندکلیدواژه(ها) : [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [همسر نوح](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2064), [همسر لوط](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2065), [آسیه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2066), [نشست سوم، زن و خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2298)نوع(ها) : قرآن, حدیث, نهج‌البلاغهمتن فیش :اما در زمینه‌ی مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی‌الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه‌شان، رتبه‌های فوق تصور امثال ماهاست. در آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این هم به خاطر همین است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بکوبند: «انّ المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصّادقین و الصّادقات و الصّابرین و الصّابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدّقین و المتصدّقات و الصّائمین و الصّائمات و الحافظین فروجهم و الحافظات و الذّاکرین الله کثیرا و الذّاکرات». از اسلام تا ذکر، یک فاصله‌ای است. یک سلسله مدارک متدرّجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را پیدا می‌کند. «اعدّالله لهم مغفرة و اجرا عظیما».(1) همه جا مرد، زن: مردِ خاشع، زنِ خاشع؛ مردِ متصدق، زن متصدق؛ با هم هیچ فرقی ندارند. در سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران، بعد از آن «ربّنا»ها میگوید: «فاستجاب لهم ربّهم انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض»(2). مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتّی یک جا برای کوبیدن همین اندیشه‌های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا میکشد؛ که یک چنین حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن دیگر پیدا نمیکند: «ضرب الله مثلا للّذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط». نمودار کفار، این دو تا زنند: «امرأت نوح و امرأت لوط». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد. «کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما»(3) تا آخر. «و ضرب الله مثلا للّذین ءامنوا امرأت فرعون»؛ خدای متعال اینجا هم برای مؤمنین دو تا زن را اسم می‌آورد. حالا شما ببینید از اول تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیاء آمدند و رفتند. وقتی میخواهد برای اینها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی میکند: یکی «امرأت فرعون» - اذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتا فی الجنّة و نجّنی من فرعون و عمله»(4) تا آخر - دوم «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا و صدّقت بکلمات ربّها».(5) اصلاً چیز عجیبی است. بنابراین جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا میکند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنائی پیدا نمیکند. حتّی کارهایشان با هم متفاوت است. «جهاد المرأة حسن التّبعّل»؛(6) یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر این کار، به این زن میدهند؛ چون این کار هم زحمتش کمتر از آن نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بداخلاقی‌هاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلندترشان؛ خب، زنی بتواند با این شرائط، محیط خانه را گرم و گیرا و صمیمی و دارای سکینه و آرامش - سَکَن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است؛ این واقعاً جهاد است؛ این شعبه‌ای از همان «جهاد اکبری است که فرموده‌اند؛ جهاد با نفس است.»(7)1 ) سوره مبارکه الأحزاب آیه 35إِنَّ المُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ وَالمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ وَالقانِتينَ وَالقانِتاتِ وَالصّادِقينَ وَالصّادِقاتِ وَالصّابِرينَ وَالصّابِراتِ وَالخاشِعينَ وَالخاشِعاتِ وَالمُتَصَدِّقينَ وَالمُتَصَدِّقاتِ وَالصّائِمينَ وَالصّائِماتِ وَالحافِظينَ فُروجَهُم وَالحافِظاتِ وَالذّاكِرينَ اللَّهَ كَثيرًا وَالذّاكِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَغفِرَةً وَأَجرًا عَظيمًاترجمه :به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.2 ) سوره مبارکه آل عمران آیه 195فَاستَجابَ لَهُم رَبُّهُم أَنّي لا أُضيعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنكُم مِن ذَكَرٍ أَو أُنثىٰ ۖ بَعضُكُم مِن بَعضٍ ۖ فَالَّذينَ هاجَروا وَأُخرِجوا مِن دِيارِهِم وَأوذوا في سَبيلي وَقاتَلوا وَقُتِلوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنهُم سَيِّئَاتِهِم وَلَأُدخِلَنَّهُم جَنّاتٍ تَجري مِن تَحتِهَا الأَنهارُ ثَوابًا مِن عِندِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسنُ الثَّوابِترجمه :خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود:) من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما همنوعید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، بیقین گناهانشان را می‌بخشم؛ و آنها را در باغهای بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد پروردگار است.3 ) سوره مبارکه التحريم آیه 10ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ كَفَرُوا امرَأَتَ نوحٍ وَامرَأَتَ لوطٍ ۖ كانَتا تَحتَ عَبدَينِ مِن عِبادِنا صالِحَينِ فَخانَتاهُما فَلَم يُغنِيا عَنهُما مِنَ اللَّهِ شَيئًا وَقيلَ ادخُلَا النّارَ مَعَ الدّاخِلينَترجمه :خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند!»4 ) سوره مبارکه التحريم آیه 11وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذينَ آمَنُوا امرَأَتَ فِرعَونَ إِذ قالَت رَبِّ ابنِ لي عِندَكَ بَيتًا فِي الجَنَّةِ وَنَجِّني مِن فِرعَونَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّني مِنَ القَومِ الظّالِمينَترجمه :و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»5 ) سوره مبارکه التحريم آیه 12وَمَريَمَ ابنَتَ عِمرانَ الَّتي أَحصَنَت فَرجَها فَنَفَخنا فيهِ مِن روحِنا وَصَدَّقَت بِكَلِماتِ رَبِّها وَكُتُبِهِ وَكانَت مِنَ القانِتينَترجمه :و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!6 ) قصار 136 : وَ قَالَ ( عليه السلام ) : الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ وَ الْحَجُّ جِهَادُ كُلِّ ضَعِيفٍ وَ لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ .ترجمه :و آن حضرت فرمود: نماز وسيله قرب به خدا، و حج جهاد هر ناتوان است. براى هر چيزى زكاتى است، و زكات بدن روزه است، و جهاد زن شوهردارى نيكوست7 ) الكافی ثقة الاسلام كلینی ج 5 ص 13 ؛معانی الاخبار، شیخ صدوق ص160 ح1 ؛ امالی صدوق، ص 553 ح 9 ؛ روضة الواعظین، فتال نیشابوری، ج 2 ص 421 ؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 67 ص 65 ح7 ؛أَنَّ النَّبِيَّ ص بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرْحَباً بِقَوْمٍ قَضَوُا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِترجمه :امام علی (ع) فرمود، رسول خدا(ص) گروهی را [برای جنگ]فرستاد هنگامی كه بازگشتند گفت خوشا به حال مردمی كه جهاد اصغر را انجام دادند و جهاد اكبر بر آنان باقی مانده است گفته شد ای رسول خدا جهاد اكبر چیست؟ گفت جهاد و پیكار با نفس سپس فرمود برترین جهاد، [از آن] كسی است كه با نفسش كه در میان دو پهلوی اوست جهاد كند. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**گزیده‌ای از بیانات در دیدار هیأت امنای گروه هم‌اندیشی تحکیم خانواده - 1395/02/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34258)عنوان فیش :زن گل است نه کارگزارکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : نهج‌البلاغهمتن فیش :در جامعه‌‌ی ما متأسّفانه به تَبَع خیلی از جاهای دنیا، شأن زن شناخته‌ نشده است. در نظر اسلام و در نگاه کلّی‌‌ای که اسلام دارد، زن همان است که در این جمله‌‌ی «اَلمِرأَةُ رَیحانَةٌ وَ لَیسَت بِقَهرَمانَه»(1) است؛ مثل یک گل. یک گل، وجودش لازم است و نگهداری‌‌اش لوازمی دارد: وَ لَیسَت بِقَهرَمانَه؛ منظور از قهرمان، این قهرمان متعارف ما نیست، قهرمان یعنی کارگزار؛ یعنی در واقع رئیس خدمه. این‌جوری نیست که خانم در خانه‌‌ی شما مسئول خدمتگزاری باشد، حالا ولو به‌‌عنوان رئیس خدمه؛ قضیّه این نیست. وَ لَیسَت بِقَهرَمانَه؛ قهرمان در تعبیرات عربی و در اصطلاحات رایجِ ادبیّات عرب عبارت است از آن‌ کسی که ملک شما را برایتان اداره میکند؛ یعنی کارهایتان را انجام میدهد؛ وقتی‌ شما صاحب یک ملکی هستید، یک قهرمانی دارید؛ میگوید زن این‌جوری نیست. حالا شما ببینید اگر در یک خانواده‌‌ای، در یک جامعه‌‌ای، به زن با این چشم نگاه بشود، اوّلاً تکریم او، حفظ حرمت او، برخورد ملاطفت‌‌آمیز با او و مسائل فراوانی که دنبالش هست، چقدر موجب میشود که زن احساس امنیّت کند، احساس آرامش کند. در اسلام نگفته‌‌اند که زن نرود بیرون کار کند؛ اصلاً این نیست. حالا اینکه بعضی از مخالفین این گرایش اسلامیِ زن، فوراً میچسبند به اینکه شما نصف نیروی کار جامعه را معطّل میگذارید، چنین چیزی نیست؛ کسی نگفته کار نکنند، اگر میتوانند کار کنند، کار کنند؛ منتها با این دید کار کنند، با این نگاه کار بکنند؛ کاری که به آنها محوّل میشود کاری باشد که با ریحانه‌‌بودن جور در بیاید، متناسب باشد. و البتّه مهم‌ترین مسئولیّت زن هم کدبانویی است؛ معنای کدبانویی خدمتگزاری نیست، معنایش این است که محیط خانواده را برای فرزندان و برای همسر یک محیط امن و آرام و مهربانی میکند، با مهربانی خودش، با عزّتی که در خانه برای او فرض میشود.1 ) نامه 31 : از وصيت‏هاى آن حضرت است به حضرت مجتبى عليه السّلام (يا محمّد حنفيّه) كه در سرزمين حاضرين به هنگام بازگشت از صفّين نوشتهمِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ الْمُقِرِّ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعُمُرِ الْمُسْتَسْلِمِ لِلدُّنْيَا السَّاكِنِ مَسَاكِنَ الْمَوْتَى وَ الظَّاعِنِ عَنْهَا غَداً إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمِّلِ مَا لَا يُدْرِكُ السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ غَرَضِ الْأَسْقَامِ وَ رَهِينَةِ الْأَيَّامِ وَ رَمِيَّةِ الْمَصَائِبِ وَ عَبْدِ الدُّنْيَا وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ وَ غَرِيمِ الْمَنَايَا وَ أَسِيرِ الْمَوْتِ وَ حَلِيفِ الْهُمُومِ وَ قَرِينِ الْأَحْزَانِ وَ نُصُبِ الْآفَاتِ وَ صَرِيعِ الشَّهَوَاتِ وَ خَلِيفَةِ الْأَمْوَاتِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ فِيمَا تَبَيَّنْتُ مِنْ إِدْبَارِ الدُّنْيَا عَنِّي وَ جُمُوحِ الدَّهْرِ عَلَيَّ وَ إِقْبَالِ الْآخِرَةِ إِلَيَّ مَا يَزَعُنِي عَنْ ذِكْرِ مَنْ سِوَايَ وَ الِاهْتِمَامِ بِمَا وَرَائِي غَيْرَ أَنِّي حَيْثُ تَفَرَّدَ بِي دُونَ هُمُومِ النَّاسِ هَمُّ نَفْسِي فَصَدَفَنِي رَأْيِي وَ صَرَفَنِي عَنْ هَوَايَ وَ صَرَّحَ لِي مَحْضُ أَمْرِي فَأَفْضَى بِي إِلَى جِدٍّ لَا يَكُونُ فِيهِ لَعِبٌ وَ صِدْقٍ لَا يَشُوبُهُ كَذِبٌ وَ وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَ كَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي مُسْتَظْهِراً بِهِ إِنْ أَنَا بَقِيتُ لَكَ أَوْ فَنِيتُ فَإِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيْ بُنَيَّ وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الِاعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَيُّ سَبَبٍ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ وَ أَمِتْهُ بِالزَّهَادَةِ وَ قَوِّهِ بِالْيَقِينِ وَ نَوِّرْهُ بِالْحِكْمَةِ وَ ذَلِّلْهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ قَرِّرْهُ بِالْفَنَاءِ وَ بَصِّرْهُ فَجَائِعَ الدُّنْيَا وَ حَذِّرْهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ وَ فُحْشَ تَقَلُّبِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ اعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ وَ ذَكِّرْهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ سِرْ فِي دِيَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ فَانْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَ عَمَّا انْتَقَلُوا وَ أَيْنَ حَلُّوا وَ نَزَلُوا فَإِنَّكَ تَجِدُهُمْ قَدِ انْتَقَلُوا عَنِ الْأَحِبَّةِ وَ حَلُّوا دِيَارَ الْغُرْبَةِ وَ كَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ صِرْتَ كَأَحَدِهِمْ فَأَصْلِحْ مَثْوَاكَ وَ لَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ وَ دَعِ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ وَ الْخِطَابَ فِيمَا لَمْ تُكَلَّفْ وَ أَمْسِكْ عَنْ طَرِيقٍ إِذَا خِفْتَ ضَلَالَتَهُ فَإِنَّ الْكَفَّ عِنْدَ حَيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْأَهْوَالِ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَايِنْ مَنْ فَعَلَهُ بِجُهْدِكَ وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ وَ خُضِ الْغَمَرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ وَ تَفَقَّهْ فِي الدِّينِ وَ عَوِّدْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُرُ فِي الْحَقِّ وَ أَلْجِئْ نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ تُلْجِئُهَا إِلَى كَهْفٍ حَرِيزٍ وَ مَانِعٍ عَزِيزٍ وَ أَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ فَإِنَّ بِيَدِهِ الْعَطَاءَ وَ الْحِرْمَانَ وَ أَكْثِرِ الِاسْتِخَارَةَ وَ تَفَهَّمْ وَصِيَّتِي وَ لَا تَذْهَبَنَّ عَنْكَ صَفْحاً فَإِنَّ خَيْرَ الْقَوْلِ مَا نَفَعَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ لَا يُنْتَفَعُ بِعِلْمٍ لَا يَحِقُّ تَعَلُّمُهُ أَيْ بُنَيَّ إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُنِي قَدْ بَلَغْتُ سِنّاً وَ رَأَيْتُنِي أَزْدَادُ وَهْناً بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ وَ أَوْرَدْتُ خِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ أَنْ يَعْجَلَ بِي أَجَلِي دُونَ أَنْ أُفْضِيَ إِلَيْكَ بِمَا فِي نَفْسِي أَوْ أَنْ أُنْقَصَ فِي رَأْيِي كَمَا نُقِصْتُ فِي جِسْمِي أَوْ يَسْبِقَنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلَبَاتِ الْهَوَى وَ فِتَنِ الدُّنْيَا فَتَكُونَ كَالصَّعْبِ النَّفُورِ وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْ‏ءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ لِتَسْتَقْبِلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُغْيَتَهُ وَ تَجْرِبَتَهُ فَتَكُونَ قَدْ كُفِيتَ مَئُونَةَ الطَّلَبِ وَ عُوفِيتَ مِنْ عِلَاجِ التَّجْرِبَةِ فَأَتَاكَ مِنْ ذَلِكَ مَا قَدْ كُنَّا نَأْتِيهِ وَ اسْتَبَانَ لَكَ مَا رُبَّمَا أَظْلَمَ عَلَيْنَا مِنْهُ أَيْ بُنَيَّ إِنِّي وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عُمِّرْتُ عُمُرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِّرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدَرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ وَ رَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّفِيقَ وَ أَجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ وَ مُقْتَبَلُ الدَّهْرِ ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ وَ أَنْ أَبْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أُجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ ثُمَّ أَشْفَقْتُ أَنْ يَلْتَبِسَ عَلَيْكَ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ مِنْ أَهْوَائِهِمْ وَ آرَائِهِمْ مِثْلَ الَّذِي الْتَبَسَ عَلَيْهِمْ فَكَانَ إِحْكَامُ ذَلِكَ عَلَى مَا كَرِهْتُ مِنْ تَنْبِيهِكَ لَهُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ إِسْلَامِكَ إِلَى أَمْرٍ لَا آمَنُ عَلَيْكَ بِهِ الْهَلَكَةَ وَ رَجَوْتُ أَنْ يُوَفِّقَكَ اللَّهُ فِيهِ لِرُشْدِكَ وَ أَنْ يَهْدِيَكَ لِقَصْدِكَ فَعَهِدْتُ إِلَيْكَ وَصِيَّتِي هَذِهِ وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ وَ الِاقْتِصَارُ عَلَى مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ الْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَ الصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ فَإِنَّهُمْ لَمْ يَدَعُوا أَنْ نَظَرُوا لِأَنْفُسِهِمْ كَمَا أَنْتَ نَاظِرٌ وَ فَكَّرُوا كَمَا أَنْتَ مُفَكِّرٌ ثُمَّ رَدَّهُمْ آخِرُ ذَلِكَ إِلَى الْأَخْذِ بِمَا عَرَفُوا وَ الْإِمْسَاكِ عَمَّا لَمْ يُكَلَّفُوا فَإِنْ أَبَتْ نَفْسُكَ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ دُونَ أَنْ تَعْلَمَ كَمَا عَلِمُوا فَلْيَكُنْ طَلَبُكَ ذَلِكَ بِتَفَهُّمٍ وَ تَعَلُّمٍ لَا بِتَوَرُّطِ الشُّبُهَاتِ وَ عُلَقِ الْخُصُومَاتِ وَ ابْدَأْ قَبْلَ نَظَرِكَ فِي ذَلِكَ بِالِاسْتِعَانَةِ بِإِلَهِكَ وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ فِي تَوْفِيقِكَ وَ تَرْكِ كُلِّ شَائِبَةٍ أَوْلَجَتْكَ فِي شُبْهَةٍ أَوْ أَسْلَمَتْكَ إِلَى ضَلَالَةٍ فَإِنْ أَيْقَنْتَ أَنْ قَدْ صَفَا قَلْبُكَ فَخَشَعَ وَ تَمَّ رَأْيُكَ فَاجْتَمَعَ وَ كَانَ هَمُّكَ فِي ذَلِكَ هَمّاً وَاحِداً فَانْظُرْ فِيمَا فَسَّرْتُ لَكَ وَ إِنْ لَمْ يَجْتَمِعْ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْ نَفْسِكَ وَ فَرَاغِ نَظَرِكَ وَ فِكْرِكَ فَاعْلَمْ أَنَّكَ إِنَّمَا تَخْبِطُ الْعَشْوَاءَ وَ تَتَوَرَّطُ الظَّلْمَاءَ وَ لَيْسَ طَالِبُ الدِّينِ مَنْ خَبَطَ أَوْ خَلَطَ وَ الْإِمْسَاكُ عَنْ ذَلِكَ أَمْثَلُ فَتَفَهَّمْ يَا بُنَيَّ وَصِيَّتِي وَ اعْلَمْ أَنَّ مَالِكَ الْمَوْتِ هُوَ مَالِكُ الْحَيَاةِ وَ أَنَّ الْخَالِقَ هُوَ الْمُمِيتُ وَ أَنَّ الْمُفْنِيَ هُوَ الْمُعِيدُ وَ أَنَّ الْمُبْتَلِيَ هُوَ الْمُعَافِي وَ أَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لِتَسْتَقِرَّ إِلَّا عَلَى مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ النَّعْمَاءِ وَ الِابْتِلَاءِ وَ الْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا تَعْلَمُ فَإِنْ أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْ‏ءٌ مِنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ عَلَى جَهَالَتِكَ فَإِنَّكَ أَوَّلُ مَا خُلِقْتَ بِهِ جَاهِلًا ثُمَّ عُلِّمْتَ وَ مَا أَكْثَرَ مَا تَجْهَلُ مِنَ الْأَمْرِ وَ يَتَحَيَّرُ فِيهِ رَأْيُكَ وَ يَضِلُّ فِيهِ بَصَرُكَ ثُمَّ تُبْصِرُهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَاعْتَصِمْ بِالَّذِي خَلَقَكَ وَ رَزَقَكَ وَ سَوَّاكَ وَ لْيَكُنْ لَهُ تَعَبُّدُكَ وَ إِلَيْهِ رَغْبَتُكَ وَ مِنْهُ شَفَقَتُكَ وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَداً لَمْ يُنْبِئْ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ ( صلى الله عليه وآله ) فَارْضَ بِهِ رَائِداً وَ إِلَى النَّجَاةِ قَائِداً فَإِنِّي لَمْ آلُكَ نَصِيحَةً وَ إِنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ فِي النَّظَرِ لِنَفْسِكَ وَ إِنِ اجْتَهَدْتَ مَبْلَغَ نَظَرِي لَكَ وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ وَ لَرَأَيْتَ آثَارَ مُلْكِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ لَعَرَفْتَ أَفْعَالَهُ وَ صِفَاتِهِ وَ لَكِنَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ لَا يُضَادُّهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ وَ لَا يَزُولُ أَبَداً وَ لَمْ يَزَلْ أَوَّلٌ قَبْلَ الْأَشْيَاءِ بِلَا أَوَّلِيَّةٍ وَ آخِرٌ بَعْدَ الْأَشْيَاءِ بِلَا نِهَايَةٍ عَظُمَ عَنْ أَنْ تَثْبُتَ رُبُوبِيَّتُهُ بِإِحَاطَةِ قَلْبٍ أَوْ بَصَرٍ فَإِذَا عَرَفْتَ ذَلِكَ فَافْعَلْ كَمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِكَ أَنْ يَفْعَلَهُ فِي صِغَرِ خَطَرِهِ وَ قِلَّةِ مَقْدِرَتِهِ وَ كَثْرَةِ عَجْزِهِ و عَظِيمِ حَاجَتِهِ إِلَى رَبِّهِ فِي طَلَبِ طَاعَتِهِ وَ الْخَشْيَةِ مِنْ عُقُوبَتِهِ وَ الشَّفَقَةِ مِنْ سُخْطِهِ فَإِنَّهُ لَمْ يَأْمُرْكَ إِلَّا بِحَسَنٍ وَ لَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنْ قَبِيحٍ يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَ حَالِهَا وَ زَوَالِهَا وَ انْتِقَالِهَا وَ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَ مَا أُعِدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا وَ ضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ لِتَعْتَبِرَ بِهَا وَ تَحْذُوَ عَلَيْهَا إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفْرٍ نَبَا بِهِمْ مَنْزِلٌ جَدِيبٌ فَأَمُّوا مَنْزِلًا خَصِيباً وَ جَنَاباً مَرِيعاً فَاحْتَمَلُوا وَعْثَاءَ الطَّرِيقِ وَ فِرَاقَ الصَّدِيقِ وَ خُشُونَةَ السَّفَرِ وَ جُشُوبَةَ المَطْعَمِ لِيَأْتُوا سَعَةَ دَارِهِمْ وَ مَنْزِلَ قَرَارِهِمْ فَلَيْسَ يَجِدُونَ لِشَيْ‏ءٍ مِنْ ذَلِكَ أَلَماً وَ لَا يَرَوْنَ نَفَقَةً فِيهِ مَغْرَماً وَ لَا شَيْ‏ءَ أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنْزِلِهِمْ وَ أَدْنَاهُمْ مِنْ مَحَلَّتِهِمْ وَ مَثَلُ مَنِ اغْتَرَّ بِهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ كَانُوا بِمَنْزِلٍ خَصِيبٍ فَنَبَا بِهِمْ إِلَى مَنْزِلٍ جَدِيبٍ فَلَيْسَ شَيْ‏ءٌ أَكْرَهَ إِلَيْهِمْ وَ لَا أَفْظَعَ عِنْدَهُمْ مِنْ مُفَارَقَةِ مَا كَانُوا فِيهِ إِلَى مَا يَهْجُمُونَ عَلَيْهِ وَ يَصِيرُونَ إِلَيْهِ يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَاناً فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهْ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَ إِنْ قَلَّ مَا تَعْلَمُ وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ الْإِعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَ آفَةُ الْأَلْبَابِ فَاسْعَ فِي كَدْحِكَ وَ لَا تَكُنْ خَازِناً لِغَيْرِكَ وَ إِذَا أَنْتَ هُدِيتَ لِقَصْدِكَ فَكُنْ أَخْشَعَ مَا تَكُونُ لِرَبِّكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقاً ذَا مَسَافَةٍ بَعِيدَةٍ وَ مَشَقَّةٍ شَدِيدَةٍ وَ أَنَّهُ لَا غِنَى بِكَ فِيهِ عَنْ حُسْنِ الِارْتِيَادِ وَ قَدْرِ بَلَاغِكَ مِنَ الزَّادِ مَعَ خِفَّةِ الظَّهْرِ فَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ فَيَكُونَ ثِقْلُ ذَلِكَ وَبَالًا عَلَيْكَ وَ إِذَا وَجَدْتَ مِنْ أَهْلِ الْفَاقَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكَ زَادَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيُوَافِيكَ بِهِ غَداً حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَاغْتَنِمْهُ وَ حَمِّلْهُ إِيَّاهُ وَ أَكْثِرْ مِنْ تَزْوِيدِهِ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلَا تَجِدُهُ وَ اغْتَنِمْ مَنِ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ لِيَجْعَلَ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عُسْرَتِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ عَقَبَةً كَئُوداً الْمُخِفُّ فِيهَا أَحْسَنُ حَالًا مِنَ الْمُثْقِلِ وَ الْمُبْطِئُ عَلَيْهَا أَقْبَحُ حَالًا مِنَ الْمُسْرِعِ وَ أَنَّ مَهْبِطَكَ بِهَا لَا مَحَالَةَ إِمَّا عَلَى جَنَّةٍ أَوْ عَلَى نَارٍ فَارْتَدْ لِنَفْسِكَ قَبْلَ نُزُولِكَ وَ وَطِّئِ الْمَنْزِلَ قَبْلَ حُلُولِكَ فَلَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ وَ لَا إِلَى الدُّنْيَا مُنْصَرَفٌ وَ اعْلَمْ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَ تَكَفَّلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيَكَ وَ تَسْتَرْحِمَهُ لِيَرْحَمَكَ وَ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ مَنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ وَ لَمْ يُلْجِئْكَ إِلَى مَنْ يَشْفَعُ لَكَ إِلَيْهِ وَ لَمْ يَمْنَعْكَ إِنْ أَسَأْتَ مِنَ التَّوْبَةِ وَ لَمْ يُعَاجِلْكَ بِالنِّقْمَةِ وَ لَمْ يُعَيِّرْكَ بِالْإِنَابَةِ وَ لَمْ يَفْضَحْكَ حَيْثُ الْفَضِيحَةُ بِكَ أَوْلَى وَ لَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ فِي قَبُولِ الْإِنَابَةِ وَ لَمْ يُنَاقِشْكَ بِالْجَرِيمَةِ وَ لَمْ يُؤْيِسْكَ مِنَ الرَّحْمَةِ بَلْ جَعَلَ نُزُوعَكَ عَنِ الذَّنْبِ حَسَنَةً وَ حَسَبَ سَيِّئَتَكَ وَاحِدَةً وَ حَسَبَ حَسَنَتَكَ عَشْراً وَ فَتَحَ لَكَ بَابَ الْمَتَابِ وَ بَابَ الِاسْتِعْتَابِ فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ وَ إِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ وَ أَبْثَثْتَهُ ذَاتَ نَفْسِكَ وَ شَكَوْتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ وَ اسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ وَ اسْتَعَنْتَهُ عَلَى أُمُورِكَ وَ سَأَلْتَهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَى إِعْطَائِهِ غَيْرُهُ مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَارِ وَ صِحَّةِ الْأَبْدَانِ وَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَذِنَ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالدُّعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ وَ اسْتَمْطَرْتَ شَآبِيبَ رَحْمَتِهِ فَلَا يُقَنِّطَنَّكَ إِبْطَاءُ إِجَابَتِهِ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النِّيَّةِ وَ رُبَّمَا أُخِّرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْآمِلِ وَ رُبَّمَا سَأَلْتَ الشَّيْ‏ءَ فَلَا تُؤْتَاهُ وَ أُوتِيتَ خَيْراً مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أُوتِيتَهُ فَلْتَكُنْ مَسْأَلَتُكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَ يُنْفَى عَنْكَ وَبَالُهُ فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَ لَا تَبْقَى لَهُ وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ وَ أَنَّكَ فِي قُلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْغَةٍ وَ طَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّكَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ وَ لَا يَفُوتُهُ طَالِبُهُ وَ لَا بُدَّ أَنَّهُ مُدْرِكُهُ فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرِ أَنْ يُدْرِكَكَ وَ أَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ قَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ فَيَحُولَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ذَلِكَ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ . يَا بُنَيَّ أَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَ تُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ وَ قَدْ أَخَذْتَ مِنْهُ حِذْرَكَ وَ شَدَدْتَ لَهُ أَزْرَكَ وَ لَا يَأْتِيَكَ بَغْتَةً فَيَبْهَرَكَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَ تَكَالُبِهِمْ عَلَيْهَا فَقَدْ نَبَّأَكَ اللَّهُ عَنْهَا وَ نَعَتْ هِيَ لَكَ عَنْ نَفْسِهَا وَ تَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَاوِيهَا فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ وَ سِبَاعٌ ضَارِيَةٌ يَهِرُّ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَ يَأْكُلُ عَزِيزُهَا ذَلِيلَهَا وَ يَقْهَرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا نَعَمٌ مُعَقَّلَةٌ وَ أُخْرَى مُهْمَلَةٌ قَدْ أَضَلَّتْ عُقُولَهَا وَ رَكِبَتْ مَجْهُولَهَا سُرُوحُ عَاهَةٍ بِوَادٍ وَعْثٍ لَيْسَ لَهَا رَاعٍ يُقِيمُهَا وَ لَا مُسِيمٌ يُسِيمُهَا سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى وَ أَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا وَ غَرِقُوا فِي نِعْمَتِهَا وَ اتَّخَذُوهَا رَبّاً فَلَعِبَتْ بِهِمْ وَ لَعِبُوا بِهَا وَ نَسُوا مَا وَرَاءَهَا . رُوَيْداً يُسْفِرُ الظَّلَامُ كَأَنْ قَدْ وَرَدَتِ الْأَظْعَانُ يُوشِكُ مَنْ أَسْرَعَ أَنْ يَلْحَقَ وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ مَنْ كَانَتْ مَطِيَّتُهُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ فَإِنَّهُ يُسَارُ بِهِ وَ إِنْ كَانَ وَاقِفاً وَ يَقْطَعُ الْمَسَافَةَ وَ إِنْ كَانَ مُقِيماً وَادِعاً وَ اعْلَمْ يَقِيناً أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمَلَكَ وَ لَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ وَ أَنَّكَ فِي سَبِيلِ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ فَخَفِّضْ فِي الطَّلَبِ وَ أَجْمِلْ فِي الْمُكْتَسَبِ فَإِنَّهُ رُبَّ طَلَبٍ قَدْ جَرَّ إِلَى حَرَبٍ وَ لَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ بِمَرْزُوقٍ وَ لَا كُلُّ مُجْمِلٍ بِمَحْرُومٍ وَ أَكْرِمْ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَاقَتْكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْذُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضاً وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرّاً وَ مَا خَيْرُ خَيْرٍ لَا يُنَالُ إِلَّا بِشَرٍّ وَ يُسْرٍ لَا يُنَالُ إِلَّا بِعُسْرٍ وَ إِيَّاكَ أَنْ تُوجِفَ بِكَ مَطَايَا الطَّمَعِ فَتُورِدَكَ مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَكُونَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذُو نِعْمَةٍ فَافْعَلْ فَإِنَّكَ مُدْرِكٌ قَسْمَكَ وَ آخِذٌ سَهْمَكَ وَ إِنَّ الْيَسِيرَ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْظَمُ وَ أَكْرَمُ مِنَ الْكَثِيرِ مِنْ خَلْقِهِ وَ إِنْ كَانَ كُلٌّ مِنْهُ . وَ تَلَافِيكَ مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَاكِكَ مَا فَاتَ مِنْ مَنْطِقِكَ وَ حِفْظُ مَا فِي الْوِعَاءِ بِشَدِّ الْوِكَاءِ وَ حِفْظُ مَا فِي يَدَيْكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَلَبِ مَا فِي يَدَيْ غَيْرِكَ وَ مَرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الطَّلَبِ إِلَى النَّاسِ وَ الْحِرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ وَ الْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسِرِّهِ وَ رُبَّ سَاعٍ فِيمَا يَضُرُّهُ مَنْ أَكْثَرَ أَهْجَرَ وَ مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ قَارِنْ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَ بَايِنْ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنْ عَنْهُمْ بِئْسَ الطَّعَامُ الْحَرَامُ وَ ظُلْمُ الضَّعِيفِ أَفْحَشُ الظُّلْمِ إِذَا كَانَ الرِّفْقُ خُرْقاً كَانَ الْخُرْقُ رِفْقاً رُبَّمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً وَ الدَّاءُ دَوَاءً وَ رُبَّمَا نَصَحَ غَيْرُ النَّاصِحِ وَ غَشَّ الْمُسْتَنْصَحُ وَ إِيَّاكَ وَ الِاتِّكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْكَى وَ الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ وَ خَيْرُ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظَكَ بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً لَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ يُصِيبُ وَ لَا كُلُّ غَائِبٍ يَئُوبُ وَ مِنَ الْفَسَادِ إِضَاعَةُ الزَّادِ وَ مَفْسَدَةُ الْمَعَادِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ عَاقِبَةٌ سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قُدِّرَ لَكَ التَّاجِرُ مُخَاطِرٌ وَ رُبَّ يَسِيرٍ أَنْمَى مِنْ كَثِيرٍ لَا خَيْرَ فِي مُعِينٍ مَهِينٍ وَ لَا فِي صَدِيقٍ ظَنِينٍ سَاهِلِ الدَّهْرَ مَا ذَلَّ لَكَ قَعُودُهُ وَ لَا تُخَاطِرْ بِشَيْ‏ءٍ رَجَاءَ أَكْثَرَ مِنْهُ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَجْمَحَ بِكَ مَطِيَّةُ اللَّجَاجِ احْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَى الصِّلَةِ وَ عِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللَّطَفِ وَ الْمُقَارَبَةِ وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَذْلِ وَ عِنْدَ تَبَاعُدِهِ عَلَى الدُّنُوِّ وَ عِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَى اللِّينِ وَ عِنْدَ جُرْمِهِ عَلَى الْعُذْرِ حَتَّى كَأَنَّكَ لَهُ عَبْدٌ وَ كَأَنَّهُ ذُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَضَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ أَوْ أَنْ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقاً فَتُعَادِيَ صَدِيقَكَ وَ امْحَضْ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ حَسَنَةً كَانَتْ أَوْ قَبِيحَةً وَ تَجَرَّعِ الْغَيْظَ فَإِنِّي لَمْ أَرَ جُرْعَةً أَحْلَى مِنْهَا عَاقِبَةً وَ لَا أَلَذَّ مَغَبَّةً وَ لِنْ لِمَنْ غَالَظَكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَلِينَ لَكَ وَ خُذْ عَلَى عَدُوِّكَ بِالْفَضْلِ فَإِنَّهُ أَحْلَى الظَّفَرَيْنِ وَ إِنْ أَرَدْتَ قَطِيعَةَ أَخِيكَ فَاسْتَبْقِ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً يَرْجِعُ إِلَيْهَا إِنْ بَدَا لَهُ ذَلِكَ يَوْماً مَا وَ مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْراً فَصَدِّقْ ظَنَّهُ وَ لَا تُضِيعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعْتَ حَقَّهُ وَ لَا يَكُنْ أَهْلُكَ أَشْقَى الْخَلْقِ بِكَ وَ لَا تَرْغَبَنَّ فِيمَنْ زَهِدَ عَنْكَ وَ لَا يَكُونَنَّ أَخُوكَ أَقْوَى عَلَى قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَى صِلَتِهِ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَى الْإِسَاءَةِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَ لَا يَكْبُرَنَّ عَلَيْكَ ظُلْمُ مَنْ ظَلَمَكَ فَإِنَّهُ يَسْعَى فِي مَضَرَّتِهِ وَ نَفْعِكَ وَ لَيْسَ جَزَاءُ مَنْ سَرَّكَ أَنْ تَسُوءَهُ وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَ الْجَفَاءَ عِنْدَ الْغِنَى إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ وَ إِنْ كُنْتَ جَازِعاً عَلَى مَا تَفَلَّتَ مِنْ يَدَيْكَ فَاجْزَعْ عَلَى كُلِّ مَا لَمْ يَصِلْ إِلَيْكَ اسْتَدِلَّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهٌ وَ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالَغْتَ فِي إِيلَامِهِ فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْآدَابِ وَ الْبَهَائِمَ لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ. اطْرَحْ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بِعَزَائِمِ الصَّبْرِ وَ حُسْنِ الْيَقِينِ مَنْ تَرَكَ الْقَصْدَ جَارَ وَ الصَّاحِبُ مُنَاسِبٌ وَ الصَّدِيقُ مَنْ صَدَقَ غَيْبُهُ وَ الْهَوَى شَرِيكُ الْعَمَى وَ رُبَّ بَعِيدٍ أَقْرَبُ مِنْ قَرِيبٍ وَ قَرِيبٍ أَبْعَدُ مِنْ بَعِيدٍ وَ الْغَرِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَبِيبٌ مَنْ تَعَدَّى الْحَقَّ ضَاقَ مَذْهَبُهُ وَ مَنِ اقْتَصَرَ عَلَى قَدْرِهِ كَانَ أَبْقَى لَهُ وَ أَوْثَقُ سَبَبٍ أَخَذْتَ بِهِ سَبَبٌ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ مَنْ لَمْ يُبَالِكَ فَهُوَ عَدُوُّكَ قَدْ يَكُونُ الْيَأْسُ إِدْرَاكاً إِذَا كَانَ الطَّمَعُ هَلَاكاً لَيْسَ كُلُّ عَوْرَةٍ تَظْهَرُ وَ لَا كُلُّ فُرْصَةٍ تُصَابُ وَ رُبَّمَا أَخْطَأَ الْبَصِيرُ قَصْدَهُ وَ أَصَابَ الْأَعْمَى رُشْدَهُ أَخِّرِ الشَّرَّ فَإِنَّكَ إِذَا شِئْتَ تَعَجَّلْتَهُ وَ قَطِيعَةُ الْجَاهِلِ تَعْدِلُ صِلَةَ الْعَاقِلِ مَنْ أَمِنَ الزَّمَانَ خَانَهُ وَ مَنْ أَعْظَمَهُ أَهَانَهُ لَيْسَ كُلُّ مَنْ رَمَى أَصَابَ إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ إِيَّاكَ أَنْ تَذْكُرَ مِنَ الْكَلَامِ مَا يَكُونُ مُضْحِكاً وَ إِنْ حَكَيْتَ ذَلِكَ عَنْ غَيْرِكَ . وَ إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزْمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثَقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفْنَ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَ لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرَمَانَةٍ وَ لَا تَعْدُ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تُطْمِعْهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لِغَيْرِهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى الرِّيَبِ وَ اجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ فَإِنَّهُ أَحْرَى أَلَّا يَتَوَاكَلُوا فِي خِدْمَتِكَ وَ أَكْرِمْ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ . اسْتَوْدِعِ اللَّهَ دِينَكَ وَ دُنْيَاكَ وَ اسْأَلْهُ خَيْرَ الْقَضَاءِ لَكَ فِي الْعَاجِلَةِ وَ الْآجِلَةِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ السَّلَامُ .ترجمه :از پدرى فانى، پذيرنده سختى‏هاى زمان، عمر پشت سر گذاشته، تسليم به روزگار، نكوهش كننده دنيا، ساكن سراى اموات، سفر كننده از آن در فردا، به فرزند آرزومند به آنچه به دست نمى‏آيد، سالك راه تباه شدگان، هدف امراض، گروگان ايّام، نشانه تيرهاى مصائب، بنده دنيا، تاجر غرور، مديون مرگ، اسير مردن، همراه غصه‏ها، همنشين اندوهها، هدف آسيبها، زمين خورده شهوات، و جانشين مردگان. اما بعد، آنچه بر من معلوم شد از روى گرداندن دنيا از من، و سركشى روزگار بر من، و روى آوردن آخرت به من، مرا از توجه به غير خود و كوشش براى آنچه از من باقى مى‏ماند و مرا سودى ندارد باز مى‏دارد، جز آنكه چون از تمام انديشه جز انديشه نسبت به خود به يك سو شدم، و رأيم مرا تصديق كرد، و از هواى نفسم بازگرداند، و حقيقت كار برايم روشن شد، اين كار مرا به كوششى جدّى واداشت كه در آن بازيگرى نيست، و به صدقى كه دروغ را به آن راهى نمى‏باشد. من تو را پاره‏اى از خود، بلكه تمام وجود خود يافتم، چنانكه اگر رنجى به تو رسد به من رسيده، و اگر مرگت رسد مرگ من رسيده، روى اين حساب كار تو مرا مانند كار خودم به فكر و چاره انديشى واداشته، به همين خاطر اين نامه را براى تو نوشتم تا براى تو پشتوانه‏اى باشد خواه من زنده باشم يا مرده. پسرم تو را سفارش مى‏كنم به تقواى الهى، و ملازمت امرش، و آباد كردن دل به يادش، و چنگ زدن به ريسمانش، و كدام رشته محكم‏تر از رشته بين تو و خداوند است اگر به آن چنگ زنى دلت را با موعظه زنده كن، و با بى‏رغبتى به دنيا بميران، آن را با يقين قوى كن و با حكمت نورانى نما، و با ياد مرگ فروتن و خوار كن، و به اقرار به فانى شدن همه چيز وادار، و به فجايع دنيا بينا گردان، و از صولت روزگار، و قبح دگرگونى شبها و روزها بر حذر دار، اخبار گذشتگان را به او ارائه كن، آنچه را بر سر پيشينيان آمد به يادش آور، در شهرهاى آنان و در ميان آثارشان سياحت كن، در آنچه انجام دادند و اينكه از كجا منتقل شدند و در كجا فرود آمدند و منزل كردند دقّت كن، مى‏يابى كه از كنار دوستان رفتند، و به ديار غربت وارد شدند، و گويى تو هم به اندك زمانى چون يكى از آنان خواهى شد. پس منزلگاه نهايى‏ات را اصلاح كن، و آخرتت را با دنيا معامله مكن، در باره آنچه علم ندارى سخن‏ مگو، و در باره وظيفه‏اى كه بر عهده‏ات نيست حرفى نزن. در راهى كه از گمراهى در آن بترسى قدم منه، زيرا حفظ خويش به هنگام سرگردانى بهتر از اين است كه آدمى خود را در امور خطرناك اندازد. امر به معروف كن تا اهل آن باشى، با دست و زبان نهى از منكر نما، و با كوششت از اهل منكر جدا شو. در راه خدا جهاد كن جهدى كامل، و ملامت ملامت كنندگان تو را از جهاد در راه خدا باز ندارد. به راه حق هر جا كه باشد در مشكلات و سختى‏ها فرو شو، در پى فهم دين باش، خود را در امور ناخوشايند به صبر و مقاومت عادت ده، كه صبر در راه حق اخلاق نيكويى است. وجودت را در همه امور به خداى خود واگذار، كه در اين صورت خود را به پناهگاهى محكم، و نگاهبانى قوى وامى‏گذارى. در مسألت از خداوند اخلاص پيشه كن، كه بخشيدن و نبخشيدن به دست اوست. از خدايت بسيار طلب خير كن، و وصيّتم را بفهم، و از آن روى مگردان، مسلّما بهترين سخن سخنى است كه سود بخشد. معلومت باد در دانشى كه سود نيست خير نيست، و در علمى كه فرا گرفتنش سزاوار نيست بهره‏اى نمى‏باشد. پسرم چون خود را سالخورده ديدم، و قوايم را رو به سستى مشاهده كردم، پيش از مرگ به وصيّتم به تو پيشدستى نمودم، و در آن برنامه‏هاى خوبى ثبت كردم از خوف اينكه نتوانم آنچه در خاطر دارم به تو برسانم، يا نقصى در انديشه‏ام يابم چنانكه در بدنم يافته‏ام، يا پيش از وصيت من پاره‏اى از خواهشهاى نفسانى بر تو چيره شود يا آفتهاى دنيا به تو هجوم آورد، در نتيجه رميده شوى و فرمان نبرى. قطعا دل جوان همانند زمين خالى است، هر بذرى در آن ريخته شود مى‏پذيرد. بنا بر اين پيش از آنكه دلت سخت شود، و مغزت گرفتار گردد اقدام به ادب آموزى تو كردم، تا با عزمى جدّى به امورت روى آورى، امورى كه اهل تجربه مشقّت تجربه كردن آن را كشيده‏اند، و تو از زحمت طلب كفايت شده، و از تجربه دوباره آسوده گشته‏اى، و آنچه ما در صدد تجربه آن بوديم به دست تو رسيده، و قسمتى از آنچه بر ما پوشيده مانده براى تو روشن گرديده است. پسرم اگر چه من به اندازه مردمى كه پيش از من بوده‏اند عمر نكرده‏ام، ولى در كردارشان دقّت، و در اخبارشان فكر نموده، و در آثارشان سياحت كرده‏ام، تا جايى كه همانند يكى از آنان شده‏ام، بلكه گويى از پى آنچه كه از وضع آنان به من رسيده عمرم را با اولين و آخرينشان گذرانيده‏ام، زلال اعمالشان را از تيرگى، و سود و زيان كردارشان را شناختم، از اين رو از هر چيزى پاكيزه و خالصش را برايت انتخاب كردم، و از ميان آن همه برنامه زيبايش را برايت برگزيدم، و نامعلوم آن را از تو دور داشتم، چون به امورت همانند پدرى مهربان عنايت داشتم، و قصد ادب آموزى تو را در خاطر مى‏گذراندم، مصلحت ديدم تو را با اين روش تربيت كنم، چرا كه در عنفوان جوانى، و در ابتداى زندگى هستى، و تو را نيّتى سالم، و باطنى پاك است، رأيم بر اين شد كه ابتدا كتاب خدا و تأويلش را به تو بياموزم، و قوانين و احكام اسلام و حلال و حرامش را به تو تعليم دهم، و به غير آن توجه ننمايم. آن گاه ترسيدم كه آنچه از خواهشهاى نادرست و آراء ناحق و باطل مردم را دچار اختلاف نمود تا كار بر آنان اشتباه شد بر تو نيز اشتباه شود، به همين خاطر واضح نمودن اين جهت هر چند مورد پسندم نبود پيش من بهتر است از اينكه تو را به برنامه‏اى واگذارم كه بر آن از هلاكتت ايمن نيستم. اميدوارم خداوند تو را در اين برنامه به راه رشد موفق بدارد، و به راه راست راهنمايى كند، پس اين وصيت را به تو نمودم. پسرم آگاه باش محبوبترين برنامه‏اى كه از وصيتم به آن چنگ مى‏زنى تقواى الهى، و اكتفا كردن به وظايفى است كه خداوند بر تو واجب نموده، و رفتن به راهى كه پدرانت و شايستگان از خاندانت آن را طى كرده‏اند، زيرا آنان توجه به صلاح خود را وانگذاشتند چنانكه تو توجه مى‏كنى، و انديشه در كار خود كردند همان گونه كه تو انديشه مى‏نمايى، سرانجام چنان شد كه آنچه را دانستند عمل كردند، و از آنچه تكليفشان نبود روى گرداندند. پس اگر نفس تو از قبول راه آنان بدون آنكه بداند چنانكه آنان دانستند باز ايستاد پس بايد خواسته تو نسبت به آن راه از روى طلب فهم و كسب دانش باشد، نه افتادن در شبهه‏ها و بالا بردن بحثها و جدلها. و پيش از قدم نهادن در راه فهم و دانش براى شناخت آن راه از خداوند يارى بخواه، و براى به دست آوردن توفيق روى رغبت به جانب او كن، و هر چه كه تو را به اشتباه اندازد، يا به گمراهى كشاند رها ساز. و چون يقين كردى كه دلت روشنى يافته و در پيشگاه حق خاضع شده، و نظرت جمع و كامل گشته، و انديشه‏ات در اين زمينه از پريشانى در آمده و يك انديشه شده، آن گاه در آنچه براى تو تفسير مى‏كنم دقت كن. و اگر آنچه را دوست دارى برايت فراهم نشد، و به آسودگى خاطر و فكر دست نيافتى، معلومت باد جادّه را همچون شتر شب كور طى مى‏كنى، و به تاريكى‏ها گام بر مى‏دارى، و كسى كه قدم به اشتباه برمى‏دارد يا حق را از باطل تميز نمى‏دهد خواستار دين نيست، و در چنين موقعيتى حفظ خويشتن از پيمودن اين گونه جاده‏ها عاقلانه‏تر و بهتر است. پسرم وصيتم را بفهم، و بدان كه مالك مرگ همان مالك حيات، و هستى بخش همان ميراننده، و فنا كننده همان باز گرداننده، و گرفتار كننده، همان عافيت بخشنده است، و مسلّما دنيا برقرار نمى‏ماند مگر به همان نظامى كه خداوند آن را قرار داده از وضع نعمتها و بلاها، و پاداش روز جزا، و آنچه او بخواهد و ما نمى‏دانيم. اگر در رابطه با جهان و نظاماتش از درك حكمت حادثه‏اى درماندى آن را به حساب جهالت خود بگذار، زيرا در ابتداى كار نادان به امور آفريده شدى سپس دانا گشتى، چه بسيار است امورى كه نمى‏دانى و انديشه‏ات نسبت به آن سرگردان، و ديده‏ات از راه يافتن به آن ناتوان است، اما پس از مدتى به آن بينا مى‏شوى. پس به خداوندى كه تو را آفريده، و روزيت را عنايت كرده و اندامت را تعديل نموده پناه ببر، بايد بندگيت براى او باشد، و رغبتت متوجه او گردد، و از او بيم داشته باشى. پسرم آگاه باش احدى از وجود خداوند چنانكه پيامبر- صلّى اللّه عليه و آله- خبر داده خبر نداده است، پس به پيشوايى آن حضرت راضى باش، و براى رسيدن به منزل نجات رهبريش را بپذير، كه من از نصيحت به تو كوتاهى نكردم، و تو در انديشه‏ات نسبت به صلاح خود هر چند بكوشى به ميزان انديشه‏اى كه من در باره تو دارم نخواهى رسيد. پسرم معلومت باد اگر براى پروردگارت شريكى بود پيامبران آن شريك به سويت مى‏آمدند، و آثار ملك و سلطنت او را ديده، و به افعال و صفاتش آشنا مى‏شدى، اما او خدايى‏ يگانه است همان گونه كه خود را وصف نموده، كسى در حكمرانيش با او ضديّت نمى‏كند، هرگز از بين نمى‏رود، و هميشه وجود داشته، اوّل است پيش از همه اشياء و او را اوليّتى نيست، و آخر است بعد از همه اشياء و او را نهايتى نمى‏باشد، بزرگتر از آن است كه ربوبيّتش به احاطه دل و ديده ثابت گردد، چون به اين حقيقت آگاه شدى در بندگى بكوش چنانكه شايسته مانند توست كه كوچك منزلت و فقير و كم قدرت و بسيار ضعيف است، و در طلب طاعت، و در ترس از عقوبت، و بيمناكى از خشم شديدا به پروردگار خود نيازمند است، زيرا چنين پروردگارى جز به خوبى تو را فرمان نداده، و جز از زشتى باز نداشته است. پسرم تو را از دنيا و وضع آن و از بين رفتن و دست به دست شدنش آگاه كردم، و از آخرت و آنچه براى اهلش در آنجا آماده شده خبر دادم، و براى تو در رابطه با هر دو جهان مثلها زدم تا به آنها پندگيرى و بر اصول آن گام بردارى. داستان آنان كه دنيا را آزموده‏اند داستان مسافرانى است كه در جايى خراب و همراه با قحطى و تنگى منزل گرفته‏اند و عزم رفتن به منطقه‏اى پر نعمت و لذت و محلّى سر سبز و خرم نموده‏اند، رنج راه، و فراق يار، و سختى سفر، و ناگوارى طعام را تحمل كرده، تا به خانه فراخ، و منزلگاه امنشان در آيند، بنا بر اين از آن همه سختى‏ها دردى نمى‏چشند، و خرج اين سفر را خسارت نمى‏بينند، و چيزى نزد آنان از آنچه وجودشان را به منزل هميشگى و جاويدشان نزديك كند محبوبتر نيست. و مثل مردمى كه مغرور به دنيا شدند مثل مسافرانى است كه در منزلى آباد و پر نعمت بودند و از آنجا به سوى محلى خشك و خراب و بى‏آب و گياه بار سفر بندند، پس چيزى نزد آنان ناخوشايندتر و سخت‏تر از جدايى از آنچه در آن بودند و رسيدن به جايى كه به جانب آن روى مى‏آورند و بدان جا مى‏رسند نيست. پسرم خود را ميزان بين خود و ديگران قرار بده، بنا بر اين آنچه براى خود دوست دارى براى ديگران هم دوست بدار، و هر چه براى خود نمى‏خواهى براى ديگران هم مخواه، به كسى ستم مكن چنانكه دوست دارى به تو ستم نشود، و نيكى كن چنانكه علاقه دارى به تو نيكى شود، آنچه را از غير خود زشت مى‏دانى از خود نيز زشت بدان، از مردم براى خود آن را راضى باش‏ كه از خود براى آنان راضى هستى، هر آنچه را نمى‏دانى مگو اگر چه دانسته‏هايت اندك است، و آنچه را دوست ندارى در باره تو بگويند تو هم درباره ديگران مگوى. آگاه باش كه خودپسندى ضدّ صواب و آفت خردهاست. پس كوششت را به نهايت برسان، و در امور مادى خزانه‏دار وارث مشو. هرگاه به راه راست هدايت شدى در برابر پروردگارت به شدت فروتن باش. معلومت باد كه در پيش رويت راهى دراز همراه با مشقتى سخت است، در اين راه از طلب درست، و توشه به اندازه برداشتن و سبكبارى از گناه بى‏نياز نيستى، پس بيش از قدرتت بر خود بار مكن، كه سنگينى‏اش و زر و وبالت شود. اگر محتاجى را يافتى كه قدرت بر دوش نهادن زاد و توشه‏ات را تا قيامت دارد و در فرداى محشر كه به آن توشه نيازمند شدى در اختيارت بگذارد، وجودش را غنيمت بدان و زاد و توشه‏ات را بر دوشش بگذار، و در حالى كه قدرت اضافه كردن زاد و توشه را بر دوشش دارى تا بتوانى اضافه كن، چه بسا با از دست رفتن فرصت، چنين شخصى را بجويى و نيابى. به روز داشتن دارايى اگر كسى از تو وام خواست وامش ده تا در روز تنگدستى‏ات ادا كند. آگاه باش كه در پيش رويت گذرگاه سختى است، آن كه سبكبار است در آن گذرگاه حالى بهتر از سنگين بار دارد، و آن كه دچار كندى است بد حال‏تر از شتابنده در آن است. در آنجا محل فرود آمدنت به ناچار يا در بهشت است يا در جهنّم، پس پيش از در آمدنت به آن جهان توشه آماده كن، و قبل از ورودت منزلى فراهم ساز، كه بعد از مرگ تدارك كردن از دست رفته ممكن نيست، و راه بازگشت به دنيا براى هميشه بسته است. آگاه باش آن كه خزائن آسمانها و زمين در اختيار اوست به تو اجازه دعا داده، و اجابت آن را ضمانت نموده، و دستور داده از او بخواهى تا ببخشد، و رحمتش را بطلبى تا رحمت آرد، و بين خودش و تو كسى را حاجب قرار نداده و تو را مجبور به توسل به واسطه ننموده، و اگر گناه كردى از توبه مانعت‏ نشده، و در عقوبتت عجله نكرده، و به باز گشتت سرزنشت ننموده، و آنجا كه سزاوار رسوا شدنى رسوايت نكرده، در پذيرش توبه بر تو سخت گيرى روا نداشته، و به حسابرسى گناهانت اقدام نكرده، و از رحمتش نااميدت ننموده، بلكه خوددارى از معصيت را برايت حسنه قرار داده، و يك گناهت را يك گناه، و يك خوبيت را ده برابر به شمار آورده، باب توبه و باب خشنوديش را به رويت گشوده، هرگاه او را بخوانى صدايت را بشنود، چون با او به راز و نياز برخيزى رازت را بداند، پس نياز به سوى او مى‏برى، و راز دل با او در ميان مى‏گذارى، از ناراحتى‏هايت به او شكايت مى‏برى، و چاره گرفتاريهايت را از او مى‏خواهى، بر امورت از حضرتش يارى مى‏طلبى، از خزائن رحمتش چيزهايى را مى‏خواهى كه غير او را بر عطا كردنش قدرت نيست، از قبيل زياد شدن عمرها، سلامت بدنها، و گشايش روزيها. خداوند كليدهاى خزائن خود را در اختيار تو گذاشته به دليل آنكه به تو اجازه درخواست از خودش را داده، پس هرگاه بخواهى مى‏توانى درهاى نعمتش را با دعا باز كنى، و باران رحمتش‏ را بخواهى. پس تأخير در اجابت دعا نا اميدت نكند، زيرا عطا و بخشش به اندازه نيّت است، چه بسا كه اجابت دعايت به تأخير افتد تا پاداش دعا كننده بيشتر، و عطاى اميدوار فراوان‏تر گردد. و چه بسا چيزى را بخواهى و به تو داده نشود ولى بهتر از آن در دنيا يا آخرت به تو عنايت گردد، يا به خاطر برنامه نيكوترى اين دعايت مستجاب نشود. و چه بسا چيزى را مى‏خواهى كه اگر اجابت گردد دينت را تباه كند. روى اين حساب بايد چيزى را بطلبى كه زيباييش براى تو برقرار، و وبالش از تو بركنار باشد، كه ثروت براى تو باقى نيست و تو هم براى آن باقى نخواهى بود. پسرم معلومت باد براى آخرت آفريده شده‏اى نه براى دنيا، و براى فنا نه براى بقا، و براى مرگ نه براى حيات، در منزلى هستى كه بايد از آن كوچ كنى، و جايى كه از آن به جاى ديگر برسى، و خلاصه در راه آخرتى، و صيد مرگى كه گريزنده از آن را نجات نيست، و از دست خواهنده‏اش بيرون نرود، و ناگزير او را بيابد. از اينكه مرگ تو را به هنگام‏ گناه دريابد- گناهى كه با خود مى‏گفتى از آن توبه مى‏كنم- بر حذر باش، مرگى كه بين تو و توبه‏ات مانع گردد، و بدين صورت خود را به هلاكت انداخته باشى. ياد مرگ پسرم مرگ را و موقعيتى كه ناگهان در آن مى‏افتى، و بعد از مرگ به آن مى‏رسى زياد به ياد آر، تا وقتى مرگ برسد خود را مهيّا، و دامن همت به كمر زده باشى، مباد كه مرگ از راه برسد و تو را مغلوب نمايد. از اينكه رغبت دنياپرستان به دنيا، و حرصشان بر متاع اندك آن تو را فريفته كند بر حذر باش، كه خداوندت از اوضاع دنيا خبر داده، و دنيا هم با احوالاتش تو را از زوال خود آگاه نموده، و زشتيهايش را به تو نشان داده، زيرا دنيا پرستان سگانى فرياد زننده، و درندگانى شكار كننده هستند، يكديگر را مى‏گزند، زورمندش ضعيفش را مى‏خورد، و بزرگش به كوچكش به قهر و غلبه حمله مى‏كند. گروهى از دنياداران چهار پايانى مهار شده، و دسته‏اى حيوان رها شده‏اند، عقول خود را از دست داده، و به راه نامعلوم قدم نهاده‏اند، حيوانى چند كه در چراگاه آفت كه قدم در آنجا قرارى ندارد سر داده شده‏اند، نه چوپانى كه از آنان نگهدارى نمايد، و نه چراننده‏اى كه آنها را بچراند، دنيا آنان را به راه كورى و ضلالت برده، و ديدگانشان را از ديدن علائم هدايت فرو بسته، در وادى حيرت دنيا سرگردان، و در نعمت‏هايش غرق، و آن را به عنوان ربّ انتخاب كرده‏اند، از اين رو دنيا با آنان و آنان با دنيا به بازى پرداخته‏اند، و آنچه را به دنبال آن است فراموش كرده‏اند اندازه در طلب مهلت ده، تاريكى بر طرف مى‏شود، گويى كاروان به منزل رسيده، اميد است آن كه بشتابد به كاروان برسد. پسرم آگاه باش كسى كه مركبش شب و روز است او را با مركب مى‏برند گر چه ايستاده به نظر آيد، و طى مسافت مى‏كند هر چند مقيم و آسوده ديده شود. به يقين آگاه باش كه هرگز به آرزويت نرسى، و از اجل معيّن شده نگذرى، و در راه كسى هستى كه پيش از تو بوده. پس در طريق به دست آوردن مال آرام باش، و در برنامه كسب و كار مدارا كن، چه بسا تلاشى كه موجب تلف شدن ثروت شود. معلومت باد كه هر كوشنده‏اى يابنده، و هر مدارا كننده‏اى محروم نيست. نفس خود را از هر پستى به گرامى داشتنش حفظ كن هر چند تو را به نعمت‏هاى فراوان رساند، زيرا در برابر مقدارى كه از كرامت نفس به خرج مى‏گذارى عوضى به دست نياورى، بنده ديگرى مباش كه خداوند آزادت قرار داده. چه خيرى است در خيرى كه جز با شرّ به دست نيايد، و در آسايشى كه جز با سختى حاصل نگردد از اينكه مركبهاى طمع تو را برانند و به آبشخورهاى مهلكه وارد سازند بر حذر باش، اگر بتوانى بين تو و خداوند صاحب نعمتى نباشد چنان كن، زيرا بالاخره نصيبت را بيابى، و سهم خود را دريابى. نعمت اندك از جانب خداى پاك بزرگتر و با ارزش‏تر از نعمت فراوانى است كه از غير خدا برسد اگر چه همه از اوست. سفارشهاى گوناگون ديگر تدارك آنچه به خاطر سكوت از دستت رفته آسان‏تر است از آنچه محض گفتارت از كف داده‏اى، و نگهدارى آنچه در ظرف است به محكم كردن سربند آن است، و حفظ آنچه در اختيار توست نزد من محبوبتر است از طلب آنچه در دست غير توست. تلخى نااميدى بهتر از خواستن از مردم است. مال اندك همراه با عفت نفس از ثروت با گناه بهتر است. آدمى راز زندگيش را بهتر از ديگران حفظ مى‏كند. چه بسا كوشنده‏اى كه تلاش و سعيش به او زيان مى‏زند. زياده‏گو هرزه‏گو مى‏گردد، و آن كه نسبت به امورش انديشه كند بينا مى‏شود. به اهل خير نزديك شو تا از آنان گردى، و از اهل شر جدا شو تا از آنان به حساب نيايى. بد خوراكى است خوراك حرام، و ستم بر ضعيف زشت‏ترين ستم است. آنجا كه نرمى درشتى است درشتى نرمى است، چه بسا دارو درد، و درد درمان است. چه بسا خير خواهى كند آن كه خير خواه نيست، و خيانت ورزد كسى كه از او نصيحت خواسته شده. از اعتماد به آرزوها بپرهيز كه سرمايه احمقان است. عقل حفظ تجربه‏هاست، و بهترين چيزى كه تجربه كرده‏اى آن است كه تو را پند دهد. به جانب فرصت بشتاب پيش از آنكه غصه و حسرت گردد. اين طور نيست كه هر خواهنده‏اى به مقصد رسد، و هر غائب شونده‏اى باز گردد. از زمينه‏هاى فساد ضايع كردن زاد و توشه و تباه كردن معاد است. براى هر كارى عاقبتى است، آنچه برايت رقم خورده زود است به تو برسد. تاجر در خطر است. و چه بسيار مال اندكى كه از مال بسيار با بركت‏تر است. خيرى در يارى دهنده پست، و رفيق متّهم نيست. تا وقتى شتر زمانه رام توست آن را آسان گير. نعمتى را به اميد بيشتر به دست آوردن در خطر مينداز. از اينكه مركب لجاجت تو را چموشى كند بپرهيز. زمان جدايى برادرت از تو خود را به پيوند با او، و وقت روى گردانيش به لطف و قرابت، و برابر بخلش به عطا و بخشش، و هنگام دوريش به نزديكى، و زمان درشتخويى‏اش به نرمخويى، و وقت گناهش به پذيرفتن عذر او وادار، تا جايى كه گويى تو بنده اويى، و او تو را صاحب نعمت است. اين برنامه‏ها را در جايى كه اقتضا ندارد انجام مده، و در باره كسى كه شايسته نيست به ميدان نياور. دشمن دوستت را به دوستى انتخاب مكن‏ تا دوستت را دشمن نباشى. خيرخواهى خود را نسبت به برادرت خالص كن چه خير خواهيت به نظر او خوب آيد يا زشت. جرعه خشم را فرو خور، كه من جرعه‏اى شيرين‏تر و داراى عاقبتى لذيذتر از آن نديدم. با كسى كه با تو خشونت كند نرم باش، كه به زودى نسبت به تو نرم شود. با دشمنت نيكى كن كه نيكى شيرين‏ترين دو پيروزى (انتقام و گذشت) است. اگر خواستى از برادرت جدا شوى جايى براى او باقى گذار كه اگر روزى خواست برگردد دستاويز برگشت داشته باشد. آن كه به تو گمان نيك برد گمانش را عملا تحقق بخش. حق برادرت را با تكيه بر رفاقتى كه بين تو و اوست ضايع مكن، زيرا كسى كه حقش را ضايع كنى برادر تو نيست. مبادا خانواده‏ات بد بخت‏ترين مردم به خاطر تو باشند. به كسى كه به تو علاقه ندارد علاقه نشان مده. نبايد برادرت در قطع رابطه با تو از پيوستن تو به او، و بد عمل كردنش از احسان تو به او از تو تواناتر باشد. ستم اهل ستم بر تو گران نيايد، زيرا او به زيان خود و سود تو مى‏كوشد، و جزاى آن كه تو را شاد نموده اندوهگين كردن او نيست. پسرم آگاه باش رزق دو نوع است: رزقى كه تو آن را مى‏جويى، و رزقى كه آن تو را مى‏جويد، و اگر تو به او نرسى او به تو مى‏رسد. چه زشت است تواضع به وقت احتياج، و ستم در زمان توانگرى از دنيايت به سود تو همان است كه آخرتت را به آن اصلاح نمايى. اگر براى آنچه از دستت رفته ناله مى‏كنى پس براى هر چه به دستت نرسيده نيز ناله بزن. بر آنچه نبوده به آنچه بوده استدلال كن، زيرا امور دنيا شبيه يكديگرند. از كسانى مباش كه موعظه به آنان سود ندهد مگر وقتى كه در توبيخ و آزردنشان جدّيت كنى، كه عاقل به ادب پند گيرد، و چهارپايان جز با ضرب تازيانه اصلاح نگردند. غمهايى را كه بر تو وارد مى‏گردد با تصميم‏هاى قوى بر صبر و استقامت و با حسن يقين از خود دور كن. هر كه راه مستقيم را بگذاشت منحرف شد. همنشين به منزله خويشاوند است. دوست آن است كه در غيبت انسان نيز دوست باشد. هواى نفس شريك كور دلى است. چه بسا دورى كه از نزديك نزديك‏تر است، و چه بسا نزديكى كه از دور دورتر است. غريب كسى است كه براى او دوست نيست. آن كه از حق تجاوز كند راه اصلاح بر او تنگ مى‏شود. كسى كه به ارزش خود قناعت ورزد ارزشش براى او پاينده‏تر است. مطمئن‏ترين رشته‏اى كه به آن چنگ زنى رشته‏اى است كه بين تو و خداوند است. بى‏پرواى نسبت به تو دشمن توست.مربوط به :[**گزیده‌ای از بیانات در دیدار هیأت امنای گروه هم‌اندیشی تحکیم خانواده - 1395/02/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34258)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :... در جامعه‌‌ی ما متأسّفانه به تَبَع خیلی از جاهای دنیا، شأن زن شناخته‌ نشده است. در نظر اسلام و در نگاه کلّی‌‌ای که اسلام دارد، زن همان است که در این جمله‌‌ی «اَلمِرأَةُ رَیحانَةٌ وَ لَیسَت بِقَهرَمانَه» است؛ مثل یک گل. یک گل، وجودش لازم است و نگهداری‌‌اش لوازمی دارد: وَ لَیسَت بِقَهرَمانَه؛ منظور از قهرمان، این قهرمان متعارف ما نیست، قهرمان یعنی کارگزار؛ یعنی در واقع رئیس خدمه. این‌جوری نیست که خانم در خانه‌‌ی شما مسئول خدمتگزاری باشد، حالا ولو به‌‌عنوان رئیس خدمه؛ قضیّه این نیست. وَ لَیسَت بِقَهرَمانَه؛ قهرمان در تعبیرات عربی و در اصطلاحات رایجِ ادبیّات عرب عبارت است از آن‌ کسی که ملک شما را برایتان اداره میکند؛ یعنی کارهایتان را انجام میدهد؛ وقتی‌ شما صاحب یک ملکی هستید، یک قهرمانی دارید؛ میگوید زن این‌جوری نیست. حالا شما ببینید اگر در یک خانواده‌‌ای، در یک جامعه‌‌ای، به زن با این چشم نگاه بشود، اوّلاً تکریم او، حفظ حرمت او، برخورد ملاطفت‌‌آمیز با او و مسائل فراوانی که دنبالش هست، چقدر موجب میشود که زن احساس امنیّت کند، احساس آرامش کند. در اسلام نگفته‌‌اند که زن نرود بیرون کار کند؛ اصلاً این نیست. حالا اینکه بعضی از مخالفین این گرایش اسلامیِ زن، فوراً میچسبند به اینکه شما نصف نیروی کار جامعه را معطّل میگذارید، چنین چیزی نیست؛ کسی نگفته کار نکنند، اگر میتوانند کار کنند، کار کنند؛ منتها با این دید کار کنند، با این نگاه کار بکنند؛ کاری که به آنها محوّل میشود کاری باشد که با ریحانه‌‌بودن جور در بیاید، متناسب باشد. و البتّه مهم‌ترین مسئولیّت زن هم کدبانویی است؛ معنای کدبانویی خدمتگزاری نیست، معنایش این است که محیط خانواده را برای فرزندان و برای همسر یک محیط امن و آرام و مهربانی میکند، با مهربانی خودش، با عزّتی که در خانه برای او فرض میشود.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور - 1393/01/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :بنده اهل بریده پیدا کردن از روزنامه‌ها نیستم، امّا دیروز، پریروز بود، یک چیزی در روزنامه دیدم؛ دیدم خیلی چیز مهمّی است؛ اینجا آوردم برای شما بخوانم. کتابی از "جیمی کارتر" رئیس جمهور پیشین آمریکا، [منتشر شده‌] به اسم "تقاضایی برای اقدام" که به موضوع نقض حقوق بشر و تجاوزات وحشتناک علیه زنان پرداخته. جیمی کارتر در این کتاب میگوید: هر ساله صدهزار دختر به‌عنوان برده در آمریکا فروخته میشود. جایی که صاحب یک روسپی‌خانه میتواند دختری را که معمولاً اهل آمریکای لاتین یا آفریقا است، با قیمتی برابر هزار دلار خریداری کند. وی همچنین به تجاوزات جنسی که در محوّطه‌های کالج‌ها رخ میدهد اشاره دارد؛ به جایی که از هر بیست‌وپنج مورد تنها یک مورد گزارش میشود. کارتر همچنین عنوان میکند که تنها یک درصد از متجاوزان جنسی در ارتش محاکمه میشود. انسان گریه‌اش میگیرد! از این قبیل در روزنامه‌ها زیاد می‌بینید، بنده هم زیاد میبینم؛ من هیچ‌وقت هم به اینها استناد نمیکنم، لکن خب اینها واقعیّتی است. جیمی کارتر هم بالاخره یک شخصیّت معروفی است و این هم کتاب او است. این چه وضعی است در دنیا؟ این چه‌جور تکریم زن است؟ نویسنده‌ی نامدار و معروف غربی، کتاب رُمان مینویسد برای شرافتمندانه نشان دادنِ شغل روسپی‌گری! که البتّه به فارسی هم ترجمه شده است. البتّه در این کتاب اشاره به این است که چگونه دلاّلان جنسی، می‌آیند از کشورهای آمریکای لاتین دخترها را با وعده و وعید و فلان برمیدارند میبرند، و میفروشند به این مراکز؛ که البتّه این مربوط به اروپا است، مربوط به آمریکا نیست. البتّه سعی میشود در این کتاب و این رُمان، که شغل روسپی‌گری یک شغل شرافتمندانه‌ای وانمود بشود. این است فرهنگ غرب نسبت به زن؛ این است احترام اینها نسبت به زن.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور - 1393/01/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :در احصای مسائل اصلیِ زنان، حقیقتاً به مسائل اصلی بپردازیم، نه به مسائل درجه‌ی دو. پرداختن به مسئله‌ی خانواده و بخصوص مسئله‌ی سلامت و امنیّت و آرامش و تکریم زن در محیط خانواده، یکی از مسائل اصلی است. ما چند مسئله‌ی اصلی داریم، یکی از آنها این است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی - 1392/02/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22536)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :جایگاه زن و هویّت و شخصیّت زن، در جنس خود زن یک هویّت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است. در مجموع هم که نگاه کنیم، زن و مرد فرقی ندارند؛ از لحاظ خلقت، از لحاظ خصوصیّاتِ کیان طبیعیشان که خدای متعال خلق کرده، یک امتیازاتی جانب زنانه دارد، یک امتیازاتی جانب مردانه دارد؛ خدای متعال یک مقدار خصوصیّاتی را به این جنس داده، یک مقدار خصوصیّاتی را به آن جنس داده؛ یک برجستگیها و ارزشهایی این دارد، یک برجستگیها و ارزشهایی آن دارد؛ لذا است که با همدیگر از لحاظ آنچه که مربوط به انسانیّت است هیچ فرقی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ در آن چیزهایی که خدای متعال برای انسان قرار میدهد - از لحاظ حقوق انسانی، از لحاظ حقوق اجتماعی، از لحاظ ارزشهای معنوی و سیر تکامل معنوی - هیچ فرقی ندارند؛ یعنی یک مردی مثل علىّ‌بن‌ابی‌طالب میشود، یک زنی مثل فاطمه‌ی زهرا میشود؛ یک مردی مثل عیسی میشود، یک زنی مثل مریم میشود؛ تفاوتی ندارند با همدیگر. پس این نگاهْ درست است که ما زن را در جنسیّت خودش - همان‌جور که هست، زن واقعی، مؤنّث واقعی - بشناسیم، و ببینیم چه ارزشهایی میتواند این فرد متعلّق به این جنس را یا این جامعه‌ی این جنسیّت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است. ما نباید در مقابل نگاه غرب دچار این انفعال میشدیم که متأسّفانه شدیم.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی - 1392/02/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22536)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :گفتمان اسلام "زنِ حقیقی" است؛ این گفتمان را همان‌طور که اشاره کردم، بایستی ما به صورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. گفتند بعضی از خانمها که آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسّسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید میکنند که اگر چنین کنید، اگر چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به دَرَک! قطعنامه صادر کنند. گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیّه‌ی تهاجم، طلبگارانه مطرح کرد. اگر آنها گفتند که شما چرا به زن برای اینکه بتواند بیحجاب بگردد آزادی نمیدهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضرّ و دهشتناک را میدهید، به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد. آنچه که امروز در غرب در زمینه‌ی بیحفاظی و بیحجابی زن دارد دنبال میشود، واقعاً گاهی اوقات تصوّرش انسان را دچار دهشت میکند که چکار میخواهند بکنند، کجا دارند میروند؟ که لابد شماها خبرهایتان بیشتر از من است، ولی من هم اطّلاعات زیادی دارم در این زمینه که چه کارهایی دارد انجام میگیرد؛ در سطوح مختلف: از سطوح بالا، تا سطوح کار و معیشت متعارَف زندگی و شغل و این حرفها. خصوصیّات زن در این گفتمان گفته شود؛ کرامت زن، عزّت زن، ظرافت زن، نه فقط ظرافت جسمی بلکه ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافت کارکردی که باید بکند. این رشته‌های بشدّت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سرْانگشت ظریف و لطیف مادر است که میتواند از هم جدا کند که عقده به‌وجود نیاید، گره به‌وجود نیاید؛ هیچ کس دیگر نمیتواند، یعنی هیچ انسان دیگری که از جنس زن نباشد نمیتواند؛ این کار، کار زنانه است. یعنی برخی از کارکردها بقدری همراه با ظرافت است که انسان استعجاب میکند از قدرت الهی که چطور این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت کرده. من همیشه به دوستان و خویشاوندان و زنان میگویم، میگویم برخلاف آنچه که معروف است، در بین این دو جنس، آن جنس قویتر زن است. زنها قویتر از مردهایند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :یکی از سیئات تمدن مادی، حرکتی است که در مورد زن انجام دادند. ما در این زمینه خیلی حرف داریم. گناه بزرگی که تمدن غرب در مورد جنس زن مرتکب شده است، نه به این زودی قابل پاک شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتّی نه به‌آسانی قابل بیان کردن است. حالا اسمهای گوناگونی هم میگذارند - مثل همه‌ی کارهایشان - جنایت میکنند، اسمش را حقوق بشر میگذارند! ظلم میکنند، اسمش را طرفداری از ملتها میگذارند! حمله‌ی نظامی میکنند، اسمش را دفاع میگذارند! یکی از طبایع تمدن غربی، فریب است؛ دوروئی، نفاق، دروغگوئی، تناقض در رفتار و گفتار؛ در قضیه‌ی زن هم عیناً همین جور است. آنها متأسفانه فرهنگ رائج خودشان را در کل دنیا گسترش داده‌اند. امروز در دنیا کاری کرده‌اند که یکی از مهمترین وظائف زن - اگر نگوئیم مهمترین وظائف - این است که جلوه‌گری کند، زیبائیهای خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن! متأسفانه الان در دنیا اینجور شده. در رسمیترین مجالس - مجالس سیاسی، مجالس گوناگون - مردها باید با شلوار بلند بیایند، باید با لباس پوشیده بیایند، اما زنها هرچه برهنه‌تر و عریانتر بیایند، اشکالی ندارد! این عادی است؟ این طبیعی است؟ این یک حرکت بر طبق طبیعت است؟ آنها این کار را کردند. زن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه مایه‌ی التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته‌اند آزادی، اسم نقطه‌ی مقابلش را گذاشته‌اند اسارت! در حالی که احتجاب زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزبه‌روز هم بیشتر میشکنند؛ اسمهای گوناگون هم رویش میگذارند. اوّلین یا شاید یکی از اوّلین آثار سوئی که این مسئله گذاشت، ویران کردن خانواده بود؛ بنیان خانواده سست شد. وقتی در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفاسد در این جامعه نهادینه میشود.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :خدای متعال در قرآن حدود تکریم زن را معین کرده است. زن پیش خدای متعال مثل مرد است. در طی مراتب معنوی و الهی، بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست. آن که این جاده را برایش درست کرده‌اند، انسان است، نه مرد یا زن. خدای متعال در تاریخ زنی مثل فاطمه‌ی زهرا (سلام اللّه علیها) میآفریند که امام عسکری یا امام هادی (علیهما السّلام) - طبق حدیثی که از آنها نقل شده - میفرمایند: «نحن حجج اللّه علی خلقه و فاطمة حجّة اللّه علینا». فاطمه‌ی زهرا (سلام اللّه علیها) حجتِ حجت خدا است، امام ائمه است؛ شخصیت، دیگر از این بالاتر؟ آن حضرت دارای مقام عصمت است. یک چنین انسانی، زن است. زنان بزرگ عالم: مریم، سارا، آسیه و دیگران و دیگران - بزرگانی که بودند - برجسته‌های عالم خلقتند. در این جاده‌ی تکامل و تعالی، آن که حرکت میکند، انسان است. در حقوق اجتماعی، فرقی بین زن و مرد نیست. در حقوق شخصی و فردی، بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. در چند مسئله‌ی اختصاصىِ شخصی امتیازاتی به زن داده شده است، در چند مسئله امتیازاتی به مرد داده شده؛ آن هم بر اساس اقتضای طبیعت زن و مرد؛ این اسلام است؛ متین‌ترین، منطقیترین، عملیترین قوانین و حدود و مرزهائی که ممکن است انسان در زمینه‌ی مسئله‌ی جنسیت فرض کند. باید دنبال این راه رفت؛ یکی از اساسی‌ترینش تشکیل خانواده است، یکی از اساسی‌ترینش اهتمام به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی است؛ که این به عهده‌ی کدبانوی خانه است.مادر میتواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالائی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت میکنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود.یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زنها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این میشود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهائی که داشتیم، با عدم دقتهائی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم میبینیم؛ که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهائی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.فرزندآوری یکی از مهمترین مجاهدتهای زنان و وظائف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل میکند، اوست که رنجهایش را می‌برد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندامهای جسمانیاش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زنها است. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.احترام زن و تکریم زن، یک مسئله است - که این حتماً باید مورد توجه و عنایت خاص باشد - رفتارهای زنان در محیط خانوادگی، در محیط کسب و کار، در محیط سیاست، در محیط اجتماعی، یک مسئله است؛ رفتار با زنان هم یک مسئله است. رفتار با زنان، ناظر به مردان است؛ چه مردان خانواده - مثل پدران، برادران و همسران - چه مردانی که در محیطهای کار برخورد میکنند. رفتار با زن باید احترام‌آمیز، محبت‌آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفت باشد. بنابراین، هم تکریم زن، هم وظیفه‌ی زن، هم وظیفه‌ی نسبت به زن، جداگانه باید مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار بگیرد.مربوط به :[**بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک - 1391/12/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22168)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :ورزش قهرمانی، امروز که مسابقات بین‌المللی باب است و رائج است، مظهر تمایلات و استعدادها و تشخّص و هویت یک ملت است؛ و این خیلی چیز مهمی است. اینکه شماها در میدانهای ورزشی، با اخلاق انسانی و با جوانمردی ظاهر شوید - و خوشبختانه ظاهر میشوید - از نظر بینندگان بین‌المللی، که امروز دیگر میلیونها و در مواردی میلیاردها تماشاچی وجود دارد و مطلع میشوند، پیام‌آور یک حقیقتی است از داخل کشورتان، که این حقیقت را با هیچ زبان دیگری نمیشد تبلیغ کرد. یک قهرمان با جوانمردىِ خودش تبلیغ میکند، با تدینِ خودش تبلیغ میکند. این مسئله‌ی بانوان و دختران ورزشکار ما که با حجاب در میدان میروند، خیلی چیز مهمی است. من نمیدانم کسانی که درصدد ارزیابی حوادث کشورند، یک ارزیابی درستی از این قضیه دارند یا نه. این، فوق‌العاده است. در کشوری از کشورهای اروپا، یک زنی را به جرم باحجاب بودن، جرأت میکنند چاقو میزنند و او را میکُشند؛ آن هم در دادگاه و جلوی چشم قاضی! اینجوری است. خجالت نمیکشند؛ در دانشگاه، در ورزشگاه، در پارک، در خیابان، به حکم قانون - قانونی که جعل کرده‌اند - متعرّض زن محجبه میشوند. آن وقت در این فضا، توی این کشورها، یک زن محجبه در موضع قهرمان بر روی سکوی قهرمانی می‌ایستد و همه را وادار میکند به این که او را تکریم و تجلیل کنند. این چیز کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ این کار خیلی باعظمت است. واقعاً همه باید قلباً از زنان ورزشکار ما که در میدانها با حجاب، با عفاف، با متانت و با وقار حاضر میشوند، تشکر کنند.مربوط به :[**بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» - 1391/04/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :این اجتماع شما به نظر من بسیار حائز اهمیت است. اجتماع بانوان نخبه از شرق و غرب دنیای اسلام، اهمیتی دارد بیش از اهمیت یك اجلاس برای بیداری اسلامی. این اهمیت از این جهت است كه فرصت شناسایی یكدیگر، پیدا كردن یكدیگر برای بانوان نخبه‌ی دنیای اسلام، در این اجلاس فراهم شده است. و این بسیار مهم است. صد سال است كه فرهنگ غربی به پشتوانه‌ی پول و زور و سلاح و دیپلماسی، سعی میكند فرهنگ غربی را و اسلوب زندگی غربی را بر جوامع اسلامی در میان زنان تحمیل كند. صد سال تلاش شده است برای اینكه زن مسلمان را از هویت خود بیگانه كنند. تمام عوامل اثرگذاری و قدرت به كار رفته است: پول، تبلیغات، اسلحه، فریبنده‌های گوناگون مادی، استفاده‌ی از غرائز طبیعی جنسی انسان؛ همه‌ی اینها را استخدام كرده‌اند برای اینكه زن مسلمان را از هویت اسلامی خود دور كنند. امروز اگر شما بانوی نخبه‌ی اسلامی تلاش كنید كه این هویت را به زن مسلمان برگردانید، بزرگترین خدمت را به امت اسلامی و به بیداری اسلامی و به عزت و كرامت اسلامی كردید. این اجتماع میتواند گام بلند و مؤثری در این راه باشد. به نشستن دور یكدیگر و چند روز گفتگو كردن اكتفا نكنید و این دیدار را مقدمه‌ی یك حركت بزرگ و ماندگار قرار بدهید كه بر دنیای اسلام اثر بگذارد و میتواند اثر بگذارد. بیداری زنان، احساس شخصیت و هویت در میان بانوان، آگاهی و بصیرت در میان جامعه‌ی زن، تأثیرش بر روی بیداری اسلامی و عزت اسلامی یك تأثیر مضاعف است. این مطلب اول.مربوط به :[**بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» - 1391/04/21**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388)عنوان فیش : زن در اسلام, کرامت زن, هویت اسلامیکلیدواژه(ها) : [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249), [هویت اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1680)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :امروز اگر شما بانوی نخبه‌ی اسلامی تلاش كنید كه هویت اسلامی را به زن مسلمان برگردانید، بزرگترین خدمت را به امت اسلامی و به بیداری اسلامی و به عزت و كرامت اسلامی كردید.مربوط به :[**خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی - 1390/11/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :ایران اسلامی در عرصه‌ی علم، تکنولوژی، حقوق اجتماعی، عدالت اجتماعی، توسعه، بهداشت، تأمین کرامت زنان و حقوق اقلیتهای دینی و ... گامهای بزرگ و بی‌نظیری برداشت. ما ضعفهای خود را نیز میشناسیم و بعون‌اللّه درمان میکنیم ان‌شاءاللّه.مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :من امشب از اولین سخنران که مطالبی را بیان کردند، تا آخر، این روح را دیدم؛ دیدم نگاه، نگاه انتقادی است به وضعی که در غرب در مورد زن و بخصوص در مورد خانواده وجود دارد. البته انتقادهائی که شما به غرب کردید، بیشتر در زمینه‌ی خانواده بود؛ اما عقیده‌ی من این است که بیشترین جریمه‌ی غرب در مسئله‌ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با یک جمله و دو جمله نمیشود توصیف کرد. بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن را همین سیاست غربی دارد انجام میدهد. همین فمینیستهای افراطی هم - که خب، لایه‌های متعددی دارند - من حیث لایشعر دارند به زن ضربه میزنند. حالا من حیث لایشعر که میگوئیم، نگاه خوشبینانه است - یعنی اینهائی که دست‌اندرکارند، ظاهراً نمیفهمند چه کار دارند میکنند - احتمال دارد سیاستگذارانی، برنامه‌ریزانی در پشت صحنه هستند که آنها میفهمند دارند چه کار میکنند؛ کمااینکه این احتمال در همان پروتکلهای صهیونیسم کاملاً پیش‌بینی شده. یعنی ضایع کردن جنس زن و او را مظهری برای استفاده‌ی شهوانی مرد قراردادن، در مواد آن پروتکلها هست. حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لیکن وقتی آدم دستگاه صهیونیسم و شبکه‌ی تبلیغاتی صهیونیسم را ملاحظه میکند، میبیند عملاً همین کار را میکنند؛ حالا اگر هم برایشان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام میدهند؛ ملتزمند این کار را بکنند، و دارند میکنند. زن را ضایع میکنند. یعنی آنچنان رسم و عرف و عادتِ لایتخلف شده که کسانی جرأت نمیکنند برخلاف آن رفتار کنند. در یک مجلس رسمی، یک مرد باید با لباس رسمی بیاید؛ پاپیون بزند، یقه‌اش بسته باشد، آستینش هم تا سر مچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد تیشرت بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسه‌ی رسمی، حتماً بایستی بخشهای مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده‌ی کامل بیاید، محل اشکال است؛ اگر بدون جذابیتها بیاید، محل اشکال است؛ اگر آرایش‌نکرده بیاید، محل اشکال است! این شده عرف. افتخار هم میکنند. در غرب، بخصوص در آمریکا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاندیناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضه‌ی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامه‌ها و مجلات هم تبلیغ میشود، هیچ کس هم اعتراض نمیکند! این شده عرف، این شده عادت. چه ضربه‌ای برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنانِ خودشان را میگویم، و کشورهائی که دنباله‌رو آنهایند، نه زنان ما را - یکی از بزرگترین ضربه‌هائی است که دارند میزنند. بنابراین نباید در مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه‌ی زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیقی به سر می‌برد. فقط خانواده نیست؛ بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجیبی است.مربوط به :[**بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد - 1386/10/13**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3416)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :حجاب، تکریم آن کسی است که در حجاب است. حجاب زن، تکریم زن است. در بیشتر کشورها - حالا من «بیشتر» که میگویم، چون همه را اطلاع ندارم - در گذشته، در قدیم، در همین اروپا تا دویست سیصد سال پیش زنهای اعیان و اشراف حجابی روی صورتشان میانداختند؛ در بعضی از فیلمهای قدیمی شاید دیده باشید. یک حجاب میانداختند که چشمها به روی آنها نیفتد. این، تکریم است. در ایران باستانی زنهای اعیان و اشراف و رؤسا همه باحجاب بودند؛ زنهای افراد پائین و طبقات پست، نه، بیحجاب هم میآمدند؛ مانعی هم نبود. اسلام آمد این تبعیض را گذاشت کنار، گفت نخیر، زن باید باحجاب باشد؛ یعنی این تکریم مال همه‌ی زنان است. این است نظر اسلام. آن وقت آنها حالا شده‌اند طلبکار، ما شده‌ایم بدهکار! آنها بدهکارند؛ آنها باید بگویند چرا زن را مثل یک کالا وسیله‌ی شهوت‌رانی قرار دادند. یک آماری را همین دیروز برای من نقل کردند - آمار مال یک هفته قبل است - که یک سوم زنهای دنیا از دست مردها کتک میخورند! به نظر من اشک انسان در می‌آید؛ این گریه‌آور است. و این بیشتر در کشورهای صنعتی است؛ در کشورهای فرنگی است و ناشی از همان خشونتهای جنسی و مطالبات خشن جنسی است که مرد از زن دارد. این هوچیگریهای آنها در مورد زن است؛ آن وقت راجع به زن بحث میکنند: شما حجاب را اجباری کردید. خود آنها بیحجابی را اجباری میکنند، دختر دانشجو را تو دانشگاه راه نمیدهند، به خاطر اینکه روسری دارد، آن وقت به ما میگویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده‌دری و بیاحترامی به زن است. و از این قبیل مواردی هست که اینها هوچیگریهای غرب است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1384/05/05**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه میکند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه میکند، به‌هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌یی بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده‌ی مغرض هم از این کج‌فهمی استفاده کردند؛ کأنّه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این‌طوری نیست؛ هم باید مادرِ خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌اللَّه‌علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شؤون مختلف. زینب کبری نمونه‌ی دیگر است. زن‌های معروف صدر اسلام و زن‌های برجسته، نمونه‌های دیگرند؛ اینها در جامعه بودند و حضور داشتند. نفهمیدنِ مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزیهای القاء شده‌ی به عنوان تکریم زن در تمدن غرب؛ اینها با هم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری به‌وجود آورده. زن در داخل خانواده، عزیز و مکرّم و محور مدیریت درونی خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه‌ی انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده - که حوضچه‌ی آرامش زندگىِ پُرچالش و پُرتلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام میگیرد و سکینه و اطمینان پیدا میکند. آن وقت نقش او به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه‌ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد.مربوط به :[**پیام به کنگره‌ی عظیم حج - 1382/11/08**](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=122)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :امروز جهان غرب است که باید به لحاظ نظری و عملی در این موضوعات به چالش کشیده شود و در برابر افکار عمومی جهان پاسخگو باشد. جهان غرب باید درباره کشتار کودکان خردسال در فلسطین، درباره حقوق زن و حفظ کرامت او، درباره حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود، درباره حق ملت ها در بهره گیری از ثروت های خود و حتی درباره آزادی شهروندان خود پاسخگو باشد.مربوط به :[**بیانات‌ در دیدار مردم زاهدان - 1381/12/02**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3166)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :زنهای ما هم به فضل الهی در دوره حاکمیت اسلام مثل مردها در جبهه‌های دفاع از مقدّسات و ارزشها ایستاده‌اند. این جوانانی که در جبهه جنگ یا در مبارزه با اشرار و مفسدان اجتماعی و اقتصادی به شهادت رسیدند، پرورش یافته همین دامنهای پاکند. البته در این‌جا باید عرض کنم در بعضی از مناطق کشور ما از جمله در همین منطقه، نیاز هست به این‌که احترام، حرمت و کرامت زن بیشتر حفظ شود. زن بلوچ، زن مظلومی است: فرزند زیاد، ازدواج تحمیلی، فرزند تحمیلی و عدم فرصت برای بازیافتن خود و هویّت خود از جمله چیزهایی است که من در مدت اقامت در بلوچستان از نزدیک شاهد بودم. مردهای بلوچ باید زنهای خود را بیشتر ملاحظه کنند. زنهای بلوچ همان کسانی هستند که این جوانان رشید را در دامان پاکشان پرورش دادند. زن بلوچ مثل مرد بلوچ و زن سیستانی مثل مرد سیستانی دارای کرامت و شجاعت و عزّت است و این عزّت باید حفظ شود.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :مسأله بعد، مسأله اهمیت دادن به عفاف در زن است. هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام میگیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد. همان‌طور که عرض کردم، در غرب به خاطر این‌که به این نکته توجّه نشد - یعنی مسأله عفت زنان مورد اهتمام قرار نگرفت و به آن اعتنایی نکردند - کار به این بیبندو باریها کشید. نباید بگذارند عفّت زن - که مهمترین عنصر برای شخصیت زن است - مورد بیاعتنایی قرار گیرد. عفّت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتّی در چشم خودِ مردان شهوتران و بیبندوبار است. عفّت زن، مایه احترام و شخصیت اوست. این مسأله حجاب و مَحرم و نامَحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگهداشته شود. اسلام به مسأله عفاف زن اهمیت میدهد. البته عفاف مرد هم مهمّ است. عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عفیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، میتواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفّت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است.مربوط به :[**بیانات در اجتماع بزرگ مردم اهواز - 1375/12/18**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2828)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :عدالت، از بین رفتن تبعیض و فقر و جهل و محرومیت و نادانیهای نفوذ و رسوب کرده در اذهان بخشی از مردم در گوشه و کنار کشور، چیزهایی است که باید انجام گیرد. ما اگر سازندگی را باز هم پیش ببریم، اما در جهت استقرار عدالت و از بین بردن تبعیض و ایجاد برابری حقوق و احیای کرامت زن و مرد مسلمان فعّالیتی نکنیم، موفقیّتی به دست نیاورده‌ایم. موفقیّت، آن وقتی است که بتوانیم معنویّت و دین و اخلاق و عدالت و معرفت و سواد و تواناییهای گوناگون را در میان جامعه مستقر کنیم.مربوط به :[**بیانات در اجتماع بزرگ مردم اهواز - 1375/12/18**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2828)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :نکته دوم که از لحاظ اهمیّت، بلافاصله بعد از آن نکته اوّل است و بخصوص در استان شما و بعضی از استانهای دیگر باید مورد توجّه قرار گیرد، این است که من طبق گزارشها اطّلاع پیدا کردم که هنوز در گوشه و کنار این استان و در بعضی جاها، عادات غلط و جاهلی نسبت به زن مسلمان وجود دارد؛ عاداتی که زن را از استقلال و شخصیت خود و از کرامتی که اسلام برایش معیّن کرده است، محروم میکند. در دوران نظام اسلامی، این طور زواید فکری و خرافات، قابل قبول نیست. من از بانوان - که در درجه اوّل خودِ بانوان باید بخواهند که بر طبق سیره اسلامی با آنها عمل شود - و همچنین از همه برادران - چه برادران عرب، چه برادران بختیاری و لُر، یا برادران دیگر - خواهش میکنم که اگر در میان آنها عادات و روشهای غلطی از گذشته نسبت به زنان باقی است، آن را کنار بگذارند، تا خواهران هم بتوانند در میدانهای اجتماعی وارد شوند، تحصیل علم و معرفت کنند، خانواده‌ها را آباد کنند، فرزندان با معرفت و باکمال و عاقل و آینده سازی را تربیت کنند، یا در هر میدان دیگری که میخواهند یا میتوانند، فعالیت نمایند. این، آن چیزی است که اسلام خواسته است و به فضل پروردگار بایستی در نظام جمهوری اسلامی تأمین شود.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1371/09/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645)عنوان فیش : عصمت, زن, زن در اسلام, عفت, حجاب, حجاب, کرامت زنکلیدواژه(ها) : [عصمت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1350), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [عفت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1351), [حجاب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1268), [حجاب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1268), [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ كرامت انسانی، به آرایش نكردن در مقابل مرد بیگانه دعوت می‌كنیم.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1371/09/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :از روزی که اروپاییها، صنایع جدید را به‌وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده‌بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بیتوقّع و کم‌دردسر داشتند، زمزمه «آزادی زن» را بلند کردند؛ برای این‌که زن را از داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها بکشانند؛ به عنوان یک کارگزار ارزان از او استفاده‌کنند، جیبهای خودشان را پرکنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند. امروز آنچه که به عنوان «آزادی زن» در غرب مطرح است، دنباله همان داستان و همان ماجراست. لذا ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده‌است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بیسابقه‌است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده‌است، اما این ظلمِ عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدّن غرب است. زن را به عنوان وسیله التذاذ مردان معرفی کردند و اسمش را «آزادی زن» گذاشتند! درحالی که به واقع آزادی مردان هرزه برای تمتّع از زن و نه آزادی زن بود. نه‌فقط در عرصه کار و فعالیت صنعتی و امثال آن، بلکه در عرصه هنر و ادبیّات هم به زن ظلم کردند. شما امروز، در داستانها، در رمانها، در نقّاشیها، در انواع کارهای هنری نگاه کنید، ببینید با چه دیدی به زن نگریسته‌میشود؟ آیا جنبه‌های مثبت و ارزشهای والایی که در زن هست، مورد توجّه قرار میگیرد؟ آیا آن عواطف رقیق، آن مهربانی و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته‌است - خوی مادری، روحیه نگهداری از فرزند و تربیت فرزند - مورد توجّه است یا جنبه‌های شهوانی و به تعبیر آنها عشقی؟ (که این تعبیر غلط و نادرستی است. این شهوت است نه عشق!) زن را این‌گونه خواستند پرورش و عادت دهند: به‌عنوان یک موجود مصرف‌کننده. مصرف کننده دست و دل‌باز و کارگر کم‌توقّع و کم‌طلب و ارزان.اسلام اینها را برای زن ارزش نمیداند. اسلام با کارکردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آن‌جا که مزاحم با شغل اساسی و مهمترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم میداند. یک کشور که نمیتواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بینیاز باشد! اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته‌باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند. تکبر از همه انسانها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم! زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبّر باشد. «فلا تخضعن بالقول»؛ در حرف‌زدن مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته‌باشد. این، برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را میخواهد و این الگوی زن مسلمان است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1371/09/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :من بارها به گویندگان و مبلّغین قضیه زن عرض کرده‌ام: این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم؛ این فرهنگ منحط غرب است که باید از خودش دفاع کند. آنچه را که ما برای زن عرضه میکنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند با انصافی نمیتواند منکر شود که «این برای زن خوب است.» ما زن را به عفّت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بیحد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه - برای آن‌که چشم او لذّت نبرد - دعوت میکنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است. آنهایی که زن را تشویق میکنند که خود را به گونه‌ای آرایش دهد که مردان کوچه و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضا کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین می‌آورند و تذلیل میکنند!؟ آنها باید جواب بدهند. فرهنگ ما، فرهنگی است که انسانهای والا و اندیشمند غرب هم آن را میپسندند و رفتارشان همین‌طور است. در آن‌جا هم خانمهای عفیف و سنگین و متین و زنهایی که برای خودشان ارزشی قائلند، حاضرنیستند خودشان را برای ارضای غرایز شهوانی بیگانگان و هرزه‌چشمها وسیله‌ای قرار دهند. فرهنگ منحط غربی، از این قبیل زیاد دارد.مربوط به :[**بیانات در دیدار اعضای مجمع نویسندگان مسلمان - 1370/07/28**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2504)عنوان فیش : کرامت زنکلیدواژه(ها) : [کرامت زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3249)نوع(ها) : جستارمتن فیش :من موافقم که شما در خود این مجموعه که نشسته‌اید، روی این مسأله فکر کنید که برای اجرای این تصمیمات چه کار باید کرد. ای بسا تصمیمی را طوری بشود اجرا کرد، که تصمیم دیگر را آن‌گونه نشود. بنابراین، میشود حتّی موردی بحث کنیم. شما به تصمیمی میرسید، بعد میگویید فرضاً فلان طور فیلمی وارد بشود، یا وارد نشود، یا مثلاً ده فیلم در این مقوله ساخته بشود؛ این یک تصمیم است. ممکن است تصمیم شما این باشد؛ خیلی خوب، حالا میخواهیم ده حلقه فیلم بسازیم. فرض بفرمایید در همه‌ی زمینه‌های مربوط به زن - مثلاً از کرامت زن، از حجاب زن و ... - و سایر مسائلی که در جامعه مطرح است، باید ده حلقه فیلم ساخت؛ خیلی خوب، حالا میخواهیم این را اجرا کنیم. اجرای این، نیروی انسانی میخواهد، پول میخواهد، ابزار میخواهد؛ این ابزار در بعضی از مراکز هست، باید به اینها دستور داده بشود که مثلاً کارگردانی با هنرپیشه‌های خودش می‌آید و میخواهد از امکانات این‌جا استفاده کند. ممکن است با فشار و با هُل ما این قضیه به صورت موردی حل بشود. بنابراین، گاهی هم میشود موردی تصمیم‌گیری کرد. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از شعرای آئینی - 1390/03/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12727)عنوان فیش :تغییر حالِ قدسی مشهدی؛ نمونه‌ی بارز تاثیر محیط بر شاعرکلیدواژه(ها) : [قدسیِ مشهدی، محمد جان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2459), [محیط اخلاقی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3283), [جلسات شعر](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5066), [تاریخ صفویه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3917)نوع(ها) : روایت تاریخیمتن فیش :ایشان [محمد جان قدسیِ مشهدی] جزو شعرای برجسته‌ی سبک هندی است در دوره‌ی صفویه - قرن یازدهم - اشعارش جزو قوی‌ترین شعرهاست. من اعتقادم این است که بعد از صائب در آن سبک، واقعاً مثل محمد جان شاید یکی دو تا بیشتر نباشند. او در مشهد که بوده، یکی از خادمان آستان قدس و مداح حضرت رضا بوده و شعرهایش شعرهای دینی است و دیوانش هم پر از این اشعار است. دیوان حاج محمد جان را نگاه کنید؛ از این قصائد زیاد دارد. او بعد به هند سفر میکند. همنشینی با امرای هند و سلاطین هند و آن دستگاه‌های بی‌بندوباری که آن روز بودند، این آقا را کأنه از این رو به آن رو میکند. انسان میتواند این را در غزلهای او ببیند. من خیلی اوقات به این فکر هستم. این شعر مال محمد جان قدسی است:پارسا در مجلس رندان نشستن خوب نیست‌هر که امشب می نمینوشد به ما منسوب نیست‌در چنین فصلی که بلبل مست و گلشن پر گل است‌گر همه پیمانه‌ی عمر است خالی خوب نیست‌یعنی یک مستِ رندِ الواتِ عرق‌خور تحویل محیط مجموعه‌ی شعری داده شده؛ از کی؟ از آن انسانِ پارسای پاکِ متعبدی که در مشهد مدح امام رضا را میگفت! خب، آن محیط اینجور پرورش میدهد. بنابراین مراقب محیطها باشید؛ و این هم با ارتباطهای پیوسته‌ی شما با همدیگر حاصل خواهد شد. به نظر من جلسات شعرای مادح اهل‌بیت - چه جوانها، چه پیشکسوتها و قدیمی‌ها - با یکدیگر، باید جلسات مستمری باشد. البته معنایش این نیست که لزوماً یک جلسه باشد؛ نه، باید جلساتی وجود داشته باشد برای همین که در این محیط، استعدادهای جوشان جوان رشد پیدا کند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی - 1371/06/04**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2632)عنوان فیش : محیط اخلاقی, اسلامکلیدواژه(ها) : [محیط اخلاقی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3283), [اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1147)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :با عواملی که محیط را از شکل اسلامی خارج می کنند، مقابله کنید. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور - 1393/01/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26155)عنوان فیش :دنباله‌روی فکر غربی در مسأله خانواده نباید بودکلیدواژه(ها) : [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :فقه ما فقه مترقّی و برجسته‌ای است. یک چیزهایی از آن را بعضی میگیرند، یک چیزهایی از آن را فراموش میکنند، یک چیزهایی را هم به‌خاطر هماهنگی با این افکار هوچیگرانه‌ی غربی از این‌رو به آن‌رو میکنند؛ این را هم دیده‌ایم ما.بعضی‌ها برای اینکه غربی‌ها بدشان نیاید، بعضی از حقایق احکام اسلامی را، واضحات احکام اسلامی را عوض میکنند. قرآن میفرماید: وَ اِن تُطِع اَکثَرَ مَن فِی الاَرضِ یُضِلّوکَ عَن سَبیلِ‌اللهِ اِن یَتَّبِعونَ اِلّا الظَّنَّ وَ اِن هُم اِلّا یَخرُصُون؛(1) دنباله‌روِ فکر رایج در دنیای جهل و خرافه نباید بود؛ فکر اسلامی را باید پیدا کرد، دنبال آن باید رفت، ولو حالا یک عدّه‌ای بد بگویند. این هم یک مسئله است؛ بنابراین مسئله‌ی اصلی را باید پیدا کرد. به نظر من مسئله‌ی اصلی، یعنی یکی از مسائل اصلی، مسئله‌ی خانه و خانواده است: امنیّت زن در محیط خانواده؛ فرصت زن در محیط خانواده و خانه‌داری برای بُروز استعدادها؛ [چیزی‌] مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود - [برای] کسی که اهل این چیزها است - میدان برای این کارها فراهم باشد؛ این اساس قضیّه است.1 ) سوره مبارکه الأنعام آیه 116وَإِن تُطِع أَكثَرَ مَن فِي الأَرضِ يُضِلّوكَ عَن سَبيلِ اللَّهِ ۚ إِن يَتَّبِعونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِن هُم إِلّا يَخرُصونَترجمه :اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند؛ (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می‌نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می‌زنند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : مسئله خانواده, زنکلیدواژه(ها) : [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :اگر ما توانستیم در زمینه‌ی زن و خانواده و مادر و همسر، درست فکر کنیم، درست تصمیم بگیریم و درست عمل کنیم، بدانید که آینده‌ی این کشور تضمین شده است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1376/07/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859)عنوان فیش : خانواده, غرب, خانواده در غرب, مسئله خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2032), [خانواده در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1284), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به‌شدّت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله‌ی خانواده است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از پرستاران - 1373/07/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729)عنوان فیش : خانواده در اسلام, مسئله خانواده, خانوادهکلیدواژه(ها) : [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [مسئله خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3307), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :اسلام به خانواده اهمیت می‌دهد. تمام دعوای امروزِ بلندگوها و بوقهای تبلیغاتیِ غربی با مسلمین هم بر سرِ همین است. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| نقش زن در خانوادهمربوط به :[**بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام - 1396/12/17**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136)عنوان فیش :زن مایه‌ی سکونت و آرامش استکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1317), [زنِ نه شرقی نه غربی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3753), [خانه‌داری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=15425)نوع(ها) : قرآنمتن فیش :آن کسانی که کانون خانواده را تحقیر میکنند، خیانت میکنند؛ هم به ملّت، هم به زن [یعنی] به جامعه‌ی زنان. آن کسانی که وانمود میکنند عدالت جنسیّتی به این است که در همه‌ی میدانهایی که مردها وارد میشوند، زنها هم باید وارد بشوند، اینها خیانت میکنند به اعتماد زن و به حرمت و شخصیّت و هویّت زن. زن محترم است، هیچ‌کس هم نگفته که زن در میدانهای اجتماعی وارد نشود یا مسئولیّت نگیرد یا علم پیدا نکند؛ نه، امروز جزو بهترین دانشمندان ما، جزو بهترین نویسندگان ما، جزو بهترین شخصیّت‌های فرهنگی ما، زنان بی‌شماری هستند که امروز در جامعه‌ی ما حضور دارند؛ این هم هنر انقلاب است؛ این را بدانید، قبل از انقلاب چنین چیزی وجود نداشت! بسیار بسیار معدود بودند کسانی از زنان که توانسته باشند به رتبه‌های عالی علمی و فرهنگی و ادبی و مانند اینها برسند؛ امروز بسیار زیادند؛ این هنر انقلاب بود که این کار را کرد؛ این به‌خاطر همین است که الگوی زن مسلمان اصلاً این است؛ امّا درعین‌حال مدیر خانواده زن است، محورِ کانونِ خانواده زن است، مهم‌تر از همه‌ی مشاغل زن، مادری، همسری و ایجاد آرامش و سکینه است. وَ جَعَلَ مِنها زَوجَها لِیَسکُـنَ اِلَیها؛(1) مایه‌ی سکونت و آرامش است؛ این خصوصیّت زن در اسلام است و در روزِ زن این چیزها را بایستی انسان توجّه کند. البتّه به بانوان محترم ایرانی و مسلمان و مؤمنِ به این مفاهیم اسلامی و قرآنی، توصیه میکنیم که اینها را حفظ کنند، روز‌به‌روز افزایش بدهند؛ از آفتهایی مثل اسراف، مثل چشم‌وهمچشمی‌های منفی -مثل رقابتهای منفی، مثل الگو گرفتن از زن منحرف غربی- پرهیز کنند؛ مراقب خودشان باشند. زن مسلمان، امروز در کشور ما سرافراز است. زن ایرانی این امتیاز را دارد که هویّت مستقلّ فرهنگی دارد و تحت تأثیر دیگران قرار نمیگیرد؛ این را باید در خودتان حفظ کنید.1 ) سوره مبارکه الأعراف آیه 189هُوَ الَّذي خَلَقَكُم مِن نَفسٍ واحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنها زَوجَها لِيَسكُنَ إِلَيها ۖ فَلَمّا تَغَشّاها حَمَلَت حَملًا خَفيفًا فَمَرَّت بِهِ ۖ فَلَمّا أَثقَلَت دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُما لَئِن آتَيتَنا صالِحًا لَنَكونَنَّ مِنَ الشّاكِرينَترجمه :او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!»مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1392/02/11**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443)عنوان فیش : خانه‌داری, خانواده در اسلام, اشتغال بانوانکلیدواژه(ها) : [خانه‌داری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=15425), [خانواده در اسلام](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1283), [اشتغال بانوان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2727)نوع(ها) : فیش موضوعیمتن فیش :یکی از مهمترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زنها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این میشود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حسّاس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهائی که داشتیم، با عدم دقتهائی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم میبینیم. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام - 1395/12/29**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36053)عنوان فیش : نقش مادریکلیدواژه(ها) : [نقش مادری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3383)نوع(ها) : جستارمتن فیش :فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) یک زن اسلامی است، زنِ در بالاترین طراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر، امّا همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی میتوانست پیغمبر باشد، همین زن مادری میکند، همسری میکند، خانه‌داری میکند؛ ببینید اینها را باید فهمید. این فریفتگان غافلِ -انسان چه بگوید؟- حرفهای پوچ غربی‌ها، این‌قدر خانه‌داری را تحقیر نکنند. معنای خانه‌داری زن تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر. خانه‌داری یعنی این. ما در روز ولادت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) جا دارد که حدّ زن مسلمان را درست تشخیص بدهیم. امروز را روز زن و روز مادر نام‌گذاری کرده‌اند؛ خیلی خیلی خوب است؛ میشد گفت روز رهبر، اشکالی نداشت؛ میشد گفت روز والاترین انسان؛ امّا امروز نیاز جامعه‌ی ما به این است که بداند مادری یعنی چه؟ زنِ خانه بودن یعنی چه؟ کدبانو بودن یعنی چه؟ فاطمه‌ی زهرا با آن شأن و با آن رتبه و با آن مقام و با آن عظمت، یک خانم خانه‌دار است؛ این تحقیر او نیست؛ او که با آن عظمت قابل تحقیر نیست، مگر این عظمت را میشود کوچک شمرد؟ این عظمت به جای خود محفوظ است، امّا یکی از شئون و یکی از مشاغل همین عظمت عبارت است از همسر بودن یا مادر بودن و خانه‌داری کردن؛ با این چشم به این مفاهیم نگاه کنیم.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از مداحان - 1384/05/05**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298)عنوان فیش : نقش مادریکلیدواژه(ها) : [نقش مادری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3383)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :همه تحت تأثیر مادران هستند. آن‌که بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است.مربوط به :[**بیانات در اجتماع زنان خوزستان - 1375/12/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284)عنوان فیش : تربیت اسلامی, محبت, نقش مادری, تربیت کودکانکلیدواژه(ها) : [تربیت اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1733), [محبت](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1396), [نقش مادری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3383), [تربیت کودکان](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4434)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبّت او پرورش پیدا کند.مربوط به :[**بیانات در اجتماع زنان خوزستان - 1375/12/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284)عنوان فیش : زن مسلمان ایرانی, زن, خانواده, نقش مادریکلیدواژه(ها) : [زن مسلمان ایرانی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1706), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [خانواده](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1282), [نقش مادری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3383)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیّت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است.مربوط به :[**بیانات در اجتماع زنان خوزستان - 1375/12/20**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284)عنوان فیش : زن, زن مسلمان ایرانی, نقش مادریکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [زن مسلمان ایرانی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1706), [نقش مادری](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3383)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :از همه‌ی کارهای زن مهمتر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدانهای بزرگ است، و خدا را شکر می‌کنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است. |

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

|  |
| --- |
| مربوط به :[**بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی - 1390/10/14**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453)عنوان فیش :مخالفت عده ای از علما با حضور زنان در تظاهرات انقلابکلیدواژه(ها) : [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [حضور زنان در صحنه](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4004), [نگاه غلط به زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4510), [حضور مردم در انقلاب اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4083), [اعتماد امام خمینی(ره) به مردم](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4406), [تاریخ فعالیتها و مبارزات آیت الله خامنه ای قبل از](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=5309)نوع(ها) : روایت تاریخیمتن فیش :اصلاً نمیشود نقش زنان را محاسبه کرد. و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچکدام از ماها نمیفهمیدیم - همچنان که امام نقش مردم را فهمید. امام تأثیر حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که هیچ کس درک نمیکرد. بزرگانی با یک تعبیرات زشتی به ما میگفتند که شما فکر میکنید با همین مردم میشود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با تحقیر حرف میزدند، کأنه اصلاً انسان نیست آن کسی که به او اشاره میکنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، توانائیهای آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاکِ بزرگِ نورانی بیرون میآمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند توی میدان. آن روزی که روز تشکیل کمیته بود، از همه‌ی قشرها آمدند توی کمیته؛ دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچه و بازار آمدند؛ آمدند عضو کمیته شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل میدان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود باید بروید، بسازید، درست کنید - استغناء - آمدند وارد میدان سازندگی شدند. آن راهگشائیها تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هرچه ما داریم پیش میرویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست میشود.امام در زمینه‌ی زن هم همین جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ والّا بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت بکنند یا نکنند! آنها میگفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه میداد، خاطرجمع میشد، تا بتواند در مقابل اینجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه میشد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالآبدین بر این مرد بزرگ باد.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان‌ - 1379/06/30**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024)عنوان فیش : غرب, الگوی غربی زن, زن, بحران زن, زن در غرب, نگاه غلط به زنکلیدواژه(ها) : [غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2032), [الگوی غربی زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1165), [زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316), [بحران زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2830), [زن در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3576), [نگاه غلط به زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4510)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :غربیها درباره‌ی جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آنها به زن خیانت كردند.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از زنان - 1371/09/25**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645)عنوان فیش : زن در غرب, الگوی غربی زن, حقوق زنان در غرب, نگاه غلط به زنکلیدواژه(ها) : [زن در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3576), [الگوی غربی زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1165), [حقوق زنان در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3580), [نگاه غلط به زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4510)نوع(ها) : جمله‌های برگزیدهمتن فیش :ظلمى که در فرهنگ غربى به زن شده است و برداشت غلطى که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بى‌سابقه است.مربوط به :[**بیانات در دیدار جمعی از بانوان پزشک سراسر کشور - 1368/10/26**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2250)عنوان فیش :نبودِ حق رای و تصرف در سرمایه برای زنان اروپایی تا اوائل قرن 19کلیدواژه(ها) : [حقوق زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1273), [حقوق زنان در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3580), [نگاه غلط به زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4510), [حق مالکیت زنان در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3578), [زن در غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3576), [تاریخ غرب](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3891)نوع(ها) : روایت تاریخیمتن فیش :در همه‌ی برداشتها و تحلیلها و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد، جایگاه غلطی است و نسبت زن و مرد، نسبت غلطی می‌باشد. حتّی در تمدنهای خیلی بلند پایه‌ی دنیای باستان - مثل تمدن روم یا ایران - برداشت از زن، یک برداشت غلط است که من دیگر نمی‌خواهم جزییات و تفاصیل را بیان کنم و لابد خودتان می‌دانید و می‌توانید هم مراجعه کنید. امروز هم وضع دنیا همین گونه است. امروز هم علی‌رغم همه‌ی این جنجالها و هیاهوها و ادعاهایی که در حمایت از زن و موضع انسانی او می‌شود، متأسفانه همین برداشت غلط وجود دارد و اروپاییها چون دیرتر از کشورهای اسلامی و کشورهای غیر اروپایی وارد میدان شدند، نسبت به مسأله‌ی زن دیرتر تنبه پیدا کردند. می‌دانید که تا دهه‌های دوم این قرن، هیچ زنی در هیچ جای اروپا، حق رأی نداشت. آن جاهایی هم که دمکراسی بود، زن حق صرف کردن مال خودش را نداشت. از دهه‌ی دوم - یعنی از سالهای هزار و نهصد و شانزده یا هیجده به بعد - آرام آرام در کشورهای اروپایی، تصمیم گرفتند که به زن حق اعمال نظر و تصرف در سرمایه‌ی خود و حقوق اجتماعیِ متساوی با مرد بدهند. بنابراین، اروپا خیلی دیر از خواب بیدار شد و خیلی دیر مسأله را فهمید. مثل این‌که می‌خواهد با جنجالهای دروغین، از لحاظ زمان جبران این عقب‌افتادگی را بکند. البته در تاریخ اروپا، خانمهایی که ملکه می‌شدند و یا اشرافی بودند، وجود داشت؛ اما حکم یک زن و زنان یک فامیل یا یک تیره یا یک طبقه، غیر از مسأله‌ی زن است. این تبعیضها همیشه بوده است. خانمهایی هم بوده‌اند که در سطوح بالا قرار می‌گرفتند و مثلاً ملکه‌ی کشوری می‌شدند و این امتیاز، از طریق خانواده و میراث به آنها داده می‌شده است؛ اما «زن» این طور نبوده و بر خلاف دیدگاههای ادیان - که سالم و دست نخورده‌اش اسلام است و دیگر ادیان هم یقیناً همین دیدگاه را دارند - به هیچ وجه در جامعه از حقوقی برخوردار نبوده است. پس، می‌بینید امروز هم که دنیای تمدن غرب می‌خواهد آن عقب‌افتادگیِ بسیار ملامت‌انگیز خود در مورد مسأله‌ی زن را جبران کند، طور دیگری جبران می‌کند. تصور من این است که آنها جانب مفاهیم انسانی در مورد زن را تحت‌الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهند؛ کمااین‌که از اول هم در اروپا همین‌طور بوده است و از همان هنگام که به زنان حقوقی داده شد، غالباً بر همین مبانی غلط استوار بوده است.مربوط به :[**بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان - 1368/10/26**](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2251)عنوان فیش :سیمای زن در رژیم پهلویکلیدواژه(ها) : [تاریخ بر سر کار آمدن و حکمرانی محمدرضا پهلوی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3923), [وضعیت فرهنگی در رژیم پهلوی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4258), [نگاه غلط به زن](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4510), [اثرات فرهنگی انقلاب اسلامی](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4006)نوع(ها) : روایت تاریخیمتن فیش :در رژیم گذشته، با این که جمع کثیری از زنها، هم بی‌سواد بودند و هم از مسایل اجتماعی چیزی سرشان نمی‌شد - یعنی نمی‌گذاشتند چیزی سرشان بشود - و هم به سرنوشت کشور بی‌علاقه بودند و اصلاً نمی‌دانستند که زن می‌تواند در سرنوشت کشور دخالت داشته باشد، با وجود اینها از لحاظ ظاهر، شبه اروپایی و گاهی هم روی دست زنهای غربی و اروپایی زده بودند و وقتی کسی نگاهشان می‌کرد، خیال می‌کرد که این زن الان از یک کشور اروپایی و از یک محیط غربی وارد ایران شده است؛ اما اگر با او دو کلمه صحبت می‌کردی، می‌دیدی که یک خانم بی‌سواد و یا کم سوادی است!زن را وادار می‌کردند که به وسیله‌ی جلوه‌گری و جلب چشمها به سمت خود، برای خویش یک شخصیت کاذب درست کند. این، برای زن انحطاط بود و پیشرفت نبود. آیا جنایتی بزرگتر از این نسبت به زن وجود دارد که بیایند سر او را با آرایش و مُد و جلوه‌گری و لباس و طلا و زیورآلات بند کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله، در راه مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست و اخلاق و تربیت وارد بشود؟ این، آن کاری است که در رژیم گذشته، دقیقاً و با برنامه انجام می‌گرفت.انقلاب آمد و رفتار خانمها و جهت حرکت زنهای کشور ما را صد و هشتاد درجه عوض کرد؛ یعنی پشت به آن سمت و رو به سمت نور و رشد و فهم علمی و اخلاقی و سیاسی و حضور در میدانها و رشد شخصیتهای بشری و فایده بخشیدن برای جامعه به معنای واقعی. مواظب باشید از این راه برنگردید. زنها مواظب باشند این راهِ مبارک انقلاب را گم نکنند. امروز، سرگرم شدن به زر و زیور، برای زن مسلمان ایرانیِ انقلابی عیب است. امروز، پُر کردن سر و سینه و دست از زیورآلات و بت قرار دادن زیور و آرایش و مُد و لباس، برای زن انقلابیِ مسلمانِ ایرانی ننگ است. آن کسی که در پی این گونه چیزهاست، ارزشش پایین است. طلا، برای زن ارزش آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی به طلا، ارزش آفرین است. مُد، برای زن ارزش آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی نسبت به مُدهای دام‌گونه‌ی ساخته و پرداخته‌ی دشمنان، برای زن ارزش است.زن مسلمان، شخصیت خودش را پیدا کرده است. مواظب باشید این شخصیت را گم نکند. |